



پیامدهای جنگ مردمی، جنگ تخصصی

براستی معلوم نیست، وقتی از جنبش آزادیبخش عربستان حمایت می‌شود، ملاقات با شاهزاده فهد دیگر چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

از آغاز تا کنون دو نوع طرز فکر در باره جنگ وجود داشته است: یک طرز فکر انحرافی که جنگ را کلاسیک و تخصصی می‌خواست. ویژگیهای این خط عبارتند از: ۱- جنگ، جنگ کلاسیک و تخصصی است و باید با اسلحه مدرن و ارتش منظم به مقابله ارتش و اسلحه مدرن عراق شتافت. ما به فانتومها، تانکا، و توپهای مدرن احتیاج داریم و برای پیروزی بر دشمن باید از لحاظ اسلحه و تکنیک بر او برتری پیدا کنیم. نتیجه جبری این ویژگی آن است که ما باید برای ادامه جنگ از آمریکا و وابستگان به آن اسلحه بخریم و یا تن به سازش بدهیم و چون برای تهیه اسلحه به پول احتیاج داریم، ناچار از فروش نفت هستیم و خیلی کارهای دیگر. ۲- چون جنگ تخصصی است، رهبری و هدایت آن باید فقط با متخصصان باشد. بقیه در صفحه ۳



مسئله زمین و طرح مالکیت اراضی شهری

بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن، مردم انتظار داشتند اصل خدا مالکی به از اصول مسلم اسلام است در مورد زمین و دیگر ثروت‌های عمومی جامعه بنیاده شده و آنها پس از سالها انتظار با تلاش و کوشش خود مسکن مورد احتیاج خود را تهیه کنند.

سعی خود آنها آباد کرده و مورد استفاده قرار دهند. در دست عده‌ای از ثروتمندان جامعه احتکار شده بود و با بورس‌بازی و هزاران فریب دیگر و با استفاده از حمایت رژیم قیمت آنها هر روز بالاتر برده و مردم را از این نعمت طبیعی خود محروم می‌ساختند. بقیه در صفحه ۵

مسئله زمین بعنوان یک مساله حاد اجتماعی مدت طولانی است که برای اقشار مختلف ملت مستضعف ایران مطرح می‌باشد و هم‌اکنون که طرح رسیدگی به مالکیت اراضی شهری در مجلس مطرح شده و نتیجه قطعی مالکیت زمین بزودی معلوم خواهد شد، جا دارد که به این مساله توجه بیشتری شود:

کوشه‌ای از حمایتها و فشارهای حامیان فتوایا
بابسیج دهقانان جهت اجرای بنداج، حمایتها و فشارهای حامیان فتوایا
را در هم شکنیم

مبارزه بنیادی و اساسی با عوامل بازدارنده و پایگاههای امپریالیسم میسر نیست. یکی از موارد اساسی این مبارزه، قطع ید فتوایاها و خوانین از روستاها و سپردن زمین به صاحبان اصلی آن یعنی دهقانان می‌باشد و تا هنگامیکه این امر تحقق نیابد، هیچ‌وجه امید آن نمی‌رود که انقلاب راه استقلال واقعی را پیموده و از وابستگی به امپریالیسم رهایی یابد. علاوه بر این، جنایات عده‌های روستائیان و دهقانان عزیز در طول سالیان دراز در زیر چکمه‌های دژخیمان فتوایاها و خوانین دیده‌اند و تحمل نموده‌اند، در اثر ابقای این وضع در روستا و ادامه حیات فتوایاها و خوانین، همچنان ادامه یافته و حقوق روستائیان محروم پایمال خواهد شد. بی‌شک آنها که به دفاع از فتوایاها، با هر توجیه و تعمیری پرداخته و آنها را بقیه در صفحه ۴

تورم و گرانی بیداد می‌کند

تکیه بر فروش نفت برای تأمین بودجه، اثرات و عواقب خود را در زمینه وابستگی اقتصادی و اقتصاد تک‌محصولی پس‌ازمدتی نشان خواهد داد.

مسائل و مشکلات اقتصادی که اکنون گریبانگیر کشور است، هم در زمینه تئوری و نظری است و هم در زمینه عملی و اجرایی. مدتهاست دولت میکوشد بنحو بی‌اعمال برخی روستاها و شوره‌ها خلوی تشدید بحران را بگرد اما بناسبت ضعف در برنامه و اجرا نتایج چندانی عاید نشده است. نرخ اجناس و مایحتاج زندگی بشدت بالا رفته و در این رابطه به قشرهای محروم و زحمت‌کش جامعه - کارگران و دهقانان - فشار بیش از همه وارد میشود. در برخی روستاها و مناطق کشور هنوز سهمیه جیره بندی توزیع نشده است و این مساله بر بدبینی و یاس آنان می‌افزاید. چه در زمینه صنایع و چه در زمینه کشاورزی اکنون کشور با مشکلات جدی روبروست. توقف بند "ج" ضربهای بود که بر پیشر انقلاب وارد آمد و تاخیر هرچه بیشتر آن ضربات مهلک‌تری وارد خواهد آورد. کشاورزی که اساس اقتصاد کشور ما را می‌بایست تشکیل دهد، اکنون دست‌خوش تلاطم جریانی است که در یک سوی آن نیروهای محروم و زحمت‌کش جامعه که سالها در فقر و محرومیت زیسته‌اند می‌باشند و در سوی دیگر کسانی که از خون محرومان در تنعم و رفاه زندگی میکنند. این گروه بوسيله حامیانشان درصدد لغو بند "ج" می‌باشند و تمام نیروی خود را برای حذف این بند بکار می‌برند. دفتر امام هر روز شاهد دریافت نامه‌ها و تلگراف‌هایی است که فتوایاها و حامیان آنان برای لغو بند "ج" بقیه در صفحه ۵

راه مردم در مسیر پیروزی و استقلال، از راه سازش و وابستگی جداست

تنها راه تداوم انقلاب و استمرار مبارزه و جلوگیری از سازش، اتکا واقعی به قدرت مردم و برهیز از خودمحموری، استکبار و تنگ‌نظری در رهبری جامعه است.

چندی است که تحولات محسوس در اوضاع سیاسی کشور رخ داده است، که ممکن است در ظاهر فاقد معنای خاص باشد، ولی به اعتقاد ما دلالت بر وجود گرایشهای تازه در سیاستهای حاکم بر کشور دارد. یک بعد این تحول اینست که مدتی است وقایع جنگ و درگیریهای مردم با دشمن، محور اصلی اخبار و حوادث نیست و به مساله درجه دوم و یا سوم تبدیل شده است. درست است که هنوز در بخشهای خبری، اطلاعاتی سپاه و ارتش خوانده میشوند و حملات پارتیزانی نیروهای رزمنده ادامه دارد، لکن در مقایسه با پیش از آخرین حمله "بزرگ"، وضع جبهه‌ها بویژه جبهه جنوب ساکن و آرام بنظر میرسد. رئیس‌جمهور کمتر در جبهه حضور دارد و بیشتر وقت خود را به مسافرت به شهرها و ایراد سخنرانی و فعالیت‌های سیاسی می‌گذراند. کارنامه وی که تا چندی پیش از بازدید روزانه در سنگرها گزارش می‌داد، اکنون به گزارش ترجمه کتابهای خواننده شده اختصاص یافته است. از حمله و ضدحمله خبری نیست و در حقیقت سیاست صبر و انتظار پیش گرفته شده است. هیچیک از مقامات رسمی کشور و از جمله رئیس‌جمهور از نقشه‌ها و برنامه‌های خود درباره سرنوشت جنگ و صلح اطلاعی درست در اختیار مردم نمی‌گذارند. آنچه مسلم است، طرحهای رئیس‌جمهور در مورد جبهه‌ها و رهبری و هدایت جنگ با موفقیت پیش رفته و حاکمیت ارتش منظم و جنگ کلاسیک بر جبهه‌ها تثبیت گردیده است و نیروهای مردمی و سپاه در انزوا قرار گرفته و تدریجا آزادی عمل خود را برای ادامه جنگ - هرچند تا پیروزی نهایی در دست می‌دهند - همزمان با خاموشی نسبی جبهه‌ها، فعالیت‌های سیاسی حول سرنوشت جنگ و صلح تشدید گردیده و هر دو جناح هیات حاکمه - دولت و رئیس‌جمهور - در این زمینه مشغول کارند. جناح حزب و دولت که ناچار از صحنه خوزستان پا پس کشیده است، سعی میکند ابتکار فعالیت برای صلح را در دست گیرد و رئیس‌جمهور هم در این زمینه بیگار نیست و تلاش میکند، از رقیب عقب نمانده ابتکار عمل در صحنه سیاست را از چنگ آنها خارج سازد. آنان در یک نقطه به اشتراک رسیده‌اند و آن اینکه به شمار انقلاب و مردم که عبارت است از ادامه نبرد تا پیروزی، عمل نکنند. زیرا تحقق این شعار و خودداری از مذاکره با دشمن و جلب موافقت وی برای عقب‌نشینی و انعقاد پیمان صلح، مستلزم ادامه بقیه در صفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک دکتر حسیب‌الله پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

تباين و تضاد در بين پديده‌ها واقعیتی است که هیچ انسان سالمی نمی‌تواند منکر شود. اینهمه پدیده‌های متنوع و مختلف در رنگ و شکل و متضاد در خواص و آثار از چشمان کسی پوشیده نیستند و قرآن و نهج البلاغه به کرات یادآور این تنوع و کثرت و اختلاف و تضاد شده‌اند.

قبول دو نیرو و قوه بازدارنده و آزاد کننده مرادف قبول ثنویت نیست، زیرا این قوای متضاد در جهان پدیده‌ها هستند، نه در مطلق هستی که واحد و بسیط است. این پندار که قبول توحید با قبول اصل تضاد مغایرت دارد، از یک نظر ناشی از مخلوط کردن مطلق با نسبی، وجود با ماهیت و یا خدا با جهان خلقت است. پیشتر هم اشاره کردیم که در وجود و هستی مطلق، کثرت و تضاد را راهی نیست، و این مساله آنقدر بدیهی است که نیازی به اثبات ندارد. تضاد و کثرت در پدیده‌ها است، اما ممکن است بگویند مگر در پدیده‌ها وحدت وجود ندارد و توحید در همجا حکمفرما نیست؟ آیا قبول تضاد، انکار حاکمیت الله در همجا نیست؟ چنانکه بعضی از وجود دو قوه شیطانی و الهی در انسان برداشت ثنویت می‌کنند و میگویند با این سخن ما عملاً به وجود دو قوه در کل هستی قائل شده‌ایم و برای خدا شریک فرض کرده‌ایم؟ جواب می‌دهیم که اولاً "کثرت و بقیه در صفحه ۶

راه مردم در مسیر پیروزی و استقلال، از راه سازش و وابستگی جداست

بقیه از صفحه ۱

جنگ بگمک توده‌ها و نیروهای مردمی و نظامی تا مرحله بیرون راندن کامل متجاوزین است و چنانکه میدانیم، رئیس‌جمهور به این نظریه (جنگ درازمدت مردمی) اعتقاد ندارد. و به اعتقاد مردم عمل نکرده است و دولت و حزب که هنوز هم شعار ادامه جنگ تا پیروزی و نفی مذاکره را می‌دهند، عملاً از انجام آن ناتوان هستند، زیرا ابتکار عمل در صحنه جنگ ندارد و سپاه نیز در جبهه تدریجاً در تابعیت ارتش در می‌آید و به پشت صفوف نظامیان منتقل می‌شود و نقش توده‌ها بیشتر منحصر به فعالیت در پشت جبهه و خطوط تدارکاتی می‌گردد. مشاهده این وضعیت تأثیری ناگوار بر روحیه بسیاری از افراد سپاه و نیروهای رزمنده در داخل و خارج ارتش باقی می‌گذارد که مسلماً نمی‌توان از انعکاس آن در سایر نقاط و در میان توده‌های میلیونی که هنوز با تمام وجود صحنه

راه پرافتخاری است که مورد علاقه نیروهای مؤمن به انقلاب در ارتش، سپاه، بسیج و میلیونها مردم مبارز و رنج‌دیده ماست. آنان مصمم و آماده برای ادامه نبرد و رد هر نوع تسلیم طلبی و سازش می‌باشند. البته گسب پیروزی راه دومی هم دارد و آن خرید سلاح‌های پیچیده از دول‌امپریالیستی است که به وابستگی می‌انجامد و با استقلال ما ساقاات دارد و ملت ایران و همه نیروهای رزمنده در جبهه و حتی پرسنل انقلابی ارتش این راه‌حل را رد میکنند.

در صحنه سیاست علاوه بر فعالیت‌هایی که در رابطه با سرنوشت جنگ جریان دارد درگیری دو جناح که تحت تأثیر سخنان امام و توصیه‌های ایشان به وحدت و همکاری، ظاهرآ آرام‌تر شده است، در واقع و در زیر با شدت تمام ادامه دارد. جناح دولت و حزب با دقت بیشتری سکوت ظاهری را رعایت می‌کند، در صورتیکه جناح رئیس‌جمهور هیچ فرصتی را برای ادامه حملات ستیزه‌جویانه از دست نمی‌دهند. زیرا بهیچوجه میل ندارند پایگاه‌هایی که در میان طبقات مختلف جامعه بدست آورده‌اند از دست بدهند و بسیج و هیجان ایجاد شده فروکش کند. بهین جهت رئیس‌جمهور در سخنرانی ۲۲ بهمن علیرغم خوانده شدن پیام امام، در ابتدای برنامه که تأکید شدید روی حفظ وحدت و رعایت سکوت و خودداری از حمله بیگانه‌گرداشت، نتوانست آن فرصت را برای حفظ موضع تهاجمی خود از دست بدهد و گمانی را که برای شنیدن سخنان تند علیه جناح مخالف آمده بودند بگلی مایوس سازد. بعلاوه پس از آنکه در جبهه جنگ بهدفعات نظامی (حاکمیت جنگ کلاسیک و تحمل سکوت و آرامش در جبهه و بیرون راندن رقیب) و سیاسی (استفاده وسیع تبلیغاتی علیه رقیب و جلب نظر و حمایت مردم) خود نایل آمد، با وجودیکه موفقیت نظامی نصیبش نشده است و پیش از آنکه قادر باشد وعده‌های خود را دایر بر حملات شدید و متقابل به دشمن عملی کند، برای حفظ جو مساعدی که در جامعه بدست آورده است، ترجیح داد که راهی شهرها شود و بر فعالیت‌های سیاسی خود بیفزاید. عقب‌نشینی و سکوت جناح دولت و حزب، برخی شعارها و تکیه‌کلامها را از جنگ وی خارج ساخته، ولی این جناح هنوز دلیل و بهانه کافی برای ادامه تهاجم در دست دارد، بطور مثال تا وقتی پدیده جماعت‌داری و حملات به اشخاص و گروه‌ها از بین نرفته، گسب وجهه از این طریق میسر است. اما بروز یک شکاف در سیاست‌های عناصر موجود در این جناح - نهضت آزادی بود. رئیس‌جمهور - سابل توجه است. می‌دانیم که رئیس‌جمهور برای تثبیت قدرت خود به کمک متحدین لیبرال‌ش می‌کوشد مجلس را که سنگر جناح مخالف است، بنحوی از دست حزب خارج سازد. در این راه هم از برخورد‌های تنگ‌نظرانه برخی نمایندگان در مجلس در تبلیغات علیه آن استفاده می‌کنند تا در موقعیست مناسب و پس از آماده‌کردن افکار عمومی به استغفاي دستجمعی، عملاً آنرا فلج ساخته و ضرورت انتخابات جدید را مطرح کنند.

همانند روزهای اول جنگ، بر این اعتقاد هستیم که انقلاب فقط یک راه دارد و آن ادامه نبرد تا پیروزی، یعنی بیرون راندن دشمن از خاک کشور بدون هیچ‌نوع مذاکره و قبول میانجیگری است و این هدف با قبول جنگ درازمدت مردمی دست‌یافتنی است.

مبارزه و مقاومت و ایثار و شهادت را ترک نکردند، جلوگیری کرد. سفر نمایندگان رئیس‌جمهور به کشورهای آمریکا، اروپا و خاورمیانه و آمدرنفت نمایندگان کنگرانس طائف و ملاقات با مسئولان دولت و رئیس‌جمهور و نیز سفر حقانی به عربستان و دیدار وی با شاهزاده فهد و دیگر فعالیتهای سیاسی پشت‌پرده که برخی در اخبار رادیوها و جرائد خارجی هم منعکس می‌شود، همه دلالت بر وجود گرایش بسوی صلح با متجاوزین به میانجی‌گری نمایندگان کنگرانس طائف دارد. اگر چنین گرایشی واقعیت داشته باشد، قطعاً عراق نیروهای خود را تا پشت مرزها عقب می‌کشد و جنگ متارکه و پایان می‌پذیرد. ظاهرآ متارکه جنگ با خروج دشمن از خاک کشور همراه است، اما این سوال باقی می‌ماند که عراق با در دست داشتن صدها کیلومتر مربع از خاک ایران و در حالیکه در مناطق اشغالی، استحکامات نظامی نسبتاً نیرومندی احداث کرده است و از جانب ارتش ایران هم حملاتی صورت نمی‌گیرد و فعالیت سپاه و داوطلبان هم تدریجاً تحت کنترل درمی‌آید، بخاطر چه امتیازاتی حاضر می‌شود مناطق اشغالی را پس بدهد؟ و صلح احتمالی که با ابتکار عمل و میانجی‌گری گردانندگان طائف منعقد شود، تا چه اندازه بسود انقلاب خواهد بود؟

تفاوت بین سیاست‌های جناح دولت و جناح رئیس‌جمهور در مورد جنگ بر همه روشن است و تمایل اولیه جنگ به بیرون راندن دشمن و حتی ادامه جنگ تا سقوط صدام بارها اعلام و تأکید شده بود. در یکی از شماره‌های پیشین امت نوشتیم که دولت با بینش و ماهیتی که دارد، از بسیج و سازماندهی توده‌ها برای ادامه نبرد تا پیروزی نهایی عاجز است و لذا با وجود علاقه‌ای که به آن شعار نشان میدهد، ابتکار عمل را بنفع رئیس‌جمهور در جبهه جنگ از دست می‌دهد و زیر فشار بحران اقتصادی و سیاسی برای آنکه قدرت را از دست ندهد و جلوی اصطلاحاً خود را بگیرد، در صورت عقب‌نشینی دشمن و خروج از مناطق اشغالی، مصلحت خود را در قبول صلح می‌بیند و این تنها راهی است که به

سفر نمایندگان رئیس‌جمهور به کشورهای آمریکا، اروپا و خاورمیانه و آمد و رفت نمایندگان کنگرانس طائف و ملاقات با مسئولان دولت و رئیس‌جمهور و نیز سفر حقانی به عربستان و دیدار وی با شاهزاده فهد و دیگر فعالیتهای سیاسی پشت‌پرده همه دلالت بر وجود گرایش بسوی صلح با متجاوزین - به میانجیگری نمایندگان کنگرانس طائف دارند.

مصلحت آن جناح می‌باشد. بعضی این نقطه نظر را، اعتقاد ما در باره سرنوشت جنگ تلقی کرده بودند، در صورتیکه همانند روزهای اول جنگ، بر این اعتقاد هستیم که انقلاب فقط یک راه دارد و آن ادامه نبرد تا پیروزی یعنی بیرون راندن دشمن از خاک کشور بدون هیچ‌نوع مذاکره و قبول میانجی‌گری است و این هدف با قبول جنگ درازمدت مردمی دست‌یافتنی است. این

اما نهضت آزادی با این سیاست و هدف رئیس‌جمهور ظاهرآ موافق نیست و چارچوب فعلی جمهوری را می‌پذیرد و خواستار اجرای قانون اساسی و رعایت حدود آن از جانب سه قوه است. اگر این اختلاف درست باشد، از قدرت مانور و موقعیت اجتماعی رئیس‌جمهور بشدت گاسته می‌شود و راه آشنی مجدد بین جناح نهضت آزادی و دولت و حزب تاحدودی هوار می‌گردد. البته در جبهه متحد لیبرالها رئیس‌جمهور هنوز از حمایت همه‌جانبه و پرشور مجاهدین خلق و چپ‌های آمریکائی و طبقات سرمایه‌دار و فتودال و بورژوازی اداری و ارتشی و اقشار وسیعی از مردم و برخی محافل آزادیخواه که نسبت به عملکردهای حزب و بعضی نهادهای انقلاب و روحانیون بدبین شده‌اند، برخوردار است و اخیراً هم حمایت رسمی و علنی افرادی چون قاسمو و بنی‌اعمد را هم جلب کرده است، و در نتیجه هنوز نقطه امید و تکیه‌گاه منحصر بفرود کلیه جریانهای فوق بشمار می‌رود.

شاید آقای بنی‌صدر نداند و یا نخواهد که محور و تکیه‌گاه اتحاد و تشکل جریان‌های باشد که اگرچه امروز رهبری او را پذیرفته‌اند لکن دارای چنان قدرت و اثری هستند که در درازمدت اوست که باید مجری مقاصد و اهداف آن جریان‌ها باشد ولی چه کسی میتواند انکار کند که اگر سنخیت مشترکی از لحاظ معرفتی و یا خصلتی بین ایشان و این جریان‌ها وجود نمی‌داشت، چگونه این همبستگی و اتحاد و همکاری تحقق می‌یافت. طیف گسترده جریانات اجتماعی مشخص نظیر سرمایه‌داران بزرگ تجاری و صنعتی و مالکان و فتودالها و اقشار مرفه و طبقات متوسط جامعه، و نیز شخصیت‌ها و گروه‌های مذکور که حمایت همه‌جانبه از ایشان میکنند قطعاً منافع خود را در حرکت درازمدت وی

محقق می‌بینند. بنابراین بیشتر از شعارها و نوشته‌ها، عملکردها و ماهیت متحدین و همراهان است که خصلت‌ها و ماهیت یک فرد یا یک جریان را تعیین می‌کنند. آنچه مسلم است جریانات گسترده‌ای که ایشان سعی میکنند بلکه با حمایت آنها به اهداف خود برسند، غالب آنها در خط‌وابستگی یا قدرتهای استعماری و استکباری غرب عمل می‌کنند و در صورت موفقیت از این سرنوشت گزینی نیست.

اما جناح دولت و حزب که تاکنون از حل مسائل مهم انقلاب عاجز مانده است و فشار شدید بحران مالی و اقتصادی و حملات سیاسی و تبلیغاتی رقیب بسختی او را زیر فشار قرار داده است، برای حفظ قدرت و نیز حل مسائل دشوار کشور فاقد یک استراتژی روشن و واحد و انقلابی است. درست است که از طرح‌های ملی کردن تجارت خارجی، تقسیم اراضی و تشکیل تعاونی‌ها و کنترل توزیع دست‌نکشیده است و در عدم سازش با امپریالیسم تأکید زیاد میکند، اما عملگره کلی آن با توجه به ماهیت غالب بر آن تاکنون ثابت کرده است که قادر به حل بنیادی و انقلابی مسائل فوق نیست. وجود تکه‌عناصری یا تمایلات مردمی و طرفدار تقسیم اراضی یا نفی سرمایه‌داری، تأثیر زیادی در سیاست‌های کلی این جریان نگذاشته است، زیرا بینش جزمی و قشری حاکم بر آن و تنگ‌نظری شدید در برخورد با دیگر نیروها و اقشار اجتماعی و وابستگی که به بخشی از تجار و سرمایه‌داران دارد، اجازه عملگره بهتری به آن نمی‌دهد، لذا می‌بینیم که شعارها عمل نمی‌شود، آثار تزلزل در برخورد با مساله جنگ و رفع تجاوز همانند مساله گروگانها مشهود است، از بسیج و

سازمان‌دادن انقلابی توده‌ها هم عاجز است، لذا در اجرای طرح تقسیم زمین و ملی کردن تجارت خارجی مردد و متزلزل است و حاضر نیست منافع سرمایه‌داران و مالکان و خواست مرتجعان علیرغم خواست عناصر صادق و مؤمن به انقلاب را فدای مصالح انقلاب و مکتب و منافع توده‌ها کند. این جناح با وجود ضربات سختی که از رقیب تحمل کرده و بخش وسیعی از پایگاه اجتماعی خود را از دست داده است قادر نیست با ضعف‌ها و انحرافات خود

رئیس‌جمهور پس از آنکه در جبهه جنگ به هدفهای نظامی و سیاسی خود نایل آمد، با وجودیکه موفقیت نظامی نصیبش نشده است، و پیش از آنکه قادر باشد وعده‌های خود را دایر بر حملات شدید و متقابل به دشمن عملی کند، برای حفظ جو مساعدی که در جامعه بدست آمده است، ترجیح داد که راهی شهرها شود و بر فعالیت‌های سیاسی خود بیفزاید.

برخورد قاطع کند و نهادها را از باند‌های مرتجع و فرصت‌طلب و گروه‌های فشار تصفیه و آزاد سازد، بعکس با شدت وحدت‌بیشتری و با تنگ‌نظری و انحصارطلبی کامل نهادها را از بسیاری عناصر مؤمن و لایق و متعهد به انقلاب و مکتب پاکسازی می‌کند و به حمایت خود از باند‌های فشار و مرتجع در دستگاه‌های اجرائی و وزارت‌خانه‌ها و در داخل شهرها ادامه می‌دهد. بی‌دلیل نیست که علیرغم ادعاهای مقامات دولتی در نفی چماقداری و حملات به اشخاص و گروه‌ها، این پدیده با شدت ادامه دارد و حتی نهی شدید امام هم نتوانسته است آنها را بجای خود بنشانند و دولت را به انجام وظیفه قانونی‌اش وادار کند. علتش آنستکه شاخه‌هایی از ارگانهای حاکم چون حزب و سپاه و گمیتها و برخی از روحانیون

برخورد قاطع کند و نهادها را از باند‌های مرتجع و فرصت‌طلب و گروه‌های فشار تصفیه و آزاد سازد، بعکس با شدت وحدت‌بیشتری و با تنگ‌نظری و انحصارطلبی کامل نهادها را از بسیاری عناصر مؤمن و لایق و متعهد به انقلاب و مکتب پاکسازی می‌کند و به حمایت خود از باند‌های فشار و مرتجع در دستگاه‌های اجرائی و وزارت‌خانه‌ها و در داخل شهرها ادامه می‌دهد. بی‌دلیل نیست که علیرغم ادعاهای مقامات دولتی در نفی چماقداری و حملات به اشخاص و گروه‌ها، این پدیده با شدت ادامه دارد و حتی نهی شدید امام هم نتوانسته است آنها را بجای خود بنشانند و دولت را به انجام وظیفه قانونی‌اش وادار کند. علتش آنستکه شاخه‌هایی از ارگانهای حاکم چون حزب و سپاه و گمیتها و برخی از روحانیون

برخورد با سرمایه‌داران و مالکان و مرتجعین که در سطور پیش ذکر گردید، به دودلیل به اینکار موفق نیست: اول: عدم توانائی در بسیج و سازمان‌دادن انقلابی توده‌ها - دوم: انحصارطلبی و تنگ‌نظری در برخورد با دیگر نیروها - چنانکه طرح تقسیم زمین بهمین دلیل با شکست و یا وقفه مواجه شده است و این وقفه موجب یاس و انفعال دهقانان و تجری مالکان و فتودالها و کاهش تولید کشاورزی شده است بطوریکه اجرای مجدد آن هم با اشکالات زیادی مواجه شده است، بدون تشکل و سازمان دادن دهقانان و آموزش سیاسی و نظامی بدانان و دادن وسائل کشت و آب و بذر و گمکهای فنی، چگونه میتوان مقاومت مالکان و ضد انقلاب را در هم شکست و دهقانان را به کشت و افزایش تولید تشویق و وادار کرد؟

شاید آقای بنی‌صدر نداند و یا نخواهد که محور تکیه‌گاه اتحاد و تشکل جریان‌های باشد که اگرچه امروز رهبری او را پذیرفته‌اند، لکن دارای چنان قدرت و اثری هستند که در درازمدت، اوست که باید مجری مقاصد و اهداف آن جریان‌ها باشد. ولی چه کسی میتواند انکار کند که اگر سنخیت مشترکی از لحاظ معرفتی یا خصلتی بین ایشان و این جریان‌ها وجود نمی‌داشت، چگونه این همبستگی و اتحاد و همکاری تحقق می‌یافت؟

وابستگی و سازش بايستند. فراموش نکنند که چشم امید مستضعفان و محرومان جامعه در سراسر جهان به انقلاب ما دوخته است، ما در برابر خدا و همه مستضعفان جهان متعهدیم، در برابر سرنوشت خود متعهدیم که هرگز تسلیم نشویم، یاس و ناامیدی بخود راه ندهیم، به تبعیت گورگورانه و تسلیم‌طلبی و دنباله‌روی تن ندهیم، بلکه آگاهانه چنانکه شایسته انسانهای طراز پیشتازان صالح است و با اخلاص تمام به آرمانهای انقلاب وفادار بمانیم و عهد خود را با خدای خویش هرگز تشکیم و بدانیم که اگر دولتمردان به پایان خطر رسیده‌اند، توده‌ها مصمم به ادامه راه و مبارزه تا پیروزی هستند.

این صف ماهیتی در انگاه به توده‌ها در همه زمینه‌ها آشکار است. حضور فعال مردم در صحنه‌های جنگ و حمایت وسیع و ایثارگراانه از رزمندگان نه در سایه سیاست‌های جناح‌های حاکم، که دقیقاً مربوط به جوهر مکتبی (اسلامی) انقلاب و نفوذ معنوی و انگیزه بخش رهبری امام خمینی است و چقدر دردناک است که می‌بینیم فاصلای عمیق بین طرفیت فداکاری و حرکت و جوش و مقاومت و ایستادگی در بین مردم از یکطرف و ماهیت

این صف ماهیتی در انگاه به توده‌ها در همه زمینه‌ها آشکار است. حضور فعال مردم در صحنه‌های جنگ و حمایت وسیع و ایثارگراانه از رزمندگان نه در سایه سیاست‌های جناح‌های حاکم، که دقیقاً مربوط به جوهر مکتبی (اسلامی) انقلاب و نفوذ معنوی و انگیزه بخش رهبری امام خمینی است و چقدر دردناک است که می‌بینیم فاصلای عمیق بین طرفیت فداکاری و حرکت و جوش و مقاومت و ایستادگی در بین مردم از یکطرف و ماهیت

خیر انقلابی و سازشکار و یا روحیه متزلزل و ناپیگیر حکومتگران وجود دارد. توده‌ها سال است مقاومت میکنند و شهید میدهند و از همه چیز خود صرف نظر میکنند و دولتمردان با سیاست‌های نادرست خود تدریجاً باعث یاس و انفعال و تفرقه و شتت در میان توده‌ها میشوند. چقدر دردناک است که می‌بینیم مردم آماده‌اند تا مبارزه علیه استکبار جهانی و بیعدالتی و استعمار را تا پیروزی نهایی ادامه دهند و برای رسیدن به هدف، بهائی هراندازه سنگین بپردازند، لکن در بالا عدای بر میراث خون شهیدان دعوا میکنند و به انگیزه قدرت‌طلبی و یا از روی تنگ‌نظری و قشری‌نگری، دست‌آورد‌های خلق را بر باد می‌دهند. توده‌ها از انگیزه‌های خدائی سرشاراند و صدورشینان از خصلت‌های استکباری آکنده. ما بارها و از نخستین ایام پیروزی و پیش از آنهم اعلام کردیم که در غیبت یک نیروی متشکل و بکنیتی از پیشتازان صالح، باز هم تنها راه تداوم انقلاب و استمرار مبارزه و جلوگیری از سازش، انگاه واقعی قدرت مردم و پرهیز از خودمحوری - استکبار و تنگ‌نظری در رهبری جامعه است.

ما مطمئن هستیم که خلق بیدار و دلیر و مؤمن ایران، راهی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال و حاکمیت الله آغاز کرده است ادامه خواهد داد و موانع این راه را از پیش پا برخواهد داشت. مردم رهنمودهای امام را ملاک و معیار و راهنمای عمل خویش قرار خواهند داد. وظیفه نیروهای مؤمن به انقلاب و مکتب در هر جا که هستند، در سپاه پاسداران و در جبهه، در دانشگاهها و مدارس، گارخانجات و مزارع و در ادارات و کارگاهها اینستکه تسلیم سیاست‌های سازشکارانه و یا ارتجاعی نشوند، روش‌های تنگ‌نظرانه و قشری را محکوم کنند، اجازه ندهند نهادها و یا نیروهای آنان وسیله و آلت اجرای شخصی افراد شوند، اجازه ندهند که سیاست‌های انحصارطلبانه و قشری آنها را از حرکت در راستای انقلاب و مکتب منحرف سازد و با تمام قوا و با هوشیاری کامل در برابر هر گرایش استبدادی یا حرکت بسوی

مکتب در هر جا که هستند، در سپاه پاسداران و در جبهه، در دانشگاهها و مدارس، گارخانجات و مزارع و در ادارات و کارگاهها اینستکه تسلیم سیاست‌های سازشکارانه و یا ارتجاعی نشوند، روش‌های تنگ‌نظرانه و قشری را محکوم کنند، اجازه ندهند نهادها و یا نیروهای آنان وسیله و آلت اجرای شخصی افراد شوند، اجازه ندهند که سیاست‌های انحصارطلبانه و قشری آنها را از حرکت در راستای انقلاب و مکتب منحرف سازد و با تمام قوا و با هوشیاری کامل در برابر هر گرایش استبدادی یا حرکت بسوی

شاید آقای بنی‌صدر نداند و یا نخواهد که محور تکیه‌گاه اتحاد و تشکل جریان‌های باشد که اگرچه امروز رهبری او را پذیرفته‌اند، لکن دارای چنان قدرت و اثری هستند که در درازمدت، اوست که باید مجری مقاصد و اهداف آن جریان‌ها باشد. ولی چه کسی میتواند انکار کند که اگر سنخیت مشترکی از لحاظ معرفتی یا خصلتی بین ایشان و این جریان‌ها وجود نمی‌داشت، چگونه این همبستگی و اتحاد و همکاری تحقق می‌یافت؟

مکتب در هر جا که هستند، در سپاه پاسداران و در جبهه، در دانشگاهها و مدارس، گارخانجات و مزارع و در ادارات و کارگاهها اینستکه تسلیم سیاست‌های سازشکارانه و یا ارتجاعی نشوند، روش‌های تنگ‌نظرانه و قشری را محکوم کنند، اجازه ندهند نهادها و یا نیروهای آنان وسیله و آلت اجرای شخصی افراد شوند، اجازه ندهند که سیاست‌های انحصارطلبانه و قشری آنها را از حرکت در راستای انقلاب و مکتب منحرف سازد و با تمام قوا و با هوشیاری کامل در برابر هر گرایش استبدادی یا حرکت بسوی

پیامدهای جنگ مردمی، جنگ تخصصی

بقیه از صفحه ۱

و دیگر نیروها و بویژه توده‌ها حق دخالت ندارند و نباید نقشی در رهبری جنگ داشته باشند. با قبول این ویژگی باید کار بدست فرماندهان عالی‌رتبه و متخصص ارتش قرار گیرد، در نتیجه امرای بازنشسته از داخل و خارج از کشور به کار دعوت می‌شوند، کودکانی از زندانها آزاد می‌شوند و رهبری ارتش و جنگ زیرفرماندهی امرا و فرماندهان و رؤسای سابق قرار می‌گیرد. این خط جنگ را بصورت جنگ بین دو کشور عراق و ایران یا دو قوم ایرانی و عرب یا دو ارتش عراق، ایران و اچیان" بین سنی و شیعه و نژاد فارس و نژاد عرب تلقی می‌کند و لذا روی انگیزه ملی، وطنی، قومی و نژادی و کینه‌های ضدعربی، ضد عراقی و ضد سنی بیشتر تاکید می‌ورزد. همچنین خیلی میل دارد آنرا جنگ ایران با حکومت دست‌نشانده روسیه و جنگ ارتش ایران با سلاحهای روسی معرفی نماید و اینطور وانمود کند که عراق بیشتر وابسته به روسیه است تا آمریکا ولی صرفنظر از وابستگیهای اقتصادی - نفتی عراق به آمریکا، حمایت عربستان و اردن و ورود تانکهای آمریکایی و میزبانی فرانسوی این تبلیغات را خنثی کرده است. این خط دنباله خطر رژیم گذشته است که سالها ارتش را با انگیزه‌های ضدعربی و ضدعراقی و محرکهای قومی و نژادی آکنده ساخت.

نتیجه دنبال کردن این خط، تشدید تضادهای نژادی و قومی و مذهبی و از بین بردن انگیزه‌های اسلامی و مکتبی و پایمال کردن آرمانهای انقلاب و برانگیختن احساسات و کینه‌های ملل عرب و در نتیجه جلوگیری از گسترش انقلاب و همسنگی اسلامی بین ملل سلمان منطقه و ایرانی و عرب و ترک و فارس و بلوچ میباشد.

۴ - حاکمیت این خط بر جنگ به انزوی توده‌های رزمده و همچنین افراد سپاه پاسداران و بسیج دیگر نیروهای داوطلب می‌انجامد در عوض نظام اداری و ارتشی سابق را احیا می‌کند.

نتیجه دنبال کردن این خط، تشدید تضادهای نژادی و قومی و مذهبی و از بین بردن انگیزه‌های اسلامی و مکتبی و پایمال کردن آرمانهای انقلاب و برانگیختن احساسات و کینه‌های ملل عرب و در نتیجه جلوگیری از گسترش انقلاب و همسنگی اسلامی بین ملل سلمان منطقه و ایرانی و عرب و ترک و فارس و بلوچ میباشد.

۴ - حاکمیت این خط بر جنگ به انزوی توده‌های رزمده و همچنین افراد سپاه پاسداران و بسیج دیگر نیروهای داوطلب می‌انجامد در عوض نظام اداری و ارتشی سابق را احیا می‌کند.

و همچنانکه قبلا" بر عنوان گردیده بود طرح جنگ مردمی منافاتی با استفاده کامل از سلاحها و امکانات موجود نداشته و اعتقاد به فن و نظم جنگی را غنی نمیکند.

۳ - در جنگ مردمی نقش نیروهای منظم و کلاسیک نمی‌تواند، نقش آنان در کنار مردم در جنگ شرکت می‌کنند، با تمام امکانات خود می‌جنگند، اما ابتکار عمل باید با توده‌ها باشد و استراتژی، جنگ مردمی و درازمدت است. در نتیجه این ویژگی است که سربازان و افسران و درجه داران ارتش که انگیزه انقلابی و اسلامی دارند، تا پایان به جنگ ادامه می‌دهند و آنها که انگیزه‌هایشان جنبه قومی یا کینه‌های نژادی و... دارد، با اصلاح متون و تعالی پیدا میکنند و با ار صحنه خارج میشوند.

در جنگ مردمی و درازمدت و مکتبی

جنگ درازمدت توده‌های تنها مفری است که می‌تواند بنیست فلسفی را در هم شکند. و این امری نیست که از عهده جناحهای حاکم برآید. از اینرو سرنوشت انقلاب با آینده تحولاتی که در مورد جنگ پیدا خواهد شد، گره خورده است.

۱ - جنگ مردمی و مکتبی به دگرگونی مناسبات استبدادی و استعماری و نفی حاکمیت فئودالها و مالکان بر روستاها و اراضی و سرمایه‌داران و تجار محکوم بر صنعت و تجارت منجر میگردد.

۲ - با توجه به همسنگی بعث عراق با صهیونیسم و ارتجاع منطقه، پیروزی ما در یک جنگ مردمی درازمدت بر عراق در حقیقت پیروزی بر ملت سوم امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع است.

۳ - از ابتدای شروع جنگ این دو خط در برابر هم و در تعارض با یکدیگر قرار داشته‌اند. تهاجم امپریالیسم قرار بود همراه با اجرای توطئه‌های دیگر نظیر کودتای درون ارتش، اغتشاشات در بین اقوام و در شهرها همراه باشد و همزمان با اشغال خوزستان و حوزه‌های نفتی، در سایر نقاط هم انقلاب زیر فشار قرار گیرد. اما توطئه کودتا پیش از موقع شکست خورد، ولی تهاجم آغاز گردید به این امید که سایر توطئه‌ها با پیروزی مرحله‌ای عراق شروع شود. مقاومت مردمی مانع از پیروزی سریع عراق و اشغال خوزستان شد، همین جهت اجرای توطئه‌های دیگر تا حدی عقیم ماند. کاملاً پیداست که هر اندازه خط اول بر رهبری جنگ بیشتر جایگرم شود،

۱ - جنگ مردمی و مکتبی به دگرگونی مناسبات استبدادی و استعماری و نفی حاکمیت فئودالها و مالکان بر روستاها و اراضی و سرمایه‌داران و تجار محکوم بر صنعت و تجارت منجر میگردد.

۲ - با توجه به همسنگی بعث عراق با صهیونیسم و ارتجاع منطقه، پیروزی ما در یک جنگ مردمی درازمدت بر عراق در حقیقت پیروزی بر ملت سوم امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع است.

۳ - از ابتدای شروع جنگ این دو خط در برابر هم و در تعارض با یکدیگر قرار داشته‌اند. تهاجم امپریالیسم قرار بود همراه با اجرای توطئه‌های دیگر نظیر کودتای درون ارتش، اغتشاشات در بین اقوام و در شهرها همراه باشد و همزمان با اشغال خوزستان و حوزه‌های نفتی، در سایر نقاط هم انقلاب زیر فشار قرار گیرد. اما توطئه کودتا پیش از موقع شکست خورد، ولی تهاجم آغاز گردید به این امید که سایر توطئه‌ها با پیروزی مرحله‌ای عراق شروع شود. مقاومت مردمی مانع از پیروزی سریع عراق و اشغال خوزستان شد، همین جهت اجرای توطئه‌های دیگر تا حدی عقیم ماند. کاملاً پیداست که هر اندازه خط اول بر رهبری جنگ بیشتر جایگرم شود،

۴ - جنگ درازمدت است زیرا در چنین جنگی استراتژی اصلی مردم، جنگ فرساینده و چریکی و ایستادگی است، و دشمن که فقط به نیروی نظامی کلاسیک و بدون انگیزه مکتبی تکیه دارد، سرانجام فرسوده و شکست می‌خورد. جنگهای مردمی و درازمدت الجزایر و ویتنام تأیید این واقعیت‌اند.

۵ - در جنگ مردمی، همه توده‌ها از دهقانان و کارگران و مردم شهری شرکت دارند و میلیونها نفر داوطلبانه و بدون مزد و پاداش مادی، تدارکات را تهیه و ارسال میدارند. کامیونها مجانی و از روی عشق و ایمان کمک‌ها را به جبهه میرسانند.

همه کارها داوطلبانه و از روی اخلاص و بدون چشم‌داشت مادی با سرعت انجام می‌گیرد و صنع تدارکات جنگ مردمی پایان نپذیر است. در نتیجه برخلاف خط اول، سیستم دولتی و ارتشی، تدارکات اداری بوجود نیامده توسعه نمی‌یابد و سرکار اقتصادی و سیاسی بر جامعه نمی‌شود.

۶ - در این خط توده‌ها ابتکار عمل و رهبری جنگ را بدست می‌گیرند و در نتیجه امکان سازش و مصالحه سازگارانه به دولتمردان و فرماندهان نمی‌دهند.

۷ - وقتی رهبری جنگ با توده‌ها بود، خط سیاسی که رشد میکند، نمایندگی توده‌ها را دارد و ادامه جنگ به توسعه حاکمیت سیاسی توده‌ها کمک می‌کند و حکومتگران منحصر و فرصت طلب‌ها از صحنه خارج و سرزوی میشوند و کلام زیبای امام تحق می‌یابد که گفتند: آن کودک ۱۲ ساله که بمب بر خود بست و ریزر تانک دشمن رفت رهبر واقعی ملت است.

۸ - جنگ مردمی و مکتبی به دگرگونی مناسبات استبدادی و استعماری و نفی حاکمیت فئودالها و مالکان بر روستاها و اراضی و سرمایه‌داران و تجار محکوم بر صنعت و تجارت منجر میگردد.

۹ - با توجه به همسنگی بعث عراق با صهیونیسم و ارتجاع منطقه، پیروزی ما در یک جنگ مردمی درازمدت بر عراق در حقیقت پیروزی بر ملت سوم امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع است.

۱۰ - از ابتدای شروع جنگ این دو خط در برابر هم و در تعارض با یکدیگر قرار داشته‌اند. تهاجم امپریالیسم قرار بود همراه با اجرای توطئه‌های دیگر نظیر کودتای درون ارتش، اغتشاشات در بین اقوام و در شهرها همراه باشد و همزمان با اشغال خوزستان و حوزه‌های نفتی، در سایر نقاط هم انقلاب زیر فشار قرار گیرد. اما توطئه کودتا پیش از موقع شکست خورد، ولی تهاجم آغاز گردید به این امید که سایر توطئه‌ها با پیروزی مرحله‌ای عراق شروع شود. مقاومت مردمی مانع از پیروزی سریع عراق و اشغال خوزستان شد، همین جهت اجرای توطئه‌های دیگر تا حدی عقیم ماند. کاملاً پیداست که هر اندازه خط اول بر رهبری جنگ بیشتر جایگرم شود،

۱۱ - جنگ مردمی و مکتبی به دگرگونی مناسبات استبدادی و استعماری و نفی حاکمیت فئودالها و مالکان بر روستاها و اراضی و سرمایه‌داران و تجار محکوم بر صنعت و تجارت منجر میگردد.

۱۲ - با توجه به همسنگی بعث عراق با صهیونیسم و ارتجاع منطقه، پیروزی ما در یک جنگ مردمی درازمدت بر عراق در حقیقت پیروزی بر ملت سوم امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع است.

۱۳ - از ابتدای شروع جنگ این دو خط در برابر هم و در تعارض با یکدیگر قرار داشته‌اند. تهاجم امپریالیسم قرار بود همراه با اجرای توطئه‌های دیگر نظیر کودتای درون ارتش، اغتشاشات در بین اقوام و در شهرها همراه باشد و همزمان با اشغال خوزستان و حوزه‌های نفتی، در سایر نقاط هم انقلاب زیر فشار قرار گیرد. اما توطئه کودتا پیش از موقع شکست خورد، ولی تهاجم آغاز گردید به این امید که سایر توطئه‌ها با پیروزی مرحله‌ای عراق شروع شود. مقاومت مردمی مانع از پیروزی سریع عراق و اشغال خوزستان شد، همین جهت اجرای توطئه‌های دیگر تا حدی عقیم ماند. کاملاً پیداست که هر اندازه خط اول بر رهبری جنگ بیشتر جایگرم شود،

طرزهای جدید امپریالیسم در منطقه

در جهت حمایت از نقشه‌های آمریکا در خلیج فارس متحمل شدند.

۳ - مرتجعین منطقه که ستوها و محورهای اصلی آنها در این طرح عربستان پاکستان میباشد، از چند جهت نقش حساسی را دارند. اولاً موجودیت این کشورها در اثر انقلاب ایران و موج فزاینده‌ای در منطقه و در جنبشهای آزادی بخش پدید آورده است، بخطر افتاده و با تمام توانی که تاکنون در جهت خنثی کردن آن بکار برده‌اند، بموقعیت چشمگیری دست نیافته و در این جهت یا توجه به شرایط کنونی یعنی حضور توده‌ها و امام نتوانسته‌اند انقلاب را از جوشش دائمی

شواهد امر برمی‌آید، نقش فعالتری را در منطقه برعهده گرفته و در پی سفر کسینجر به منطقه و مذاکراتی که بعمل آورد، و در پی تماسهایی که از سوی رهبران اروپایی با کشورهای مرتجع منطقه صورت می‌گیرد، طرح تسلیح بیش از پیش کشورهای مرتجع منطقه و از سوی فروشهای تسلیحاتی از سوی اروپا به منطقه آغاز میشود.

کسینجر در سفر دوره‌ای خود، بهنگام دیدار از اسرائیل گفت: "اروپا میتواند نقش موثری در خاورمیانه ایفا کند که البته باید این نقش در ارتباط با فعالیت‌های آمریکا در منطقه باشد".

اطلاعات یکشنبه ۲۶ بهمن

عظیم اقتصادی - استراتژیک آمریکا و اروپا تا حدودی متوقف شده و از سوی دیگر ارتجاع منطقه در خطر افزایش موج جنبش - های منطقه قرار گرفته، و در مجموع خط سیاست کلی امپریالیسم آمریکا و متحدین او و ارتجاع منطقه، تنگ کردن محاصره و حلقه‌ای از انواع تهدیدات و خطرات متفاوت در رابطه با انقلاب ایران میباشد.

دشمنان انقلاب ایران در استراتژی جدید، دو سیاست و هدف دوگانه را دنبال میکنند، از یکسو با کمربندی که از جانب کشورهای مرتجع منطقه مانند شیخ‌نشینها و عربستان در جنوب و ازسوی دیگر شرایط کنونی عراق، و در غرب، ترکیه هم‌پیمان ناتو، و در شرق، پاکستان، ایجاد خواهد شد و هر یک از این کشورها در اجرای طرحی گسترده که از سوی امپریالیستها مورد نظر میباشد، سعی در ایجاد اغتشاشات داخلی و منطقه‌ای و استفاده از زمینه‌های قومی، مذهبی، ... و در مجموع هدف این توطئه‌ها از یکسو جلوگیری از موج انقلاب و از سوی دیگر ایجاد برلزل در حاکمیت انقلاب و سقوط آن و ایجاد یاس و ناامیدی در توده‌ها میباشد.

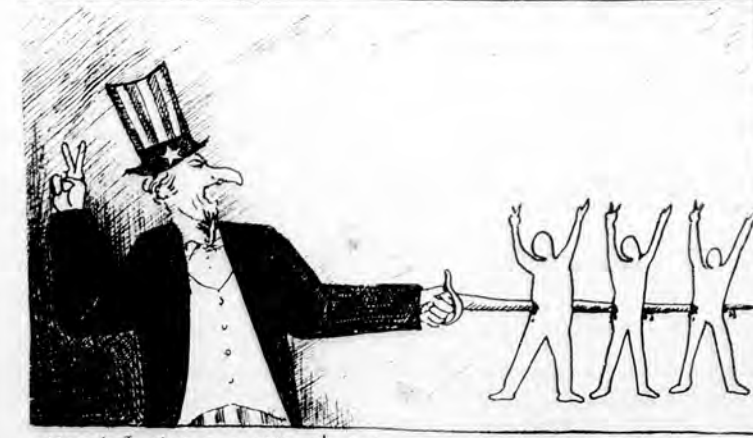
از طرف دیگر هدف از این توطئه‌ها، به ایجاد یک حاکمیت نظامی صرف و یا تشکیل حکومت صددردواسته که بخوبی روشن است رصیه‌های پذیرش آن در شرایط حاضر در توده‌ها بهیچرو آماده نبوده و حضور فعال آنها در صحنه این امکان را از دشمن گرفته است که براحتی بتوانند در این طرح موفقیت حاصل کند، ولذا همچنان امپریالیستها و ارتجاع منطقه بعلت عدم توانائی که در مقابل چنین موج عظیم بوده‌ای دارند، ب ایجاد تزلزل در حاکمیت انقلاب، سعی در ایجاد حکومت باصطلاح میانرود را داشته، در اجرای این طرح حتی آماده‌اند بسیاری از شخصیت‌های انقلاب و حتی رهبری انقلاب را نیز در تحققی این توطئه از بین ببرند، تا سکان این کشتی طوفان‌زده را بدست ناخدائی آنچنانی سپارند که خودنظر دارند.

۲ - جهت اجرای این استراتژی، متحدین اروپایی آمریکا، آنگنان که از

منطقه و تربیت و آماده سازی نیروهای واکنش سریع و افزایش بودجه نظامی آمریکا مخصوص در رابطه با بحران های اقتصادی و پولی امپریالیسم، محورهای توطئه‌ها و طرحها و استراتژی امپریالیسم را روشن نموده، اساس سیاست جدید مبارزه با "تروریسم بین‌المللی" هیئت حاکمه آمریکا را پایه‌ریزی میکنند. بطور خلاصه این محورها بقرار دارند:

۱ - طرح شعار مبارزه با "تروریسم بین‌المللی"، سیاست جدید ریگان و جناح باصطلاح "بازها" در رابطه با حفظ منافع استراتژیک و اقتصادی امپریالیسم میباشد. بدون شک اگر قرار باشد به عمق سیاستهای امپریالیسم بی‌بهریم، ضرورت توجه دقیق تری را نسبت به منافع امپریالیسم و سیاست کلی آن که همانا در جهت حفظ

تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، در رابطه با طرحهای امپریالیسم و توطئه‌های گوناگونی که جهت حفظ امنیت کشورهای منطقه و برقراری ثبات سیاسی در این کشورهای از یکسو، و سرکوب انقلاب ایران و جلوگیری از نفوذ و گسترش آن به سایر کشورهای منطقه، بخصوص کشورهاییکه بیشتر در معرض تهدید جنبش‌های آزادیبخش مردمی قرار دارند، از سوی دیگر، مد نظر دارد، خطوط کلی از طرحها و یا استراتژی جدید امپریالیسم را در منطقه ترسیم نموده است. جهت وضوح بیشتر خطوط کلی این طرح‌ها به ارزیابی آنها پرداخته، وظایف نیروهای انقلابی منطقه، و همچنین وظایف کنونی انقلاب ایران و نیروهای انقلابی - مکتبی را در رابطه با مقابله جدی با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم بازگرمینا می‌کنیم.



خود مانع شده و چرخهای آسرا متوقف سازند. ثانیاً بلحاظ تمایلی که این کشورها در مورد حضور بیشتر اروپا و نقش آن در منطقه دارند، در طرح جدید نقش حساس‌تر داشته و ثالثاً با وجود پایگاههای متعددی که آمریکا در این کشورها دارد، و همچنانکه شرح داده میشود، وجود این پایگاهها نیز در طرح امپریالیستها حائز اهمیت بسیار میباشد، از اینرو کشورهای مرتجع بطوریکه خود نیز تمایل دارند، در این طرح جهت استقرار ثبات مورد نظر خویش در منطقه

از سوی دیگر زرمزه‌های کم و بیش سران کشورهای مرتجع منطقه و تمایل آنها به مشارکت بیشتر اروپا در منطقه از ماههای پیش حسن میشد و حتی بصراحت از سوی سران این کشورها بصور مختلف نشان داده میشد (اظهارات امیر کویت و سادات در ماه گذشته در ملاقات با یکی از مقامات آمریکائی). تمایل کشورهای اروپایی در این جهت و یا تا حدودی تبعیت آنها از طرح آمریکا نیز در سخنان یکی از زرنالهای ناتو مشخص است. "اعضای پیمان آتلانتیک شمالی می‌باید هزینه‌های نظامی بیشتری را

مبارزه با امپریالیسم تنها در سایه بسیج توده‌ها و اتحاد نیروهای مؤمن به انقلاب تحت رهبری امام و اتحاد منی انقلابی و مکتبی، صبر و استقامت و تحمل ناملائیات، امکان پذیر است. و اگر نه با وجود سازشکاران و مرتجعین در رأس امور و عدم بسیج توده‌ها و پیشگیری روشهای غیر انقلابی، انقلاب تهدیدی جدی برای ارتجاع منطقه و امپریالیستها به حساب نیامده و بلعیدن تدریجی آن برای دشمنان کار آسانی خواهد بود.

اظهارات متعدد مقامات آمریکائی در مورد اهمیت خاورمیانه در ماههای اخیر، سفر زنجیره‌ای کسینجر به منطقه و مذاکرات او با سران مرتجع کشورهای منطقه، اظهارات او در رابطه با منطقه و نقش کشورهای مرتجع و نقش حساس‌تری برای متحدین آمریکا در ناتو، البته جهت هماهنگی با سیاست های آمریکا در خاورمیانه و بدنبال آن سیل فروشهای تسلیحاتی کشورهای اروپایی به منطقه، بویژه عربستان و همچنین اتحاد سران ۶ کشور مرتجع حوزه خلیج فارس، و همزمان با موارد یادشده، فوق، مانورهای نظامی آمریکا و فی‌المثل در عمان و تمرینهای نیروهای واکنش سریع در خاک آمریکا و مصر و تقویت حضور نظامی آمریکا در

امت

پشتیبانی روستائیان عرب خیل از اجرای بندج

کشاوریان از سالها پیش در دوای استعماهی رژیم وابسته پهلوی، در استمرار مستقیم خواین و مالکین خونخوار قرار داشتند. بعد از پیروزی انقلاب، طرح تقسیم اراضی مصوبه شورای انقلاب، نور امید در دل زحمتکش و پارهنگان بیا نمود و به همین جهت با همکاری مسئولین، هیئت ۷ نفره جهت تقسیم زمینها از افراد محروم و مومن به انقلاب توسط اهالی روستای عربخیل، از توابع پایسر انتخاب شدند. اما پس از مدتی کوتاه بر اثر توطئه "بندج" طرح که جوهره اصلی تقسیم اراضی بود، عملاً به تعویق افتاد و معافاً کار هیئتهای عربخیل ۷ نفره متوقف شد. ماهالی روستای عربخیل که عموماً بی زمین و یا خیلی کم زمین هستیم و تحت استعمار زمینداران قرار داریم، خواستار اجرای هرچه زودتر بندج طرح اصلاحات ارضی میباشیم.

روستائیان محروم عربخیل همگام با دیگر کشاوریان مستضعف طی نامه‌ای با امضای عده کثیری از اهالی روستا خواستار اجرای بندج "ج" که بدلیل شرایط خاص جنگی بتعویق افتاد، شده‌اند. متن نامه روستائیان به این شرح است:

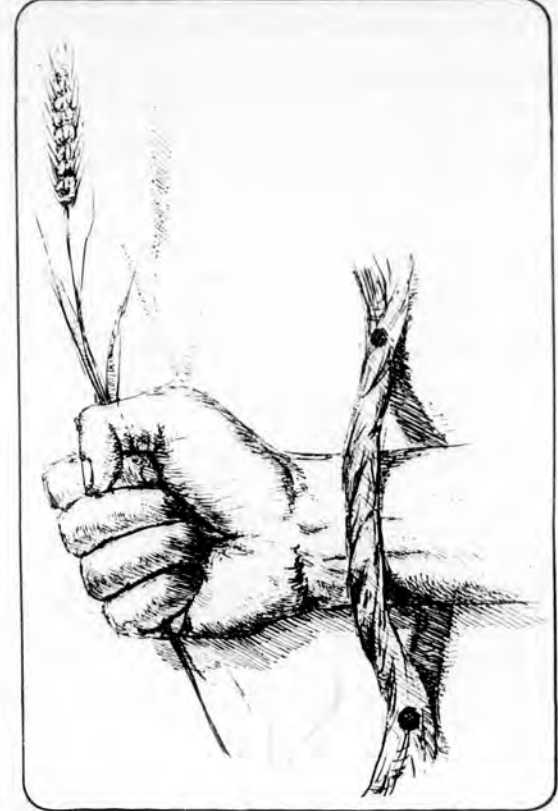
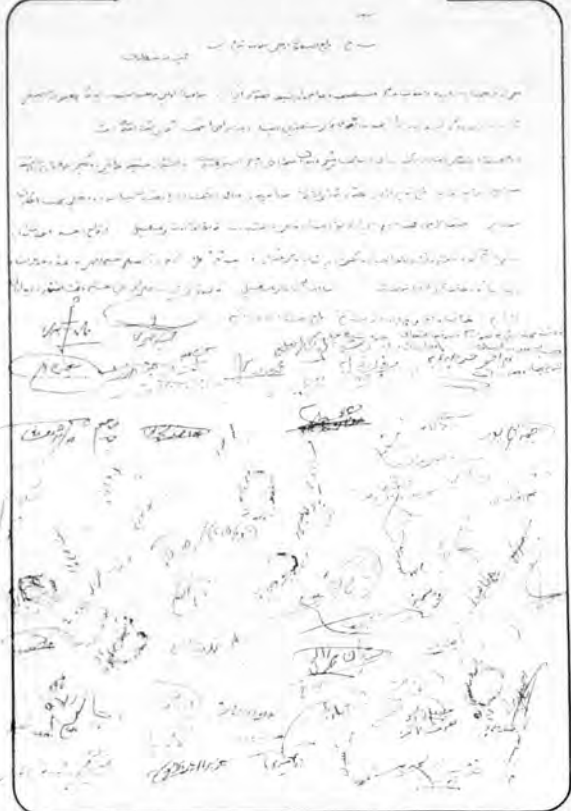
بسم الله الرحمن الرحیم
بندج "ج" طرح اصلاحات ارضی
خلاف شرع نیست.
آیت‌المستظری

پس از قرن‌ها مبارزه و انقلاب مردم مستضعف و عدالتخواه شیعه بخصوص ایران سرانجام اولین مرحله انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی بنظر رسید و میبود که انقلاب مردم ایران نمونه و الگویی برای مستضعفین دنیا و پیامبر(ص) شهید و الگوی امت اسلامی باشد. مردم محروم بخصوص دهقانان و

روستائیان مغاجوق:

به هیچکس اجازه نمی‌دهیم
از اجرای صحیح قانون اصلاحات
ارضی جلوگیری کند

اهالی روستای مغاجوق از توابع شهرستان سلطاس ضمن پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی، طی قطعنامه‌ای با امضای صدها تن از کشاوریان پس از حمایت از قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب، خواهان اجرای تمام و کمال آن شده‌اند. در بندهایی از این قطعنامه آمده است:



بقیة از صفحه ۱

گوشه‌ای از حمایتها و فشارهای حامیان فتودالها

بابسیج دهقانان جهت اجرای بندج حمایتها و فشارهای حامیان فتودالها رادر هم نشکنیم

تظهير می‌کنند، لحظهای شکنجه‌های بیشمار جسمی و روحی را در روستاها نکشیده‌اند و بنظر می‌رسد که شخصیت انسانی‌شان در زیر چکمه‌های انسان‌کش این جانیان مورد تهدید و اهانت واقع شده باشد و گمان نمی‌رود که اندام فرزندان‌شان مانند اندام نحیف پاکترین فرزندان این سرزمین، یعنی فرزندان روستایی که نتیجه استعمار خواین است، باشد. تبلیغات و بوق و کرناهای فراوانی که فتودالها و حامیان آنها پس از تصویب و اجرای آن در بعضی نقاط، بصدا درآورده و همچنان در رد شرعی و قانونی!! این طرح نظریه‌پردازی می‌کنند، آنچنان موج تبلیغاتی ایجاد کرده است که باعث ارعاب و فریب عده‌ای نیز قرار می‌گیرد. از سوی دیگر متأسفانه با زحمات شبانه‌روزی برادران هیئت‌های هفت نفره در روستاها، بعلت کمبود تبلیغات نتوانسته‌اند در مقابل این هجوم تبلیغاتی جو مساعدی را ایجاد نمایند.

از اینرو ضروری است ضمن پافشاری مجدد همه نیروهای انقلابی و مؤمن به انقلاب و معتقد به واگذاری زمین و بندج "ج" جهت اجرای طرح و یادآوری لزوم تقویت نهادهای انقلابی و سایر نهادهایی که در جهت اجرای طرح کمک می‌کنند، از یکسو خواستار تبلیغات بیشتری از سوی برادران هیئت‌های هفت‌نفره بوده و از سوی دیگر چهره عناصری از حامیان فتودالها را افشا نمائیم.

خواست روستائیان زحمتکش قلعه‌گردن از دادگاه انقلاب اسلامی تنکابن چیست؟

به کشاوریان بگوئید که ما نه طرفدار فتودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه‌دارها. "امام خمینی"

قلعه‌گردن یکی از بخشهای بزرگ تابع تنکابن است که در جنوب شرقی شهر واقع و محصول عمده آن برنج - مرکبات - برگ جاس است. در این منطقه زمیندار جای پیام حاجی آقاچان مرکباتی زندگی میکند که بزرگترین زمینهای زراعت، باغ‌چای و مرکبات این منطقه در اختیار وی میباشد. این خانواده در اصل مهاجرند و به این منطقه وارد شدند و در بدو ورود، حتی یک جریب زمین هم نداشتند اما چون حاجی مرکباتی از بستگان بسیار نزدیک نورالدین المومنی وزیر اسبق دادگستری بود، به کمک مامورین زاندرامری سابق و سایر ارگانهای

و بیچیزی، گروگذاشتن قوالهای زمین در ازای مبلغی ناچیز و زور تصاحب کرده بود، شکایات متعددی به دادگاه انقلاب اسلامی تنکابن تسلیم ولی متأسفانه اقدامی جدی و قاطع در رابطه با این مسأله مهم به عمل نیامده. بیکروستائیان می‌گوئیم: ما میدانیم که امام خمینی خوب است، او حامی مستضعفان است ولی اگر دادگاهها هم مثل او رفتار می‌کردند، ما روستائیان به حق خودمان می‌رسیدیم.

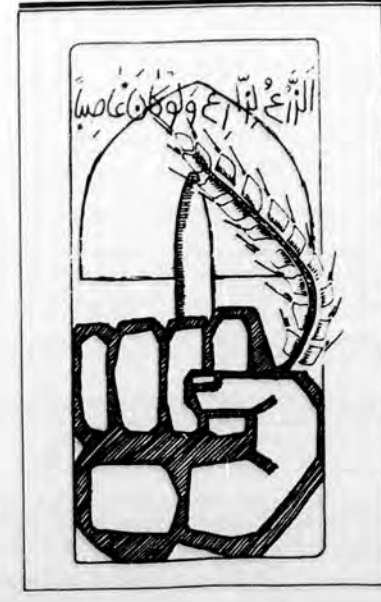
اکثر روستائیان شاک می‌گفتند دادگاه از ما سند میخواهد، ما که سند نداریم، سند ما دستهای پینه‌بسته ما و وضع فلاکت‌بار و گواهی روستائیان محل است و افراد محلی میتوانند گواهی کنند که این زمینها در اصل متعلق به ماست.

براستی چرا رئیس دادگاه انقلاب با اکثر روستائیان شاک می‌گفتند دادگاه از ما سند میخواهد، ما که سند نداریم، سند ما دستهای پینه‌بسته ما و وضع فلاکت‌بار و گواهی روستائیان محل است.

گردهماني شوراهای اسلامی روستاهای چارایماق

بمنظور بحث و تبادل نظر پیرامون مشکلات و مسائل منطقه چارایماق چندی پیش جلسه‌ای با شرکت اعضای شورای اسلامی روستاهای چارایماق در کراغاج (مرکز بخش) تشکیل شد. در این جلسه ابتدا یکی از برادران سخنانی در مورد انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی و توطئه فتودالها و حامیان‌شان علیه انقلاب و وظایف شوراهای اسلامی در مقطع فعلی و شیوه مقابله با توطئه‌های شیطان بزرگ و اولیا، داخلش ایراد کرد. آنگاه یکی از برادران عضو شورای اسلامی روستای (بابونه) طی سخنانی مشکلات و نارسائیهای منطقه را ذکر نمود و از مسئولین خواستار رسیدگی به آنها شد. سپس اعضای شورای اسلامی روستای (آبگرم) طی نامه‌ای که از طرف اهالی روستای خودشان تنظیم کرده بودند مشکلاتشان را با اطلاع جمع رساندند و خواستار رسیدگی شدند. مهمترین مواردی که نمایندگان هر دو روستا ذکر کردند (ایجاد شرکتهای تعاونی اسلامی، راه، درمانگاه و...) بود. در پایان این گردهماني قطعنامه‌ای در ۷ ماده قرائت شد که حاضرین با ادای تکبیر موارد قطعنامه را مورد تأیید قرار دادند. در این گردهماني شوراهای اسلامی بیش از پنجاه روستا شرکت داشتند. در قسمتی از قطعنامه آمده است که:

ما با پیروی از دستور امام که فرمودند: "جهاد کشاوریان آن است که کشاورزی را بهتر بکنند و در نتیجه فعالیتهای انقلابی هیئت هفت‌نفره و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد واگذاری زمینهای غصبی فتودالهای غارتگر به مستضعفین، اسمال سطحزیر کشت را نسبت به بارسال به بیش از دو برابر افزایش داده و از دولت و نهادهای انقلابی می‌خواهیم که با ایجاد



۱ - ما پشتیبانی بیدریغ خود را از قانون واگذاری مصوبه در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و روحانیت مبارز اعلام و خواستار اجرای هرچه بهتر و سرعتر آن هستیم.

۲ - ما این قانون را صرفاً یک قانون مادی ندانسته بلکه اجرای آنرا وسیله‌ای برای گسسته‌شدن قیدها و رسیدن انسان به الله که هدف نهایی اسلام است میدانیم.

۳ - ما روستائیان به شایعات بی‌اساس مالکین و ضدانقلابیون در مورد واگذاری زمین بی‌توجه بوده و در همهحال اخبار صحیح را از هیئت هفت‌نفری و گروههای تحقیق مربوطه به آن کسب خواهیم نمود.

۴ - در پایان متذکر می‌شویم اجازه به هیچکس نمی‌دهیم که از اجرای صحیح این قانون جلوگیری نماید و در همهحال از اجرای آن قاطعانه پشتیبانی نمائیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

به کماکان شکایت ما از سرکار فتودالها مستقیم و در - "برادر سرمایه‌دار" - امام خمینی"

ما اهالی روستای چارایماق از سرکار فتودالها مستقیم و در - "برادر سرمایه‌دار" - امام خمینی"

شکایت این روستائیان برخوردی قاطع و انقلابی نمی‌کنند (هرچند، چند نفری زمین خود را گرفتند). مگر امام و آیت‌الله منتظری بارها و بارها زمیندارها و فتودالها را محکوم نکردند؟ چرا این دهقانان پاک را نسبت به انقلاب بدبین می‌کنید که این بگویند حالا هم مثل رژیم سابق است؟ این حرف تضعیف دادگاه انقلاب نیست، چه کسی منکر اقدامات چشم‌گیر این نهاد است هدف این است که این نهاد، انقلابی و فعالتر عمل کند. امید است که مسئولین دادگاه انقلاب تنکابن هرچه زودتر به شکایات مجدد این روستائیان رسیدگی کند تا کماکان این بازوان انقلاب در کنار انقلاب و خط‌رهبری آن باشند. انشاءالله

اکثر روستائیان شاک می‌گفتند دادگاه از ما سند میخواهد، ما که سند نداریم، سند ما دستهای پینه‌بسته ما و وضع فلاکت‌بار و گواهی روستائیان محل است.

دولتی شروع به احجاف و استعمار مردم منطقه نمود و به عناوین مختلف زمین روستائیان منطقه را یکی پس از دیگری تصاحب کرد، بطوریکه در حال حاضر بیشتر از ۱۰۰ هکتار زمین زراعتی، باغ‌چای و مرکبات در منطقه دارد. ایشان مدتی نیز رئیس اتاق اصناف قلعه‌گردن و برادرزاده - های ایشان نیز عضو این اتاق بودند. از اقدامات غیرانسانی این مرد در منطقه علاوه بر تصاحب زمین مردم، اتهامات دیگری نیز از قبیل تجاوز به عرف و ناموس مردم بیگناه دارد.

بعد از پیروزی انقلاب حدود ۶۰ تا ۷۰ روستایی ستم‌دیده اطراف قلعه‌گردن از قبیل قراء تشکون، سیاودز، خشکرو، سلطانی‌محله، طالوسر، بلده، میان‌سرا، کراچونگار، امام‌زمین که در زمان رژیم سابق زمین‌هایشان را حاجی آقاچان و برادر زاده‌اش "رضا" به عناوین مختلف شل فقر



مباحث اصولی و فقهی
دکتر حبیب‌الله مکارم شیرازی

مقوله‌های اساسی مکتب

دانسته‌ایم، چه اگر توحید فقط در منشاء خلقت باشد و کثرت و تضاد کنونی پدیده‌های نغی‌کننده توحید، در این صورت پذیرفته‌ایم که کار خدا با خلق پدیده‌ها پایان یافت و برای استراحت به کناری نشست و اینکه ما هستیم و پدیده‌های متضاد و گنبد و مختلف که در آنها اثری از توحید و خالق واحد ظاهر نیست، منطقی که زعمای منحرف یهود بدان اعتقاد داشتند "وقالت اليهود یدالله مقولوه" - آنان گفتند دست خدا پس از خلق جهان بسته شده است و از آن پس حاکمیتی بر آن ندارد. تقسیم‌بندی‌های بعدی هم که بین طبیعت و ماوراءالطبیعه کردند، از ارسطو به بعد و تا به امروز که بعضی متفکرین و گروه‌ها می‌کنند هم منطبق بر خط فکری زعمای منحرف یهود است. که بموجب آن خدا در آن بالا در ماوراء طبیعت قرار می‌گیرد و درون طبیعت و در داخل پدیده‌ها خدا وجود ندارد، زیرا وجود خدا با کثرت و تنوع و تضاد مغایر است. عالم پدیده‌ها عالم کثرت و تضاد است، پس نمی‌تواند جایگاه خدا و حاکمیت وی باشد. در این عالم قوانین پدیده‌ها - ماده - یا به تعبیری قوانین علمی حکومت می‌کنند. خدا در ماوراء طبیعت، در بیرون از عالم ماده و پدیده حکمرانی دارد. ما در بخش جهان‌بینی و تبیین وجود در باره رابطه خدا با پدیده‌ها به اختصار توضیحاتی دادیم، اصولاً "جدا کردن، خدا از متن و جوهر کلیه پدیده‌ها، با مفهوم توحید و حاکمیت مطلق‌الذات و وابستگی کامل همه پدیده‌ها به خدا مغایرت

دارد، در برابر برداشت توحیدی دو دیدگاه یا برداشت انحرافی در این زمینه هست، یکی نظریه وحدت وجودی که توحید را در اتحاد کامل پدیده‌ها در خدا می‌بیند و دیگری نظریه ارسطویی که خدا را خارج از جهان پدیده‌ها و در ورا طبیعت مادی می‌گذارد. وحدت جهان پدیده‌ها مربوط به حاکمیت اراده و قانون واحد بر کلیه آنهاست، یعنی علیرغم کثرت و تنوع و اختلافی که دارند، "اولاً" دارای منشاء واحدی هستند، ثانیاً "مانع قوانین و سنت‌های عام واحدی می‌باشند، آنان بر طبق همان سنت‌های عام در جهت واحدی حرکت می‌کنند و به اهداف و مقاصد واحدی خدمت می‌نمایند. همچنانکه در بخش‌های قبل نشان داده شد، وجود قوا و نیروهای متضاد بهیچوجه تناقضی با واحد بودن منشاء آنها ندارد، چنانکه کثرت و تنوع پدیده‌ها تناقضی با داشتن منشاء واحد ندارد. کسانی که وجود قوای متضاد را با واحد بودن خالق جهان مغایر می‌دانند، باید جواب دهند که چگونه این همه پدیده‌های متنوع و مختلف دارای خالق واحدی هستند. از این رو قبول دو نیرو و قوه بازدارنده و آزادکننده، مرادف قبول ثنویت نیست، زیرا این قوای متضاد در جهان پدیده‌ها هستند، نه در مطلق هستی که واحد و بسیط است. خداوند که همان

تحول پدیده براساس قانون تضاد انجام می‌گیرد "لولاالتضاد ماصح کون والفساد". صدرالمطالبین، مرگ و حیات، کون و فساد و تحول و دگرگونی پدیده‌ها را جدا از قانون تضاد ممکن نمی‌داند، در جریان برخورد این دو قوه است که پدیده در هویت پیشین می‌میرد و در هویت جدید متولد می‌شود. "لولاالتضاد ماصح حدوث - الحادث" و اگر تضاد نیاند، حادثای رخ نمی‌دهد و پدیده‌ای ظهور نمی‌کند. ممکن است ایراد بگیرند که آیا با قبول قاعده تضاد و اینکه خداوند اراده خود را با واسطه این سنت‌ها و ابزار و وسایل اعمال می‌کند، خدا را مشمول قانون تضاد نکرده‌ایم؟ قانون تضاد در تحول درونی پدیده‌ها (مخلوقات) حاکم است یعنی در وقتی که از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شوند. در معنی خلق هم پدیده آمدن چیزی از چیز دیگر "خلقکم من نفس واحد" و یا "انا خلقنا الانسان من نطفه" و هم پدیده آمدن از اصل وجود هستی یعنی ابداع و ایجاد اولیه است. اما خداوند جهان را چون امر واحدی ابتدائاً خلق کرده است و امر معنای تقدیر و قانونمندی را هم با خود دارد. پس امر خدا که تقدیر و سنت و قانونمندی وی است، بر مخلوق حاکم است و تحول پدیده و خلق آن از حالت قبلی تابع قانون حرکت و تضاد است نه صدور از ذات باریتعالی زیرا پدید آمدن از

الامثال للناس والله بکل شیء علیم" این نور همه‌جای هستی را پر کرده است و پدیده‌ها از وجود آن روشنی (وجود) می‌گیرند، در مرحله "امر" زمان مفهوم ندارد" بقول له کن فیکون" اما در مرحله "خلق" که در متن و در جوهر پدیده‌ها رخ می‌دهد، قانون تضاد حکمفرمائی دارد. خدا کسی است که ضدی ندارد "من لا ضده" او در افاضه امر نیازی به وسیله و قانون

زمان خلق و آغاز حرکت یکی است و حرکت نیز از چگونگی و علت آن جدا نیست. چگونه میشود علت و مکانیسم حرکت را از خود آن جدا کرد و آنوقت درباره تقدم و تاخر یکی بر دیگری صحبت کرد؟

ندارد، زیرا بی‌نیازی مطلق است، ان اسباب وعلل که در "بی‌اللهم ان یجری الامور الا باسبابها" دیدیم برای بحیران‌انداختن امور علاوه بر این، مسیر عمومی تحولی پدیده‌ها بطرف وحدت است. یعنی پدیده‌ها هم دارای منشاء واحد و غایت واحد و قانون ضرورت واحداند، وحدت در مبدأ در حرکت و در غایت. می‌بینیم که توحید یا قانون تضاد نه تنها مغایرت ندارد، بلکه تضاد بستر و زمینه تحقق وحدت است. در همین جا باید به یک سوال دیگر پاسخ دهیم، بعضی می‌پرسند که تضاد عامل و مقدم بر حرکت است، یا حرکت مقدم بر تضاد؟ در بحث فوق، این نکته را یادآور شدیم که خداوند جهان را بصورت یک واحد حرکت، یک پدیده واحد آفریده است. قوانین و سنت‌هایی که بر پدیده‌ها حاکم و جاری می‌دانیم، اموری مجزا از خود پدیده‌ها نیستند، بلکه از ذات و عملکرد و حرکت آنها برخاسته‌اند. به عبارت درست‌تر، قوانین و سنت‌ها، بیان و توصیف چگونگی حرکت و تحول پدیده‌ها است. هاست. قوانین و سنت‌ها با خود پدیده‌ها بوجود می‌آیند، چیزهایی نیستند که بعداً به پدیده اضافه شوند. چنانکه شیرینی قند یا شوری نمک یا ایندو همراه است و از خواص ذاتی آن می‌باشد یا بجوش آمدن آب در یکصد درجه حرارت و انجماد آن در صفر درجه بیان حالت واقعی آن پدیده است که ما بصورت قاعده و اصل و قانون ارائه می‌کنیم، حرکت ذاتی تمام پدیده‌هاست. اصلاً "پدیده" غیرمتحرک قابل تصور نیست پس زمان خلق و آغاز حرکت یکی است. و حرکت نیز از چگونگی و علت آن جدا

حرکت بدون تضاد قابل تصور نیست، همانطور که موجودیت پدیده با ماهیت آنهم بدون تضاد و حرکت محقق نخواهد بود. بدیهی است که اعتبار این بحث در مورد حرکت در پدیده‌هاست نه صدور حرکت (امر) از جانب خدا.

هستی مطلق جاوداتی است، در حقیقت همان عامل وحدت بخش جهان است، زیرا او از تغییر و کثرت و تضاد و مرگ و نابودی مبرا است. پس همچنانکه وجود هر پدیده وابسته به آن هستی مطلق است و بدون آن موجودیت نمی‌یابد، قوای متضاد درونی آنها وابسته به وجود آن هستی مطلق یعنی خداست، به دیگر سخن بدون قبول حاکمیت اراده واحد الله و وابستگی همه پدیده‌ها به آن وجود مطلق، تبیین چگونگی کثرت و تضاد غیرممکن است. مبارزه دو قوه متضاد به ضرورت موجود در جهت الله می‌انجامد یعنی باعث تکامل و قرب وی به خدا میشود. دیدیم که

از جانب شیطان که آدمی را به امور شر و تکذیب امور واقعی و حقیقی می‌کشاند. (معراج السعاده - صفحه ۸۵) و چون اکثر قوه‌های آدمی طالب اخلاق ردیله می‌باشد، انسان زودتر مایل به شر میشود. و میل او به صفات بد آسانتر است از میل به خیرات (معراج السعاده صفحه ۴۵). حضرت محمد "ص" حالت فوق را بدین صورت تشریح می‌کند که "بهشت پیچیده شده به سختیها و آتش پیچیده شده به خواهشها است و بدانید هیچ چیز از طاعت خدا نیست جز اینکه در آن سختی و کراهتی هست و هیچیک از گناهان نیست مگر آنکه در آن لذتی است. پس خداوند شخصی را که از شهوتش کنده و از پیروی هوای نفس بازایستاده باشد، رحم کند زیرا این نفس‌مشکل‌تر چیز است برای بازداشتن و همواره گرایش به معصیت دارد. بعبارت ساده‌تر در حالت عادی میل به بدی در انسان قویتر از میل به خوبی است، یعنی کفه شیطان می‌چربد اما وقتی پای اندیشه و تفکر و شناخت و اراده و انتخاب به میان می‌آید کفه میل به خوبی را میتوان سنگین کرد. با دقت در برخوردهای روزانه حالات فوق را بهتر درک می‌کنیم. صبح روزی که قرار است به کوه برویم در رختخواب غلغلی زده با خود میگوئیم "ایکاش" وعده نکرده بودم. در کوه بهنگام سرد شدن هوا، لیز خوردن روی بخپها و احساس خستگی، گرسنگی، تشنگی، کم شدن، یخزدن و سقوط کردن بارها با خود میگوئیم کاشکی هرچه زودتر برگردیم. در خانه بهنگام غذا همیشه آرزوی بهترین و خوشمزه‌ترین غذا را داریم و "ذلما" می‌خواهد تا میتوانیم بخوریم. بهنگام خرید لباس، شیک‌ترین را می‌خواهیم

ادامه دارد

* خودسازی انقلابی *
بر پایه شناخت ویزگی -
های انسان طراز مکتب
از دیدگاه امام علی

وکان اذا یده امران نظر ایهما اقرب الی -
الهیوی فخالفه: و هنگامیکه با دو کار مواجه می‌گشت دقت میکرد که کدامیک از آن دو کار به هوای نفس نزدیکتر است، پس با همان مخالفت می‌کرد. امام در پایان سخنان خود طی دو جمله کوتاه و بسیار پرمحتوی چگونگی کسب صفات عالیّه اخلاقی و انسانی را بیان می‌دارد. این جملات کلید اصلی قله‌های ناگشوده تسلط بر خود و خداگونگی است. و اگر هر یک از ما جهد کنیم فقط این دو جمله را خوب درک کرده و آریزه گوش کنیم و بعنوان راهنمای عمل و اندیشه از آنها پیروی کنیم، از همین الان بجزارت میتوان گفت که ما یک عنصر مومن و متقی و یک کادر مکتبی و یک انقلابی همه‌جانبه خواهیم گشت. برای درک بهتر این فراز آموزنده که محور استراتژیک برخورد با مسائل خصلتی و خودسازی است و در واقع میتواند بعنوان اساسی‌ترین شیوه و زیربنای برنامه‌های خودسازی انقلابی بر پایه بینش اسلامی قرار گیرد، لازم است که مقدمتاً توضیحی در زمینه "نفس" و هواهای نفسانی ارائه دهیم. نفس چیست؟ نفس بر وزن فلس به معنای ذات است و در قرآن در معانی مختلف مانند روح (زمر ۴۲)، ذات یا اصل و شخصیت (بقره ۴۸)، تمایلات و گرایشها (یوسف ۵۲)، وجدان و درک (قیامت ۱)، قلوب و باطن (اعراف ۲۵۵) و بشر اولی (نساء ۱) بکار رفته است (قاموس قرآن جلد ۱۷). انسان تا زمانیکه در مرحله حیوانیت

بسر میرد، همچون آنها بکک غرایز به حیات خود ادامه میدهد، غرایزی مانند صیانت نفس و بقای نوع، بدو بازی میدهند تا خود را در برابر هجوم و حمله سایر حیوانات، در برابر گرسنگی و تشنگی و گیاهان سمی و خطرات دیگر حفظ کرده، نسل خود را کثرت بخشد. با گذشت زمان و تکامل بیشتر رفته‌رفته قدرت غرایز و بندهای غریزی (جبر طبیعت) در او سست و ضعیف میشود و در عوض خصوصیات مانند کمال‌طلبی، آزادخواهی، بینهایت‌طلبی در او پدیدار میشود که مجموعه آنها را خصوصیات فطری گویند. ویژگیهای فطری خاص انسان بوده و در هیچ موجود دیگری یافت نمی‌شود. پس نفس انسان مجموعه‌ای از تمایلات و قوه‌های گوناگون است (انا خلقنا الانسان من نطفه امحاج - دهر، ۱) که مهمترین آنها قوه عقل، قوه شهوت، قوه غضب و قوه وهم (معراج السعاده) میباشد. عملکرد و فعلیت تمامی این قوه‌ها در دو کشتش متضاد شیطانی و خدایی - خلاصه میشود. یعنی اینکه آدمی در مرحله انسانیت خود دارای دوگونه خصوصیات و کشتشها و قوه‌ها و انگیزه‌ها است. دسته اول مربوط به بعد رسوبی، حیوانی، لجنی شیطانی و در یک کلام وجه بشری است که بنام "غرایز" خوانده میشود. دسته دوم مربوط به بعد ربوبی، انسانی، روحی، الهی و در یک کلام "وجه انسانی" اوست که بنام "فطرت" خوانده میشود. بعبارت دیگر در نفس یا ذات یا خمیرمایه وجودی هر فرد دودسته تمایلات و کششها و نیازها بطور بالقوه وجود دارد که موجودیتشان ضروری است، بکک تمایلات نوع اول آدمی خود را در برابر خطرات محفوظ میدارد (وجه مشترک انسان و حیوان) و به بازی محرکهای نوع دوم خود را از مرز حیوانیت دور ساخته، خصوصیات خدایی خود را کمال می‌بخشد (وجه افتراق انسان و حیوان). برخلاف حیوانات که از کانال غرایز بطور خودکار کنترل و هدایت میشوند، سست شدن غریزه‌ها در آدمی "حد" و "مرز" آنها را در او شکسته است. همینجا باید یادآور شد که موجوداتیگونه تمایلات و کششها فی‌نفسه نه تنها "بد" یا "گناه" نیست، بلکه برای تأمین احتیاجات

هوی چیست و رابطه آن با نفس چگونه است؟ هوی که جمع آن اهواء است، در لغت به معنای گرایش به خوبی یا بدی بکار رفته است (قاموس قرآن) ولی در مفهوم قرآنی صرفاً در رابطه با گرایشات شهبانی و حیوانی استعمال شده است (مفردات راغب) خواهشها و گرایشات نفسانی را از آترو هوی گفته‌اند که آدمی را به مملکه دنیا و عذاب آخرت ساقط می‌کند (مفردات راغب) به استناد آیات و احادیث فراوان به صراحت میتوان گفت که هوی تمایلات و امیال حیوانی و شیطانی است که آفت دین بوده (آف‌الدین هوی - نهج‌الفصاحه سخن ۱) و دشمن عقل است (عدو العقل الهوی - بهارالنوار ۱۲/۷۸). و اگر کنترل نشود و چنان حجابی در برابر فکر انسان کشیده شده، قدرت شناخت و فهم را از انسان می‌گیرد و او را کور و کر می‌گرداند (یاکم والهوی! فان الهوی یعمی و بعضی - نهج - الفصاحه سخن ۱۵۰۱) تا جائیکه نه تنها راه رشد و تکامل یعنی صراط مستقیم و راه خدا را گم می‌کند (... ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل‌الله - نوهن ۲۶) بلکه عبد و بنده هوی‌گشته و تمایلات شیطانی را به خدایی می‌گیرد (ارایت الذی من اتخذ الهی هواء - فرقان ۴۳) - پس در نظر داشته باشیم هرچند در قرآن با تفاسیر یا احادیث لغت هوی یا هوای نفس یا نفس بکار رفت منظور همان کششها و امیال و وجه رسوبی نفس است. شخصیت انسان از بدو تولد تا هنگام مرگ بطور مداوم در معرض هجوم و وسوسه های گوناگون است (ولقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل‌اللوید - سوره کهن ۱۶) این وسوسه‌ها و افکار و اندیشه‌ها به دو دسته تقسیم میشود یکدسته دامن آذمی را به بدی و ضد تکامل می‌خوانند (ان النفس لا ماره بالوسه - یوسف ۵۲) و دسته دیگر دامن آذمی را به خوبی و تکامل خوانده، گرایشات شیطانی را محکوم و سرزنش می‌کند (لا اقسمن بالنفس لولاه - قیامت، ۱). بقول حضرت رسول "در دل آدمی دو نوع فکر و وسوسه وارد میشود، یکی از جانب فرشته و آن آگاهی است که به امور خیر و تصدیق امور حق می‌خواند و دیگری



بقاء نوع ضرورت حیاتی دارد ولی آنچه که آنها را خطرناک می‌کند، آزادبودن از قید و کنترل و مهار است. بعبارت روشن‌تر در حیوانات چگونگی عمل غریزه‌ها خود از افراط در تمایلات جلوگیری میکند ولی در انسان که زنجیر غرایزش سست شده است، امکان این هست که در ارضاء این غرایز بطور سیری‌ناپذیری عمل کند، در عوض انسان بکک قدرت تفکر و شناخت و انتخاب و اراده توان ایجاد حد و مرز و قید و بند را دارد یعنی میتواند غرایز خود را مهار کرده، تعدیل کند و نگذارد که به افراط و تفریط کشانده شود.

در سوره ابراهیم آیه ۳۷ به معنی گرایش به خوبی بکار رفته است فاجعل فکده من الناس تهوی الیهیم. ادامه دارد

انقلاب در آینه زمان

بقیه از شماره پیش

۹ مهر ۵۹ -

مردم گیلانغرب با آربی جی ۷، کوکتل مولوتف و انواع سلاح های دیگر به محض ورود تانکهای عراقی بداخل شهر به آنها حمله کردند و حدود ۵۰ تانک را در جا منفجر ساختند و ۷۰ تا ۸۰ نفر را اسیر ساختند.

شورای مرکزی جهاد سازندگی، مراکز جهاد با توجه به بسیج و ارسال امکانات خویش به مناطق جنگی می باید حداکثر امکانات و نیروهای انسانی باقیمانده خویش را بهر نحو ممکن در جهت کمک به کشاورزان، دانشمندان و غیره در اختیار امرکت گندم پائیزه قرار دهند.

هاشمی رفسنجانی: استراتژی کلی ما این است که جنگ را از حرکات کلی نظامی کلاسیک به طرف حرکات مردمی ببریم... مسئله گروگانها در زمان جنگ موضوع کوچکی است. الان سرنوشت وضع موجود جهان گندم باید حرکتی به طرف راه صحیح داشته باشد مطرح است و لذا گروگانها در موقعیت کنونی اینقدرها قابل بحث نیست.

سپاه پاسداران: رژیم های مزدور منطقه بدانند که ملت‌های تحت ستم آنان هرگونه همکاری با رژیم بعثی عراق را دشمنی باانقلاب اسلامی تنها حامی مستضعفان جهان قلمداد خواهند نمود و تصمیم نهائی برای محرمزدوران امپریالیزم هر چه زودتر خواهند گرفت.

ضیاءالحق و ولیعهد اردن با صدام - حسین گفتگو کردند. صدام حسین آتش بس شورای امنیت را پذیرفت.

سفر جمهوری دموکراتیک خلق کوره: عراق در خط آمریکا عمل می کند و مادر گنار مردم ایران هستیم.

بنی صدر: آمریکا از همان ابتدا هرگز بیطرف نبوده و در طرح ریزی این جنگ نیز دست داشته است و این طرح مشترکا "از سوی عراق و آمریکا تنظیم شده است... ایران تنها در صورت خروج نیروهای عراقی از نواحی مرزی و عدم مداخله آن کشور در کردستان و خوزستان آتش بس را می پذیرد.

حدودا اختیارات کمیسیون ویژه رسیدگی به مسئله گروگانها در مجلس مورد بحث قرار گرفت.

امام: قضیه صلح قضیه سازش در کار نیست و ما اصلا " مذاکرات با اینها نمیکنیم... بلکه اگر اینها بروند کنار و از همه جا بروند و بیرون بروند از همه جا و تسلیم بشوند ما هم آنوقت ممکن است بواسطه اینکه بین مسلمان خیلی چیز نشود، ما هم یک سکوتی بکنیم.

۲۷ تانک و نفربر عراقی در جبهه های جنوب و غرب نابود شد. خبرگزاری فرانسه: کشورهای "صنعنی" ۶ میلیارد دلار از جنگ ایران و عراق سود برده اند.

رادیبو اسرائیل (تفسیر سیاسی ۹ مهر): امروز باید ملیت گزائی بسیار زیاد در ایران تبلیغ شود چون سربازان ایرانی نمی خواهند برای مسائل موهوم خود را بخطر بیندازند ولی برای وطن و ملت می خواهند.

یونایتد پرس-ادموند - ماسکی: اگرچه شواهدی در دست است که ایران حاضر به مذاکره برای آزادی گروگانها - ست، اما هنوز مذاکرات مستقیم آغاز نشده است.

قطب زاده در مصاحبه با داگیلات چاپ اسلو گفت: دولت ایران که بخاطر جنگ با عراق قابل سرزنش است، باید فوراً گروگانهای امریکائی را آزاد کند.

آلمان شرقی در جنگ ایران و عراق موضعی نمی گیرد.

ادموند ماسکی وزیر خارجه امریکا، با سعدون حمادی وزیر خارجه عراق دیدارو گفتگو کرد.

جنازه های شهدای جنگ در شهرهای تهران، کاشان، همدان، دزفول، کرج، شهید کلاردشت، خرم آباد، زاهدان، شیراز و اراک تشییع شد.

۱۵ مهر ۵۹ -

خبرنگار: آیا پذیرش ضیاءالحق آنهم بطور رسمی قابل قبول بود؟

آیت الله بهشتی: مساله پیوند برادرانه میان ما و ملت برادر پاکستان مساله بسیار جدی است و همچنین با ملت‌های دیگر که از ملت‌های برادر هستند که علاوه بر برادری با آنها همسایه هم هستیم. ملت عراق، ملت افغانستان، ملتهای ترکیه و ملت های مسلمان

سرزمین های شوروی، ما طبیعی است که باید سیاسی اتخاذ کنیم که در عین تاکید بر مواضع مکتبی رابطه های عمیق برادرانه میان ما و ملت‌ها را نیز تقویت کند.

ستاد مشترک مردم خوزستان را بسیج عمومی دعوت کرد.

نیروهای رزمنده ایران بکمک مردم و عشایر مناطق مرزی قسمت اعظم شهر مهران را از دست نیروهای عراق خارج ساختند.

موسوی خوئینی ها وقتی خطامام در اعلامیه ها مشخص است کسی که با آمریکا در حال جنگ است چطور میخواهد مذاکره کند؟

دکتر یدالله سبحانی: این مساله که آقای موسوی گفت مساله بسیار خطرناکی است و ما هنوز از نظر رسمی خودمان را درگیر جنگ با آمریکا نمی بینیم... مساله گروگانها یک مسئله ای شده است که تمام اشکالات مملکت ما را باعث شده و باید آنرا حل کنیم. ما با آمریکا بسی مسائل داریم که باید حل شود.

بدستور عباس دوزدوزانی وزیر ارشاد، وزارت ارشاد تعطیل شد.

گروههای بسیاری از مردم برای رفتن به جبهه اعلام آمادگی کردند.

برزیلنسکی: امریکا آماده مداخله نظامی در خلیج فارس است. کارتر: امریکا خواهان برقراری روابط عادی با ایران است.

۱۲ مهر ۵۹ -

جنگنده های عراقی به شهرهای دزفول تبریز، خرمشهر، آبادان، مسجد سلیمان و خرم آباد حمله هوائی نمودند.

مجلس هرگونه مذاکره با آمریکا را رد کرد

اعضاء کمیسیون ویژه رسیدگی به مسئله گروگانها انتخاب شدند.

رئیس جمهور: ما خود را آماده می کنیم تا ضربه کاری را وارد کنیم.

۱۳ مهر ۵۹ -

بنی صدر: امیدوارم در روزهای آینده نیروهای ما ضربات خود را شدیدتر کرده و وارد عملیات شوند تا سرنوشت جنگ را بطور قطع تغییر دهند و بطور کلی وضع جبهه ها خوب است.

امام در پیامی ملت عراق را به قیام علیه رژیم بعثی فرا خواندند.

کمک به رزمندگان جبهه و آوارگان جنگ در شهر و روستا از طرف مردم ادامه دارد.

کشور آلبانی در جنگ بین ایران و عراق از ایران حمایت کرد.

ملک حسین گفت آماده کمک نظامی و غیر نظامی، بعراق برای جنگ با ایران میباشد

۱۴ مهر ۵۹ -

سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی: در صورت گسترش جنگ عراق با ایران از هر کشور عربی که مورد حمله قرار گیرد دفاع و کمک خواهد کرد.

۱۶ مهر ۵۹ -

ملک حسین: پیروزی عراق بر ایران آغاز پیروزی فلسطین است.

ایالات متحده امریکا هشدار داد که جنگ ایران و عراق نباید گسترش یابد و خاطرنشانی کرد که در مقابل گسترش درگیری - هلا بی تفاوت نخواهد ماند.

۱۷ مهر ۵۹ -

نخست وزیر: ۶۰۰۰۰ تن برای اعزام به جبهه جنگ اعلام آمادگی کردند.

آیت الله خامنه ای: مجلسی باید برخی از مصوبات شورای انقلاب را مورد بررسی و تجدیدنظر قرار دهد، از جمله زمین های موات، مسکن و زمینهای بایر قابل کشت که به علت دخالت‌های شخصی و خارج شدن مجریان از حدود شرعی موجبات اختلاف شدید بین مردم شده اند، دو این خصوص از طرف علما آقایان گلبایگانی و شیرازی تذکراتی به ارگانها و مجریان داده شده است که توجهی به آن نشده است.

۱۹ مهر ۵۹ -

دهها منطقه مسکونی اهواز توسط توپخانه بمباران شد.

لیبی از ایران در جنگ با عراق حمایت کرد.

در بمباران شهر دزفول بیش از ۷۰ تن شهید شدند.

۲۰ مهر/۵۹ -

مهندس یازرگان: در مورد نقش دستگاه دولت نیاز مملکت به تولید و سازندگی، ضرورت انضباط و امنیت و مدیریت و بالاخره بلای تعدد مراکز قدرت نیز آقای بنی صدر وقتی رئیس جمهور شد و در برابر واقعیت‌های خطیر و مشکلات قرار گرفت همان حرف‌ها و دردهای ما را تکرار کرده و می کنند...

خبرنگار: شما گفته بودید پانزده روزه پیروز میشویم، آیا هنوز نیز بر حرف خود هستید؟

بنی صدر: بله و امیدوارم آثار این پیروزی را از هم اکنون دیده باشید.

عراق با لیبی، سوریه و کره شمالی قطع رابطه کرد.

۴ کشور عربستان، کویت، قطر و امارات متحده عربی برای بررسی جنگ ایران و عراق گرد همائی تشکیل دادند.

۲۱ مهر ۵۹ -

بدستور امام شورای عالی دفاع اداره امور جنگ را بعهده گرفت.

۲۹ مهر ۵۹ -

دکتر بنی صدر: ما خودمان کافی وتوانا هستیم تا قشون او را (عراق را) در اینجا به تحلیل ببریم و ما در این زمینه عجله ای نداریم.

والدهایم: من یک نزار طویل المدت و یک جنگ طولانی و فرسایشی (بین ایران و عراق) را پیش بینی می کنم.

امام: مسلمین عالم باید مشکلاتشان را در چه محفلی حل بکنند، در محافل بین المللی که دستاورد دولت‌های بزرگ است؟ در آن محافلی که به اسم اسلام است لکن انثری از اسلام در آن نیست... ما منزوی نیستیم

آنهائی که ظالم هستند و به ما ظلم کرده اند منزوی هستند برای اینکه میزان ملتها هستند ما باید منزوی بشویم (نزد دولت‌ها) تا مستقل بشویم، باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم... آن سلاجهائی که باید ما در مقابل دشمن، در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم باید بکار بیاندازیم... به روی هم بکشیم و این یک جنایتی است که صدام کرده... مطلم باید محاکمه شود همانطور که کارتر بساید محاکمه شود.

۳۰ مهر ۵۹ -

امام: بقوای نظامی احطار می کنم که یا

کمال جدیت و بدون فوت وقت ساز و برگ جنگی را که بحمدالله در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید.

بحران، گروگانها را حل کند.

صدای امریکا ۷/۴۰: بختیار گفت حاضر است برای سرنگونی خمینی با عراق همکاری کند... او همچنین اذعان کرد که در ماههای اخیر چند بار به عراق سفر کرده است.

۱/آبان/۵۹ -

سخنان امام در دیدار با خرازی سرپرست خبرگزاری پارس:

مردم باید در جریان همه واقعات قرار گرفته و کاملاً " بسیج شوند و از آمادگی رزمی و روحی لازم برای نبرد و دفاع از سرزمین انقلاب اسلامی برخوردار باشند. در سطح خارج باید تبلیغات شود تا واقعیات موجود، به اطلاع تمامی دنیا برسد و نشان دهند که در اینجا چه جنایاتی توسط عوامل صهیونیستی و حکومت بعثی عراق صورت می گیرد.

رجائی در مورد سفرش به لیبی گفت: آقای عبدالسلام جلود از اینکه در گذشته سیاست روشنی نسبت به لیبی نداشتیم گله کردند.

ایران طی یک پیام فوری به دبیر کل سازمان ملل شایعه مسدود شدن تنگه هرمز را تکذیب کرده و اعلام کرد تمام کوشش‌های خود را در باز نگاهداشتن آن بکار خواهد برد.

بختیار در مصاحبه با یکی از روزنامه های فرانسه آرزو کرد عراق در جنگ با ایران پیروز شود. وی فاش کرد در ماههای اخیر چندبار محرمانه به عراق سفر کرده است.

خبرگزاری ها: اشارات رجائی حاکی از این است که موسسین سرسخت جمهوری اسلامی برای حل مسئله گروگانها انعطاف پذیری جدیدی از خود نشان می دهند.

رجائی: ما تاکنون نتایجی را که از گروگانگیری می خواستیم بدست آورده ایم. ماسکی: ما برای مسافرت به ایران و مذاکره در مورد گروگانها در هر زمان آماده ایم.

لیسم یک اصطلاح استالینیستی است چرا این کلمه را بکار می برید.

۲۸ مهر ۵۹ -

صدای امریکا ۷/۲۸ - رفسنجانی: احتمال کمی وجود دارد که گروگانها به محاکمه کشیده شوند.

۲۷ مهر ۵۹ -

کارتر ادعا کرد ما خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران هستیم.

رجائی: آمریکا عملاً از ایران عدو - خواهی کرده و تنها چیزی که باقی مانده، آن است که روی کاغذ نوشته شود.

محمد علی رجائی: عذرخواهی رسمی آمریکا از ایران به نشانه "توبه" و "تکامل" معنوی یک دولت تلقی خواهد شد.

۲۸ مهر ۵۹ -

صدای امریکا ۷/۲۸ - رفسنجانی: احتمال کمی وجود دارد که گروگانها به محاکمه کشیده شوند.

۲۷ مهر ۵۹ -

کارتر ادعا کرد ما خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران هستیم.

رجائی: آمریکا عملاً از ایران عدو - خواهی کرده و تنها چیزی که باقی مانده، آن است که روی کاغذ نوشته شود.

محمد علی رجائی: عذرخواهی رسمی آمریکا از ایران به نشانه "توبه" و "تکامل" معنوی یک دولت تلقی خواهد شد.

۲۸ مهر ۵۹ -

صدای امریکا ۷/۲۸ - رفسنجانی: احتمال کمی وجود دارد که گروگانها به محاکمه کشیده شوند.

۲۷ مهر ۵۹ -

کارتر ادعا کرد ما خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران هستیم.

رجائی: آمریکا عملاً از ایران عدو - خواهی کرده و تنها چیزی که باقی مانده، آن است که روی کاغذ نوشته شود.

محمد علی رجائی: عذرخواهی رسمی آمریکا از ایران به نشانه "توبه" و "تکامل" معنوی یک دولت تلقی خواهد شد.

۲۸ مهر ۵۹ -

صدای امریکا ۷/۲۸ - رفسنجانی: احتمال کمی وجود دارد که گروگانها به محاکمه کشیده شوند.

این کلمه را بکار می برید.



سلامت‌بان ضمن اعتراض از بکار بردن کلمه: لبرالیسم (توسط وزیر ارشاد) از رئیس مجلس خواست اجازه بدهد به توضیحات دوزدوزانی پاسخ دهد.

۳ آبان ۵۹ -

مک هنری سفیر آمریکا در سازمان ملل: آمریکا عمیقاً "نگران این جنگ است. آمریکا در جنگ بی طرف می ماند. ما باید همه مخالف این باشیم که ایران در انزوا قرار گیرد، به اعتقاد آمریکا ثبات ایران بیفیع ثبات کامل منطقه است اما هم اکنون تمامیت ارضی ایران بخاطر تجاوز عراق مورد تهدید واقع شده است.

نماینده آمریکا از تلاشها و ابتکارات صلح آمیز کنفرانس اسلامی و کشورهای غیر متعهد حمایت کرده گفت شورای امنیت باید ایران و عراق را به مذاکره نشانده و آتش بس برقرار کند.

محمد تندگویان:

ایران از دو جهت با تشکیل کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک مخالف است، اول آنکه چگونه می توان در پایتخت کشوری که این چنین مقررات بین المللی را زیر پا می گذارد و به کشور ما حمله می کند راجع به سیاست‌های نفتی گفتگو کرد. دلیل دوم، آن است که هنگامی که اعضا نتوانسته اند بتوافق های کوتاه مدت برسند چگونه می خواهند در این کنفرانس سیاست های درازمدت نفتی خود را تعیین کنند.

۴ آبان ۵۹ -

موشکهای عراق صدها نفر از مردم دزفول را به خاک و خون کشانید و نقاط مسکونی اهواز مجدداً " به توپ بسته شده و تلفات جانی و مالی ببار آورد.

مجلس شورای اسلامی به منظور بررسی مسئله گروگانهای جاسوس تشکیل جلسه غیر علنی داد.

برابردار ارگان حزب کمونیست شوروی: واشنگتن با ایجاد جنگ میان ایران و عراق سه هدف اساسی داشت یکی تضعیف ارتش ایران، دوم منحرف ساختن عراق از جنگ با اسرائیل و سوم ایجاد شرایط مطلوب برای یک دخالت نظامی مستقیم در دو کشور و همچنین در خلیج فارس.

بنابینه مشترک رومانی و یوگسلاوی راجع به جنگ ایران و عراق:

اختلاف موجود با درگیری نظامی پایان نمی یابد و ادامه جنگ موجب تلفات جانی و مالی برای هر دو طرف خواهد بود.

برزیلنسکی مشاور امنیتی کارتر: تلاشهای آمریکا برای ایجاد ثبات در منطقه مسئله ای زودگذر نبوده بلکه در دراز مدت عملی خواهد شد. وی گفت شورهای منطقه خلیج فارس با خطرهای درونی از قبیل مدرنیسم و شدن و تجدید حیات اسلامی روبرو هستند.

کی سینجر: اگر ایران گروگانها را آزاد کند ریگان هم در صورت استلخاب شدن خصومتی با ایران نخواهد داشت و در صورت آزادی گروگانها - ایران نباید ترسی از دولت ریگان داشته باشد. وی حدس می زند گروگانها قبل از ۱۳ آبان آزاد شوند.

۲۰۰ خبرنگار و فیلمبردار آمریکائی در فرانکفورت به انتظار ورود گروگانها به کشورشان هستند.

کارتر: هنوز نمی دانیم مجلس لیبرال چه شرایطی برای آزادی گروگانها مطرح می کند.

کارتر و ماسکی: اگر گروگانها آزاد شوند آمریکا تحریم اقتصادی علیه ایران را لغو می کند.

پاپ خواستار پایان جنگ ایران و عراق شد.

۵ آبان ۵۹ -

نماینده عراق رئیس کمیته بررسی اصل عدم توسل به زور، سازمان ملل شد.

راگلسر: ایرانی ها در اشتباه خواهند بود اگر روی آزادی فوری دارائی های خود حساب کنند.

جامعه اقتصادی اروپا تقاضای عراق را برای میانجیگری رد کرد.

ادموند ماسکی: ما معتقدیم ایران متوجه این امر شده که گروگانگیری بفع این کشور نیست.

کنگره خلق عرب جنگ عراق با ایران را محکوم کرد.

۷ آبان ۵۹ -

به خاطر اعتراض قذافی به حضور هواپیماهای آوکس آمریکائی در عربستان، دولت عربستان روابط خود را با لیبی قطع کرد.

بقیه در صفحه ۸

انقلاب در آینده زمان

بقیة از صفحه ۷

۸ آبان ۵۹

مجلس برای تعیین شرایط آزادی گروگانها اکثریت پیدا نکرد. نمایندگان موافق طرح مسئله گروگانها معتقدند با شرایط حساس فعلی و در پیش رو بودن انتخابات آمریکا، امتیازات بیشتری را می توان از آمریکا و جناح دموکراتها کسب کرد.

سناد واگذاری زمین طی اعلامیه ای اعلام کرد که به امر امام، امر واگذاری زمین به عینده مجمع ۳ نفری گذارده شده است. کره شمالی آمادگی خود را برای همکاری های کشاورزی و صنعتی با ایران اعلام کرد.

خبرنگار رادیوی سوئد: علاوه بر میانه روهائی که در اطراف بنی صدر هستند نمایندگان دیگری هم خواستار آزادی گروگانها قبل از انتخابات می باشد.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: احتمال ارسال اسلحه و لوازم یدکی به ایران بیطرفی آمریکا را در جنگ ایران و عراق تغییر نمیدهد.

۱۰ آبان ۵۹

رجائی: ما آن مقدار قطعات یدکی را که از شیطان بزرگ طلب داریم از حلقه مشمش بیرون می کشیم اما برای پیروزی در جنگ حاضر نیستیم برای یک لحظه هم که شده نوکری آمریکا را برای گرفتن قطعات یدکی قبول کنیم.

جان ترانتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: قدرتی از سلاحهای نظامی که به ایران فروخته شده بود به کشورهای دیگر فروخته شده است که ارزش آنها ۵۵۰ میلیون دلار است.

یک مقام رسمی وزارت خارجه ژاپن: پس از آنکه مجلس شورای اسلامی شرایط آزادی گروگانها را تعیین کند، آمریکا و متحدان اروپائی آن و ژاپن در صورت آزادی گروگانها محاصره اقتصادی علیه ایران را لغو می کند.

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد، آمریکا سومین ناو هواپیمابر خود را به اقیانوس هند اعزام داشت که با ورود این ناو، تعداد کشتی های جنگی آمریکا در این منطقه بسه ۳۷ فرورد می رسد.

رویتر: حزب جمهوری اسلامی کده تاکنون با یافتن راه حلی برای گروگانها مخالف بود اما اخیراً "تعبیر موضع داده و برای خارج کردن ایران از انزوای بین المللی که نتیجه گروگانگیری است، برای آزادی گروگانها تلاش می کند.

ادموند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا: اگر ایرانیان خواستار بازگرداندن آواکس ها از عربستان شوند، آمریکا این شرط را نمی پذیرد.

نیوزویک: کارتر طی ارسال پیام خصوصی به ایران ۴ شرط آیت الله خمینی را پذیرفته است و پیشنهاداتی از جمله، لغو تحریم اقتصادی، فروش لوازم نظامی و صنعتی، تجدید روابط سیاسی و تشکیل کمیته ای برای بررسی اتهامات ایران علیه آمریکا نموده است.

۱۲ آبان ۵۹

شرایط آزادی گروگانها در سالگرد اشغال جاسوسخانه در مجلس اعلام شد. وزیر نفت محمد تندگویان و ۴ تن از همراهانش بوسیله عراقی ها ربوده شدند.

رجائی در مصاحبه با رادیو تلویزیون یوگسلاوی: گروگانها به نظر من مسئله سرنوشت سازی نیستند.

کارتر در میزبان انتخاباتی بر ایجاد صلح تاکید می کند. ۸۷٪ از کمیته های عمده آمریکائی اعلام کرده اند که از ریگان حمایت می کنند.

جودی پاول سخنگوی کاخ سفید: بدنیال تصمیم مجلس ایران در مورد گروگانها، کارتر سفر انتخاباتی خود در شیکاگو را ناتمام گذارد.

کارتر در یک پیام رادیو تلویزیونی شرایط مجلس ایران را برای آزادی ۵۲ گروگان اساس مثبتی در جهت حفظ شرف و منافع حیاتی آمریکا قلمداد نمود.

ادموند ماسکی: دولت آمریکا هرگونه پیشنهادی را که مخالف منافع و شرف آمریکا باشد نمی پذیرد.

کورت والدهایم: اکنون بهترین فرصت برای حل بحران گروگان هاست، به میانجیگری احتیاجی نیست و اکنون همه چیز به آمریکا بستگی دارد و هیچ شکی نیست که موفقیت کسب گردیده است.

ریگان: اکنون زمانی نیست که بخواهیم نسبت به شرایط ایران عکس العمل نشان دهیم زیرا مسلم است که همه ما خواهان حل این ترازوی هستیم.

رجائی: آنچه که مهم است و باید

بدانیم این است که شورای عالی دفاع بهیچ وجه بصورت شورا در کیفیت جنگ دخالت نداشته، شورا بیشتر بحث و تبلیغات و آئین نامه ها را معین کرده و بحث کلی مهمات و چگونگی اسلحه را مطرح ساخته، اما اینکه بجائی حمله بشود یا نه، تصمیم بر عهده فرمانده کل قوا و فرماندهان ارتش می باشد.

۱۳ آبان ۵۹

بدعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به مناسبت سالگرد اشغال جاسوسخانه تظاهرات گسترده ای برپا شد.

دولت الجزایر رابط بین دولت ایران و آمریکا شد.

سفیر الجزایر در ایران: تا آنجا که در توانمان باشد از منافع ایران دفاع می کنیم. عراق وزیر نفت ایران را آزاد نمیکند. کمیسون امور دفاعی طرح ادغام بسیج در سپاه را تصویب کرد.

کی سینجر: شرایط ایران غیر قابل قبول است. اگر آمریکا بر مبنای شرایط ایران مذاکره کند ملت آمریکا و همچنین تمام دوستان و دشمنان بالقوه ما این امر را خوار تعلق می کنند.

سخنان امام در سالروز اشغال سفارت بسا دانشجویان:

ما دیدیم جوان های ما بواسطه آنهمه ناراحتی هائیکه ملت ما از این قدرت فاسد کشیده بود، عکس العمل نشان دادند و رفتند و ریختند و اعضای آنجا را گرفتند و هیچ آسمان به زمین نیامد.

مطمئن باشید که پیروز هستید و هیچ قدرتی هم نمیتواند با شما مقابله کند برای اینکه قدرت، قدرت ملت است.

چند وقت است که الان ما را حصر اقتصادی کردند چه شد مثلاً "ما کجا میمانیم" که ما را حصر کرده است، خیال می کنند اشخاص که ما اگر چنانچه از آمریکا فلان چیز را نخریم خیر دیگر نمی توانیم، خیر ما داریم زیاد.

ملتی که منزوی نیست نمی تواند بترقی راه خودش را برود، ملت غیر منزوی یعنی ملتی که انگلش به دیگران هست. حالا که منزوی هستیم مستقل هستیم. چند سال باید سختی را تحمل بکنیم، سختی هم خیلی نیست تحمل کنیم تا بتوانیم خودمان سربای خودمان بایستیم و آدم باشیم.

سربای خودمان بایستیم و آدم باشیم.

۱۴ آبان ۵۹

رونالد ریگان کاندیدای جمهوریخواهان آمریکا، رئیس جمهوری آمریکا شد. کارتر: برنامه هائی را که من شروع کرده ام ادامه خواهد یافت.

تصمیمات مجلس در مورد گروگانها رسماً به دولت آمریکا اعلام شد.

رجائی: دولت در مورد گروگانها قدمی به عقب بر نخواهد داشت. ما کوچکترین ترمشی در مقابل این جنایتکاران نشان نخواهیم داد.

شاه حسن پادشاه مراکش از عراق حمایت میکند.

وزارت امور خارجه آمریکا از قبول درخواست ایران مبنی بر مبادله علنی نظریات جهت آزادی گروگانها امتناع ورزید. آمریکا خواهان مذاکرات مستقیم و غیر علنی در مورد پیشنهادات ایران شد.

برای رسیدگی به مسئله سعادت دادگاه آغاز بکار نمود.

۱۵ آبان ۵۹

سخنان امام درباره فرار سیدن محرم، در میان وعاظ:

من منتظرم که حصر آبادان از بیمن برود و هشدار می دهم به پاسداران و قوای نظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته شود، مسامحه نشود، حتماً باید شکسته شود. نگذارند اینها در آبادان وارد بشوند، از خرمشهر اینها را بیرون بکنند و حالت تهاجمی بگیرند.

اسلام را در اینجا زنده کنیم و انشاء الله انقلاب را به همه جا صادر کنیم. کارتر علیرغم شکست در انتخابات مسئله گروگانها را دنبال می کند.

ریگان قول داد قدرت نظامی آمریکا را تقویت کند. جرج بوش معاون ریگان رئیس سابق سیاست.

بنی صدر: درجه ایمان هر نظامی را در اسلام به نظم و انضباط او می سنجند.

۱۷ آبان ۵۹

امام در دیدار با مسلمانان پاکستان: ما مایل به جنگ نبوده و نیستیم لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خرد میکنیم چرا مسلمین ساکتند و توجه ندارند که اگر چنانکه جمهوری اسلام در ایران خدای نخواستہ شکست بخورد اسلام شکست خورده است.

ریگان: تا آنجا که بتوانم برای آزادی گروگانها خواهم کوشید اما در مذاکرات ظریف و جاری دولت کارتر مداخله نمی کنم.

کارتر علت شکست خود در انتخابات را عدم آزادی گروگانها و ۲ برابر شدن قیمت نفت خواند.

جان ترانتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: هیچکس به اندازه دولت آمریکا مایل به ختم این قائله نیست.

به حکم دادستان انقلاب قطب زاده بازداشت و از مبلغی اسلامی خواسته شد تا خود را معرفی نماید.

شاه خالد از صدام حمایت کرد. حافظ اسد: جنگ عراق علیه ایران توطئه رژیم بغداد علیه همه اعراب است.

بنی صدر: اگر روحیه فرماندهان نظامی را خراب کنیم بطوریکه آنها در تصمیمات خود متزلزل شوند دشمن در خاک ما پیشروی کند و موجب میشود که ما این جنگ را به اصطلاح توده ای و مردمی بکنیم و به همه جا بسط دهیم.

۱۸ آبان ۵۹

بنی صدر: من در نامه ای به امام نوشتم خیال نمی کنم هیچ رئیس جمهوری به مظلومیت من بوده است به لحاظ اینکه تمام مسئولیت روی دوش من است، حتی امکان اینکه آزاد حرف بزنم، دارند از من می گیرند.

۲۰ آبان ۵۹

پاسخ آمریکا به شرایط آزادی گروگانها تسلیم الجزایر شد.

بنی صدر در مصاحبه مطبوعاتی: جنگ نه تنها ما را ضعیفتر نکرده بلکه نیروهای مسلح ما را قویتر کرده و ارتش ما در حین جنگ به تجدید نیرو پرداخت.

بنی صدر در مورد آزادی گروگانها گفت اگر مسئله ظرف یک هفته حل می شد ما می توانستیم امکاناتی را که در خارج قرار دارند مورد بهره برداری قرار دهیم.

اشراقی: آمریکا اگر روزی سرعقل آمد می تواند با ما روابط عادی داشته باشد.

۲۱ آبان ۵۹

عراق منطقه بهمینشیر را با خسارات سنگینی ترک کرد.

حبیب شطی دلال امپریالیسم و دیپریک سازمان کشورهای اسلامی، پیشنهاد کرد تا کنفرانس از رهبران ۶ کشور اسلامی راههای

۲۵ آبان ۵۹ - مگری سفیر ایران در شوروی برکنار شد. اشراقی در جمع بازاریابان:

در روز عاشورا حق در یکطرف و باطل در طرف دیگر است، اگر اشراقی ها، بنی صدرها، قطب زاده ها همه فدای این هدف شوند مانعی ندارد.

سعادتی به ۱۰ سال زندان محکوم شد. بنی صدر: چون من هر جمعه به تهران می آیم و الان سه جمعه هست به تهران می آیم آنها "عراقی ها" طی یک تلاش مذبحوحانه حملاتی به نیروهای ما وارد می سازند.

بنی صدر: تصمیم درباره گروگانها در زمانی بصورتی اتخاذ شده است که بسود کارتر موثر نخواهد شد، بلکه به زیان او موثر خواهد شد.

رفسنجانی: مسئله گروگانها دیگر از نظر مجلس مرده است و مجلس آنقدر کار دارد که دیگر نمی تواند در این باره به بحث بنشیند.

غضنفریور: باید آن کسانی را دستگیر می کردند که رئیس جمهور منتخب مردم را در خط لیبرالیسم و آمریکا میدانند.

۲۶ آبان ۵۹

روابط عمومی نخست وزیری خبر برکناری دکتر مگری را تکذیب کرد.

بعث عراق به قتل عام مجروحان و مردم بیدفاع سوسنگرد دست زد.

کی سینجر: گروگانها قبل از ۲۰ ژانویه "اول بهمن" آزاد خواهند شد. وی تاکید کرد با دادن اسلحه در مقابل آزادی گروگانها به ایران موافق نیست.

امام در میان فارغ التحصیلان دانشکده افسری:

حرفش را می زنند، عملش برخلافش است، هر کدام صحبت می کنند، از اتحاد صحبت می کنند، لکن در عمل اینرا انجام نمی دهند. در یک همچو مشکلی که ما الان داریم شما هم باید به جان هم بیفیند؟

ملت خوب است، ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است.

حرفش را می زنند، عملش برخلافش است، هر کدام صحبت می کنند، از اتحاد صحبت می کنند، لکن در عمل اینرا انجام نمی دهند. در یک همچو مشکلی که ما الان داریم شما هم باید به جان هم بیفیند؟

ملت خوب است، ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است.

وزیر کار محمد میرمحمد صادقی:

شرکت های چند ملیتی، کارتلها و تراستهای بین المللی سیاست امپریالیستی خود را با تهاجم و غارت منابع کشورهای مستضعف و تحت ستم آغاز کرده و به آنها نوبد رفاه مادی و معنوی و رفع فقر اجتماعی که روند روزافزونی دارد، دادند.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

در یاسخی که از طرف دولت آمریکا توسط کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا به مقامات الجزایری تسلیم گردید، مقامات آمریکائی گفته اند که شرایطی را که آمریکا قبول می کند فقط بدولت کارتر مربوط می شود و ممکن است دولت ریگان آنها را نپذیرد.

۲۹ آبان ۵۹

سوسنگرد از اشغال متجاوزین عراقی در آمد.

خانی از سوی امام به سرپرستی کیهان منصوب شد.

بنی صدر در روز عاشورا:

شما چه کسانی هستید که به علم و تخصص حمله می کنید و می خواهید از نور دنیا بگویید اسلام ضد دین و ضد علم است. می خواهیم که واقعا "همه به درد دل امام گوش دهند و آنچه که موجب اختلاف میشود نکنند."

آخر من چند شب، هر شب پیایی این فرماندهان نظامی را دلداری بدهم که گوش نکنند، اعتنا نکنند، به جنگ سرگرم باشید آقا جان لیبرال کسی است که وقتی زور داشت می گوید وقتی زور نداشت تسلیم میشود.

امام: من کرارا "گفته ام که با هر که معمم است و اسم خودش را روحانی گذاشته است موافق نیستم و من کرارا "گفته ام که روحانی که برخلاف مسلک روحانیت اسلام عمل کند و توطئه گر باشد این از ساواکسی بدتر است، این نیست که من بگویم هر که عمده سرش است مورد تأیید است، خیر من از بسیاری از آنها متفرم و با بسیاری از آنها کاری ندارم.

۱ آذرماه ۵۹

اولاد پالمه فرستاده ویژه کورت والس هابم با بنی صدر ملاقات کرد.

بنی صدر در حسینیه ارشاد:

رادیو کلن: مصاحبه بنی صدر بسا تلویزیون آلمان: پاسخ به مسئله گروگانها! من از ۹ ماه قبل و در آغاز کار در این مورد عقاید و نظراتم را عنوان کردم، گفتم که گروگانگیری و ادامه این عمل نه تنها هیچ درد و مشکلی را در شرایط پس از انقلاب ایران حل نکرده و نخواهد کرد بلکه فی نفسه به مشکلات و دشمنی ها و بسیاری از مسائل دیگر خواهد افزود.

همان روزهای نخست، در یک آن، بر آن شدم تا جنگ را بحال خودش واگذارم و به کسانی که کار را به این حد کشانده بودند، بگویم که بروید و خودتان درست کنید ولی از این فکر منصرف شدم و چون معتقدم باید در راه اسلام مبارزه و کار کرد در نتیجه ماندم و سربازان و افسران و درجه داران را رهبری نمودم.

در جایی که ممالک دنیا در تکنولوژی و صنعت با هم رقابت می کنند و هریک می کوشند تا پیش از دیگری از سال دو هزار میلادی بگذرد و صنعت قرن بیستم را طی کنند، آن وقت در چنین اوضاع و احوالی اگر بگوئیم تخصص مطرح نیست و هیچ چیز تخصصی نمی خواهیم حرفی صحیح و عملی صالح است؟

شبکه تلویزیونی ان بی سی آمریکا: عربستان، رسماً حمل محمولات نظامی را به عراق از طریق خاک خود آزاد نمود.

۳ آذر ۵۹

عبدالسلام جلود نخست وزیر لیبی: تمام امکانات سیاسی، نظامی و اقتصادی لیبی در خدمت انقلاب ایران است.

۴ آذر ۵۹

بنی صدر: در این جنگ هر جا که فن و تخصص، فرماندهی و انضباط، خود جوشی و ابتکار را جمع آوردیم با افراد کم بر عده زیاد آنها غلبه کردیم.

۵ آذر ۵۹

باهنر وزیر آموزش و پرورش شد.

۶ آذر ۵۹

بنی صدر: انقلابها بدست کسانی افتاده که بقول آقای اشراقی در انقلاب شرکت اساسی نداشتند.

۹ آذر ۵۹

رفسنجانی: الجزایر، سوریه و لیبی آماده هرگونه همکاری با ایرانند.

سکوی نفتی البکر به تصرف ایران درآمد.

۱۰ آذر ۵۹

وزیر کار محمد میرمحمد صادقی:

شرکت های چند ملیتی، کارتلها و تراستهای بین المللی سیاست امپریالیستی خود را با تهاجم و غارت منابع کشورهای مستضعف و تحت ستم آغاز کرده و به آنها نوبد رفاه مادی و معنوی و رفع فقر اجتماعی که روند روزافزونی دارد، دادند.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

در یاسخی که از طرف دولت آمریکا توسط کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا به مقامات الجزایری تسلیم گردید، مقامات آمریکائی گفته اند که شرایطی را که آمریکا قبول می کند فقط بدولت کارتر مربوط می شود و ممکن است دولت ریگان آنها را نپذیرد.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

وزیر کار میرمحمد صادقی در کنفرانس کار آسیا: انقلاب ایران به یاری خداوند و با مدد گرفتن از نیروی خلق بپاخاسته و از بندرسته ایران، زنجیر اسارت امپریالیسم را از دست و پای خود رها کرد و این انقلاب بشارتی است به همه ملت های جهان برای رهائی از قید امپریالیسم و دولتهای جابر و مستکرم وابسته به آن.

ادامه دارد

مقدمه ای بر:



۱۷

مسئله
تشکیلات و سازماندهی

تشکیلات از دیدگاه جهان بینی توحیدی

سوم: مفهوم پیروزی و شکست

بیشتر به این ویژگی اشاره کرده ایم. برای یک تشکیلات مکتبی پیروزی یا شکست مفهومی دارد کاملاً متفاوت با آنچه سازمانهای غیرمکتبی از ابتدا دریافت می کنند. از آنجا که محور تلاشها صورتور با شدن انسان بسوی خداست، موقعیت یک تشکیلات با یک فرد در این دیدگاه مربوط به اینستکه تاجه اندازه و با چه سرعت و کیفیتی خود را در جهت خداگونه شدن تغییر می دهد. هدف در در جایی خارج از وجود انسان قرار ندارد، بلکه در درون انسان است، شدن جایجایی مکانی نیست و هجرت در خود است، از خودی بیگانه با خویشی خدائی و مطلق هستی، بسوی "خودی" بیگانه و همساز و همراه نشاء و پیدا وجود. که انا لله و انا الیه راجعون. ما نمی توانیم جلوی تحول و شدن شخصیت خویش را بگیریم، تا وقتی زنده هستیم و تلاش و فعالیت داریم، در معرض ابتلاء و آزمایش و در نتیجه انتخاب قرار می گیریم و هر انتخابی تعیین کننده کیفیت شدن یا صورتور ماست. در همان لحظه که انتخابی بعمل می آوریم و اقدام انجام می دهیم، و حتی پیش از آن از لحظاتی که قصد و نیت عمل در وجدان و قلب و شعور ما شکل می گیرد و محرک عمل میشود، ما با پیروزی یا شکست خورده. اگر نیت و تصدیان خدائی و عمل مان در جهت نزدیک شدن به وی باشد، در جهت آزادی

پیروزی قطعی و بلاواسطه ای است که در همان لحظه نصیب افراد مانقوا و بلاشکر میشود، شخصیتشان تکامل می یابد، یک کام به خدا نزدیکتر میشوند و دیگری پیروزی نهائی است که نصیب جبهه حق و نیروی مستضعفان متقی و صالح می گردد و آنانرا بر دشمن در صحنه میرد تاریخ غلبه می بخشد. با این دید، یک مبارز مکتبی که به خودآگاهی رسیده و نواز روح تشنه خویش را درک و احساس می کند، تا وقتی مطمئن است که عملی در سیر الله است، هرگز دچار یاس و دل سردی و سرخوردگی نمی شود شکستهای سیاسی او را غم زده و ناامید نمی کند، از یک پیروزی شاد و از یک شکست مابوس نمی گردد، دچار نزل روحی و نوسان و تردید نمی شود، بلکه با نصرتی که یافته، در زیر سخت ترین شکنجهها و در تاریکترین لحظات شکست و غلبه دشمن هم خود را بیروز و ظفرمند حس می کند. علیرغم تلاطم شرایط بیرونی، درون مومن مبارز اقیانوس ژرف و آرامی است که از هر نزل و نوسان و تردیدی مصون و مبراست و اطمینان و رضایت خاطر بر وجودش سایه افکنده، زیرا در هر لحظه خود را با معنوی با آن مطلق زیبایی و قدرت و حکمت، آن سرچشمه فیض و رحمت روبرو می بیند و هر آن خود را به او نزدیکتر و نزدیکتر احساس می کند و در این حالت است که هیچ روح و الم و شکنجه و ناگامی و شکست و محرومیت با سرزنش و ناسزا، توهین و اتهام و فحش و بدگوئی و طعن و نفرت و لعن معاندان در

تشکیلاتی وابسته به آزادی تفکر و استقلال اراده و رسیدن به خودآگاهی و بصیرت است، لذا برخلاف تصور بعضی، آزادی و استقلال، فکری اعضا در یک تشکیلات مکتبی - توحیدی نه تنها با انضباط - وحدت عمل و تشکیلات مغایر ندارد که شرط لازم تحقق آن میباشد. ضربای بالاتر از این به رسالت و مسئولیت انسان قابل تصور نیست که تحت عنوان "حل شدن" در تشکیلات گوهر گرانمای آزادی و انتخابگری وی را بریابند و او را برده و اسیر جسم بسنه تشکیلات و مرکزیت و رهبری سازند، حل شدن در سازمان، با تقلید گوسفندواری که زمانی کلیسا از مومنان و پیروان خود درخواست میکرد، تفاوتی ندارد. در این نوع وحدت تشکیلاتی، هراندازه افراد کمتر بدانند، وحدت بهتر حفظ شود. میتوان گفت که باید قاعده اول عمل کن بعد بپندیش که در این سازمانها بیشتر تبلیغ میشود، جای خود را به قاعده بپندیش و سپس عمل کن بدهسد. تفکر و علم و آگاهی باید راهنمای عمل باشد. در سازمانهای مکتبی توحیدی، وحدت و انضباط تشکیلاتی و حتی نظامی باید در برتو خودآگاهی و ایمان به حقیقت واحد تأمین شود. آموزش هرچه عمیق تر، اصول فکری و سیاسی و واقعبینانه زندگی، و سرانجام رسیدن به مرحله احتیاط فکری

است که ممکن است تجربه کند. در مراتب پایین تر جلت رضایت و حسودنی رابط و مسئول هدف فرد است، ما فیلا از آثار سو خودبناگنی تشکیلاتی با اندازهای صحبت کردیم. اکنون بسیم در یک تشکیلات مکتبی با مساله فرد و سازمان چگونه برخورد میشود، بحوی که هم انسجام و وحدت تشکیلات حفظ شود و هم استقلال و اراده آزاد افراد محترم و محفوظ بمانند. این نکت را شاید از نظر دور داشت که اگر در یک سازمان مکتبی معتقد به جهان بینی توحیدی، شخصیت اعضا بکلی در شخصیت تشکیلات حل شود باید آنرا نکست خورده و محرف دانست، ممکن است بگویند استقلال فردی با وحدت تشکیلاتی و اقدام دستجمعی و سازمان یافته تضاد دارد، جواب میدهم، بلی در تشکیلات نوع "ابتدائی" شبیه جوامع اشتراکی اولیه که نه از روی خودآگاهی و انتخاب آزاد، بلکه از روی غریزه و به ضرورتها و احتیاجها بوجود می آیند، استقلال فردی با همبستگی جمعی متناقض است، اما در امت واحد توحیدی که افراد آگاهانه و با اراده آزاد متحد میشوند و دوشی بدوشی هم حرکت می کنند، چنین تناقضی بی معناست زیرا شخص با آگاهی و استقلال کامل فکر و اراده و در برتو بصیرت و خودآگاهی و احساس نیاز درونی مبارزه تشکیلاتی را برگزیده است، او عمل

سبب میشود که هدهجیز حتی اهداف اصلی انسانی را فدای قدرت و انسجام تشکیلاتی کنند. سازمان مزبور از یک طرف مدعی است که میخواهد بر مبنای جهان بینی توحیدی، انسانهای خداگونه پرورش دهد، از دیگری می گوید شخصیت فرد بکلی در "سازمان" حل شود. این اصل تشکیلاتی که با دقت و شدت تمام دنبال اجرا میشود، بکلی با مساله خودآگاهی و آزادی و استقلال و انتخابگری انسان در تضاد است. در بینش توحیدی، افراد نه تنها بصورت امتها که در عین حال هر کس به تنهایی در برابر سرنوش و در بیکار خدا مسئول است و باید حساب پس بدهد. انسانها یک رهبن مکتبات خویشاند "لا تزر وازرة وزر اخری" و کسی بار گناه و مسئولیت دیگری را بدوش نمی کشد. در نظریه "حل شدگی" فرد در تشکیلات، هر فرد موظف است که اراده و آزادی و استعداد خود را در اختیار تشکیلات بگذارد از آن تبعیت محض کند، فرد نباید در برابر تشکیلات از خود رای و نظر وارد و اختیار داشته باشد، باید بمثابة پیچ با مهرهای در یک کارخانه، از فرمانهای مرکزیت اطاعت کند. بر مبنای معیار ارزشهای حاکم بر این سازمانها، اعضا وقتی به مرحله تکامل و رشد مبارزاتی و تشکیلاتی رسیده اند که شخصیت و استقلال و اراده خود را در شخصیت سازمان بکلی حل کرده باشند. "حل شدگی" فرد در تشکیلات دقیقاً معادل مفهوم از خود - یگانگی و جدائی فرد از خویشتن انسانی است. دقیقاً همانند حلول جن یا هر عامل دیگری در شخصیت انسان و سلب اراده و قدرت عمل از روح انسانی فرد است. آموزش تشکیلاتی و ضوابط و معیارهای حاکم بر این سازمان، قدم به قدم فرد را از استقلال و قدرت تفکر مستقل محروم می سازد، از او می خواهد تا هیچوقت مستقل نبیندش و درباره چیزی سخا تصمیم نگیرد و انتخاب نکند، نوشته های مستقل مطالعه و درباره مطالب آن به قضاوت ننشیند، بلکه در همه حال جثمان خود را به دهان مسئولین و رابطین بدوزد و گوشها به فرمانهای آنان. لازم نیست مغز خود را بکار اندازد، کافی است تحلیلها و توجیهات سازمان را از حفظ کرده، تکرار کند.

در نظریه "حل شدگی" فرد در تشکیلات، هر فرد موظف است که اراده و آزادی و استعداد خود را در اختیار تشکیلات بگذارد و از آن تبعیت محض کند، فرد نباید در برابر تشکیلات از خود رای و نظر وارد و اختیار داشته باشد، باید بمثابة پیچ با مهرهای در یک کارخانه، از فرمانهای مرکزیت اطاعت کند.

دستجمعی و کار تشکیلاتی و مکتبی را خود ضروری تشخیص داده و در هر قدم آگاهانه و باز هم با حفظ استقلال فکری، ضرورت آنرا تأیید شده می بیند، بی آنکه لازم باشد شخصیت و فکر و اراده خود را در تشکیلات "حل" کند و "خود" انسانی اش مضمحل و اسیر و وابسته گردد. این نوع وحدت و انسجام غالبترین شکل وحدت انسانی و خودآگاهانه است. در تشکیلات مکتبی به جهان بینی توحیدی، چون اساس فکر بر قبول و تسلیم در برابر واقعیت واحد و مستقل از ذهن است، بنابراین کمترین مخالفت و دشمنی با آزادی فکر نمی تواند داشته باشد. معمولاً آن مسلکها و سازمانهای آزادی تفکر و انتخاب افراد هراس دارند که واقعیت وابسته به ذهن و تمایلات و منافع خود را می خواهند به عنوان حقیقت به آنها تحمیل کنند و لذا از اینکه افراد آزادانه به تفکر و جستجو بپردازند و در نتیجه احیاناً به حقیقت مستقل از ذهن و اراده آنان آشنا شوند، می هراسند. در تشکیلات مکتبی، مبنای وحدت افراد، ایمان به همان حقیقت مستقل از ذهن همگان است و لذا همبستگی بوجود نمی آید مگر آنکه همه آزاد از هر اجبار و تحمیلی فکر خود را بکار اندازند و واقعیتها را درک کرده، به آنها ایمان بیاورند. می بینیم که بعکس آن نوع سازمانها که حفظ انسجام و وحدت تشکیلاتی در گرو "حل شدن" فرد در سازمان است، در تشکیلات توحیدی وحدت و انسجام

نمونه چنین کوششی، تربیت افرادی است مطیع و بلااراده، فاقد استقلال فکری و اراده و قدرت انتخاب آزاد. افرادی که در سازمان خود جز خوبی و حسن و تقدس نمی بینند و در حقیقت محور تشکیلات است تصور اینکه سازمان هم ممکن است اشتباه کند و منحرف شود و یا دروغ و بی صداقتی از خود نشان دهد، هرگز بفرشان نباید راه یابد. "حل شدگی" در سازمان، نظریه تشکیلاتی است که در احزاب استالینی و فاشیستی مبنای عمل بوده است و اکنون هم از جانب بعضی سازمانهای دست و پاگیر مذهبی دنبال میشود. تأکید روی حفظ انضباط (دسیسلین) نظامی هم بخاطر تشدید حالت فوق است. افراد در سایه تربیت تشکیلاتی به سربازانی مطیع تبدیل می شوند که جز اطاعت فرمانهای مافوق و وظیفهای ندارند. مهمترین انگیزه افراد در این شرایط خلاصه میشود، در ارتقاء موقعیت تشکیلاتی، قرار گرفتن در یک رده بالاتر از لحاظ سازمانی، این بزرگترین پاداش برای یک فرد و شیرین ترین لذتی

در تشکیلات مکتبی مبنای وحدت افراد، ایمان به حقیقت مستقل از ذهن همگان است و لذا همبستگی بوجود نمی آید مگر آنکه همه آزاد از هر اجبار و تحمیلی فکر خود را بکار اندازند و واقعیتها را درک کرده بدانها ایمان آورند.

وی اثر ندارد و بجای همه همهمه های خناسان، این ندای حق و سرزنش الهی را در قلب خویش می شنود که "یا اینها انفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی".

چهارم: فرد و تشکیلات - نظریه "حل شدگی" فرد در سازمان

در جزوه آموزشی یکی از سازمانها روی "حل شدگی" فرد در تشکیلات تأکید خاصی بعمل آمده است. تقدس و مطلقیت ویژه ای که در سازمانهای مزبور به تشکیلات به عنوان ابزار اصلی کسب قدرت می دهند،

بیشتر و عدالت و تقوی باشد، پیروزی، والا شکست خورده. تشکیلات مکتبی که مبین حرکت دستجمعی افراد است، از این سنخ، همین معیارها را برای پیروزی یا شکست می سنجد و بکار می گیرد. پس از این رو در امور اجتماعی و سیاسی، به پیروزیها یا شکستهای مطلق نمی اندیشد، پیروزی درازمدت حق مورد نظر است. بر طبق سنتهای الهی، کسانی که در راه حق حرکت می کنند، قطعاً پیروزند. "ومن یطع الله و رسوله و یخشا الله و ینتق فاولئک هم الفائزون" نور/ ۵۲ - هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از وی پروا دارد، پس آنان پیروزند. این پیروزی مفهوم دوگانه دارد: یکی همان

ضرورت جدی پیدا می کند. بی تک این معنا نفی امامت و رهبری را نمی رساند، بلکه چنانکه می دانیم، تشخیص و انتخاب رهبری باید آگاهانه و از روی استقلال فکری بعمل آید و هر روز در هر قدم این تبعیت تجدید شود. بعکس سازمانهای استالینی و فاشیستی که وقتی افراد بار اول تحت هر انگیزهای سر در اطاعت یک رهبر می گذارند، از آن پس ملزم و معتقد به تبعیت میشوند و ضرورتی برای تجدید نظر یا تجدید بیعت نمی بینند در یک حرکت مکتبی، هر فرد باید بیعت خود را با رهبری مرتب تجدید کند، زیرا هر رهبری در معرض خطا و اشتباه و انحراف است. چه بسا که در موضع اولین بیعت، رهبری در صراط مستقیم حرکت می کرده است، اما بعداً به چه و یا به راست منحرف گردد. اعضا چگونه میتوانند در صورت بروز انحراف و لغزش از آن آگاه شوند و در صد اصلاح برآیند و در صورتیکه اصلاح نشد بیعت خود را بشکنند؟ این توانایی مشروط به آنستکه در هر قدم افراد بتوانند بطور آزاد درباره مواضع عملگره، سازمان و رهبری آن فکر کنند و تجزیه و تحلیل و بررسی نمایند، حق و اشتقاق و بازرسی داشته باشند و چنانکه ضعف و انحراف مشاهده کردند، بتوانند بازگو کرده از آن جلوگیری و یا راه خود را در صورت لزوم جدا نمایند.

خطر تجدید مناسبات با امپریالیسم را فراهم می آورد، اما این حرف نادیده گرفته نشد و امروز آثار آن دارد بروز می کند. در قضیه جنگ نیز با این که ما پیش از این نیز مطرح ساختیم که از "صلح اصولی" پشتیبانی می کنیم، زمینه های صلح فعلی را بسیار تاریک و معشوش می بینیم. خطری که ضمن آن انقلاب از پویایی خود جدا شده و حاکمیت و بزرگی ارتجاع منطقه رهبری عربستان تثبیت می گردد، نیروهای محافظه کار درونی رشد می کنند و امپریالیسم از طرق گوناگونی که ایجاد کرده، در تجدید مناسبات پیشین می کوشد، زیرا گروهگانهای تحویل نده و جنگ نیز خانه یافته است و آنگاه است که این مساله که اکنون باید تجهیزات نظامی تهیه شود و اسلحه های مدرن و سنگینی خریداری شود. با توجه به اینکه بعد از جنگ نیز برای مقابله با تجاوزات احتمالی نظیر تهاجم رژیم بعثی کوشش برای خرید اسلحه ها و تجهیزات مدرن اوج خواهد گرفت و آمریکا که در این شرایط برای تحویل اسلحه با مشکلاتی روبرو است در آن شرایط بسادگی به این امر قادر خواهد بود.

جنگ درازمدت توده های تنها مغزی است که میتواند بن بست فعلی را درهم شکند و این امری نیست که از عهده جناح - های حاکم برآید. از این رو سرسروش انقلاب با آینده تحولاتی که در مورد جنگ پیدا خواهد شد گره خورده است.

جنگ درازمدت توده های تنها مغزی است که میتواند بن بست فعلی را درهم شکند و این امری نیست که از عهده جناح - های حاکم برآید. از این رو سرسروش انقلاب با آینده تحولاتی که در مورد جنگ پیدا خواهد شد گره خورده است.

بقیة صفحه ۳

اغتشاشات در مناطق دیگر مثل کردستان تشدید و با در بلوچستان و سیستان و فارس و در شهرها مقدمات آن فراهم میگردد. حاکمیت توده ها بر جنگ و بر میدان سیاست، مانع بزرگ پیروزی توطئه های امپریالیستی است.

آنگاه از افسران جوان و درجه داران و سربازان در ارتش و نیروی هوایی و دریایی و زاندارمیری و شهرپایی که به انقلاب مومن و معتقدند، با انگیزه اسلامی و مردمی شهید میشوند و خود را در صف ملت می دانند، رهبری توده ها را قبول دارند و شیوه دوم را طالبند، سپاه پاسداران و سبج و همه نیروهای داوطلب مردمی، جنگ توده ای را تعقیب میکنند. تضاد موجود بین سپاه و ارتش بیشتر در اثر حاکمیت خط اول پدید آمده و ادامه یافته است، در صورتیکه جنگ مردمی به وحدت تعالی بخش بین همه نیروها بر مبنای اهداف انقلاب و مکتب می انجامد. سیاست سکون در جبهه که اکنون دنبال میشود نشانه آنست که خط اول بر سر دوراهی مخوم خود رسیده است، یا باید اسلحه های مدرن بخرد، و وابسته شود و یا تن به سازش دهد. از آن خط راه خروج ندارد، اما با جنگ توده ای درازمدت میشود از بن بست خارج شد چنانکه هم اکنون پرسنل ناانقلابی ارتش و سپاه و سبج با حملات چریکی و شبیخون ها به جنگ ادامه میدهند

و طرفدار ادامه جنگ و مخالف سازش هستند (به قطعنامه اخیر سمینار سپاه پاسداران رجوع شود).

اگر حاکمیت خط اول بکلی نفی نشود، سپاه و نیروهای داوطلب و افراد انقلابی و مومن ارتش و توده های مردم به انزوا و انفعال دچار میشوند و الزاماً یکی از دو راه گفته شده طی میگردد که در هر دو حال شکست خط انقلاب را در بر دارد. خط اول مورد حمایت آمریکا و وابستگان بدان بوده است و جناح لیبرال در هیئت حاکمه و همه طبقات سرمایه دار و فئودال و سازشکار و حتی مترجمین مذهبی از این خط حمایت می کنند.

اکنون بر همه توده های انقلابی و مبارز و نیروهای رزمنده و پرسنل مومن و انقلابی در ارتش و سپاه پاسداران است که علیرغم وضعی که خط اول در جبهه پدید آورده است، استراتژی جنگ مردمی و درازمدت را دنبال کنند.

اکنون بر همه توده های انقلابی و مبارز و نیروهای رزمنده و پرسنل مومن و انقلابی در ارتش و سپاه پاسداران است که علیرغم وضعی که خط اول در جبهه پدید آورده است، استراتژی جنگ مردمی و درازمدت را دنبال کنند. خطی که ادامه آن

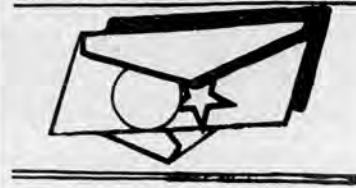
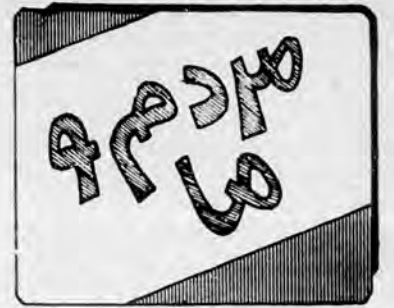
پیامدهای جنگ مردمی، جنگ تخصصی

کوشش و تلاش بخرج دهد و در غایت قضیه مانند تحویل و آزادی گروهگانهای جاسوس شود که وقتی جناح حزب و دولت در آزادی آنها کوشید جناح دیگر موضع مخالف گرفت. اگر چه باطناً مخالفتی با آزادی گروهگانه نداشتند، بلکه از آغاز نیز حرکت اشغال و گروهگاری را نفی می نمودند. طبیعی است در شرایطی که دشمن استحکامات خود را در مرزها تقویت کرده و در مواضع اشغالی نیز استحکامات نظامی برپا کرده است، و سرزمین ما را اشغال کرده است و کیلومترها خاک میهن ما را در اختیار دارد، سخن گفتن از صلح و سازش جز به سود دشمن و ضرر انقلاب نخواهد بود. متارکه جنگ تنها در شرایطی باید پذیرفته شود که دشمن یا وادار به عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی شده و یا پیش از هرگونه بحثی پیرامون صلح از خاک ما عقب نشینی کرده باشد. در شرایطی اینچنین قبولی مذاکره با عراق به او امکان خواهد داد تا از موضع قدرت برخورد کند. گذشته از این وقتی واسطه های ارتجاعی چون عربستان در این امر دخالت می کنند، چه انتظاری از حاصل دستاورد صلح میتوان داشت؟

در آزادی گروهگانه هم هشدار دادیم این نحوه برخورد با آزادی گروهگانه،

به پیروزی مستضعفان بر مستکبران و گسترش انقلاب مکتبی ختم میشود. بیائیم با اتحاد این سیاست و خط مشی، جنگی را که امپریالیسم برای سرکوبی و به سازش کشاندن انقلاب و خفه کردن آن بوجود آورد، به صد خودش تبدیل کنیم.

اکنون در همه جا ابتکار عمل از توده ها و نیروهای انقلابی گرفته شده است، و هم چنانکه پیش از این هشدار داده بودیم، بعد از کفرانسی طائف کوششهایی شروع شده است تا با کمک ارتجاع منطقه، صلحی را فراهم آورد که بدربرگری و ریش سفیدی عربستان را در منطقه تثبیت کند. سفر آقا شاهی و ملاقات با دولت اردان، سفر "حقانی" به عربستان و دیدار او با فهد، فعالیت هیاتی که بعد از کفرانسی کشورهای غیرمعتد برای تمهید صلح بین ایران و عراق پدید آمده، دیدار مجدد اولاف یالمه از عراق و ایران و مذاکرات وی با زمامداران دو کشور، زمینه های است که این تمایل را نشان می دهد. برآستی معلوم نیست ما وقتی از جنبش آزادی بخش عربستان حمایت می کنیم، ملاقات با شاهزاده فهد دیگر چه مفهومی میتواند داشته باشد؟ خبرهایی حاکی از آن است که هر دو جناح درصدد برقراری صلح میباشند و ممکن است در بعضی موارد برای پیشی گرفتن بر دیگری هم



کاربرد روش شناخت برپایه توحید درام انقلاب و سیاست و اداره امور کشور

عراق خودداری ورزید! ضدانقلاب داخلی هم تحت تاثیر نصایح و ارشادات! دست از شایعه سازی، سببائی، خرابکاری و توطئه کشیده اند! و همگی با جان و دل در خط "توحید" قدم برمی دارند.

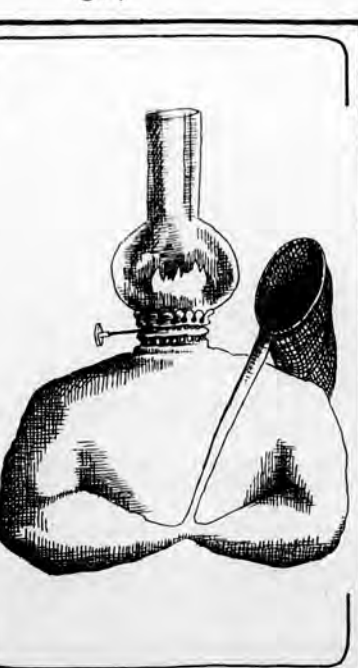
شود! ضدانقلاب داخلی هم تحت تاثیر نصایح و ارشادات رئیس قوه مجریه دست از شایعه سازی، سببائی، خرابکاری، و توطئه کشیده اند! و همگی با جان و دل در خط "توحید" قدم برمی دارند!

سراجام مدافعين اين روش بايد روشن کنند که آیا شیطان واقعت دارد یا نه؟ اگر چنانکه جزء اعتقادات ماست، نیروهای شیطانی وجود دارند، این نیروها کجا هستند و با آنها چگونه باید رفتار کرد؟ آیا شیطان علیه انسان برخاسته و مشغول دشمنی هست یا نه؟ اگر چنانکه در قرآن آمده، شیطان دشمن آشتی ناپذیر انسان است و خداوند بشر را از هر نوع رابطه و دوستی و تسلیم در برابر شیطان شدت منع کرده است، در اینصورت چگونه با روش "شناخت بر پایه توحید" میشود با شیطان کنار آمد و او را به وحدت دعوت نمود؟ آیا تضاد انسان و شیطان هم "عارضی" است و اگر میکرب خارجی دفع شود، انسان و شیطان چون دو یار متفق و متحد و همراه می گردند، اگر چنین است باید فاتحه همه تفکرات توحیدی و جهان بینی قرآن خوانده شود! و اگر چنانکه قرآن تصریح میکند تضاد شیطان و انسان تضادی قدیمی است و از لحظه ای که انسانیت پدید آمد و "انسان" با برعصه گذاشت، آغاز شد و چیزی نیست که بعدها "عارضی" شده باشد و اگر این دشمنی و خصومت ذاتی است، یعنی به تفاوت و اختلاف ماهیت انسان و ابلیس بستگی دارد و مربوط به تضاد در جهت گیری و حرکت آندوست و نا انسان بر روی کره زمین زندگی میکند، ابلیس با وی دشمنی می ورزد و تضاد خود را با او حفظ می کند، در اینصورت توضیح دهید آیا باز هم روش پیشنهادی و ایداعی فوق میتواند این تضاد کهن را حل کند و به آشتی بدل سازد؟ و اگر نه پس یک روش عام و مسلم بحساب نمی آید و معلوم میشود در بعضی از قلمرو - نه ای هستی این روش بکار نمی خورد و اثر ندارد - در اینصورت باز هم سوال میکنیم توضیح دهید مظاهر تضاد انسان و شیطان چیست، آیا این تضاد و خصومت جلوه های مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی دارد یا نه؟ اگر دارد در انواع جلوه های دشمنی شیطان با انسان، تضاد موجود در روش در بسیاری قلمروهای اجتماعی بی اثر میباشد.

تنها جاییکه این روش ارزش عملی دارد (نه فلسفی) در اختلاف بین دوستان - بین اهل حق و وجهه خلق است - تا وقتی یکطرف اختلاف موضع گیری شیطانی پیدا نکرده و خود جزء شیاطین انس و جن نشده است، چنانکه قرآن هم تأکید و توصیه می نماید، با راهنمایی و استدلال و بحث و افتاع میشود به توافق و تفاهم رسید.

وما هم این نحوه برخورد و بحث و گفتگو را برای حل اختلاف مکتبی و سیاسی بین کسانی که متعلق به یک جبهه (ضد شیطانی) هستند توصیه کرده، بدان متفقد هستیم. اما اگر بگوئید با این روش میشود با مظاهر شیطان و حتی با خود شیطان بزرگ یعنی امپریالیسم امریکا و لشکریان و متحدان وی به وحدت رسید، آنرا انحرافی خواهیم دانست

پایان



انتظار بیروزی داشته باشید. و اساساً ساله غامض و متناقض اینستکه ملت ایران بر اساس روش تضاد بر دشمن تاریخی خود یعنی رژیم سلطنتی پهلوی پیروز شد و بر اساس پیروی از این روش، یعنی جنگیدن و خون دادن و شهید شدن و کشتن و کشته شدن توانسته است در انقلاب خود در برابر توطئه های شیطان بزرگ و شیاطین انس و جن دفاع کند - ملت ایران با طاغوت بر اساس روش تضاد مقابله کرد، زد کرد - همانموقع بودند کسانی که استفاده از این روش را در برابر رژیم به امام و به ملت ایران توصیه می کردند، میگفتند شاه بر سر عقل آمده و پشیمان شده، بختیار حسن ریش دارد، امینی حسن نیت دارد، سران ارتش حسن نیت دارند، کارتر نیز در حقوق بشر خود صادق است، در دادن آزادی و استقلال به ایرانیان حسن نیت دارد، اما این روش راملت ایران نپذیرفت و امام هم نپذیرفتند، گفتند بین ما و رژیم "تضاد است" نه وحدت، اگرچه همه از یک ملتیم (نه یک مسلک) همه از یک کشوریم ولی بین ما تضادی آشتی ناپذیر همانند تضاد حق و باطل وجود دارد، اگر وحدت حق و باطل ممکن است، ما رژیم هم میتوانیم به توافق برسیم. انقلاب نظریه شناخت و روش معروف به توحیدی را رد کرد و با دشمن خود از سر تضاد وارد عمل گشت و بهمین دلیل هم در آن مرحله پیروز گردید. وارثین انقلاب به روش پیرو روش سازش با دشمن اند، لذا انقلاب روش پیشین خود را که تضاد با دشمن بود از دست داد و روش مذاکره و مصالحه و تفاهم و آشتی پیش گرفت، نتیجه آن شد که دشمن فرصت یافت تا تجدید قوا کند، مملکت طاغوتی و شاهنشاهی باقی ماند، ساواکیها بکار گمارده شدند، سرمایه داران وابسته در اس صنایع باقی ماندند و مالکان اراضی را در تیول خود نگاهداشتند، فرماندهان طاغوت صفت، آزاد و در راس کار باقی ماندند و پستهای حساس گرفتند، انقلاب متوقف گردید، چیزی عوض نشد مگر آنجا که از حیطة نفوذ دولتمردان آزاد بود - جوانان انقلابی به پیروی از روش انقلاب و شیوه شناخت تضادی که امام در برابر دشمن بکار برده بودند، خود دست - بکار شدند و هرجا توانستند و هرجا گیر آوردند دشمن را سرکوب، طاغوتی را بازداشت، تصفیه و از سرمایه دار و مالک بازگرداندند - و بهمین دلیل از جانب مدافع نظریه شناخت توحیدی به زورمداری متهم شده، و به پیروی از روش تضاد موصوف شدند.

این تناقض آشکار بین انقلاب و روش مردم و رهبر مردم از یکطرف و وارثین انقلاب که روش دیگری دارند از سوی دیگر چگونه باید حل شود. همه میدانیم که اگر انقلاب از بسیاری دامها رست و بسیاری خطرها را دفع کرد و هنوز بر پای خود ایستاده و همچنان به پیش میرود، بخاطر آنستکه روش پیشنهادی "شناخت بر پایه توحید" را نپذیرفته و با دشمنان انقلاب هرجا که توانسته با روش تضادی معامله کرده است. در راس قوه ها کسی قرار دارد که روش شناخت بر پایه توحید را تبلیغ و دنبال میکند، با همین روش میخواید مشکلات اقتصادی، سیاسی و نظامی را حل کند. تاکنون حاصل کاربردن این روش را توسط وی مشاهده کرده ایم، دیدیم چگونه سرمایه داران و تجار متجاوز با انقلاب وحدت پیدا کردند و تورم و ظلم و استثمار از بین رفت!! دیدیم چگونه فرماندهان ارتش طاغوتی دست از افکار شاهنشاهی و روحیه استبدادی و خدمت به استعمار برداشتند و به همراه خلق شدند و گرد توطئه و کودتا نرفتند!! دیدیم که کشورهای مترجم منطقه نظیر پاکستان و عربستان و شیوخ خلیج فارس در اثر مذاکره و نصیحت و ارشاد وزیر خارجه، تبعیت از شیطان بزرگ را ترک کرده، به حمایت از انقلاب اسلامی ایران برخاستند!! و اجازه ندادند کشورشان پایگاه نظامی و توطئه و حمله علیه ایران شود و اروپائیکها دست از حمایت و اتحاد با امریکا برداشتند و در محاصره اقتصادی شرکت نکردند و فرانسه از دادن میراژه

نتایج کاربرد این روش در مورد استعمار - گران اروپائی هم با وجودیکه توسط شخص واضع روش اعمال شد، تاکنون امیدوارکننده نبوده است. ایشان هر اندازه نصیحت کرد و پند و اندرز داد، در گوش سنگین قدرتهای استعماری اروپا و ژاپن فرو نرفت و در قلب سیاه و سختشان اثر نکرد. آنان حاضر نشدند از منافع مشترکی که با شیطان بزرگ داشتند، دست بردارند و با ملت و انقلاب ایران همراهی کنند، اگر هم می کردند، جز به فریب و برای ضربه زدن نبود. ابلیس هم ظاهراً خود را غمخوار و حامی آدم نشان داد، به او وعده کمک و حمایت داد ولی در زیر چهره دلسوزی و همدردی، او را به لب پرتگاه انحراف و شکست و تسلیم برد. آری آدم وقتی روش تضاد با شیطان را کنار گذاشت، و با روش توحید با وی برخورد کرد، تسلیم او میشود. این سرنوشت تلخ همه کسانی است که با این روش با شیطانها و ابلیسها روبرو می شوند. خداوند سرگذشت دردناک آدم را به عنوان نمونه و سمبل سرنوشت انسان در برابر دیدگان همه ابناء بشر قرار می دهد تا مگر ما چشمانمان را باز کنیم و بار دیگر چون آدم فریب شیطان نخوریم، با شیطان از در مسالمت و مذاکره و گفتگو وارد نشویم، با شیطان از در تفاهم و بحث و صلح وارد نشویم، با شیطان آشتی و مصالحه خطاست، شیطان نصیحت پذیر نیست، با شیطان وحدت ممکن نیست. آدم چنین تصور باطل کرد و گمراه شد و عملاً تسلیم شیطان گشت و خداوند پس از شرح این سرگذشت تلخ، فرزندان آدم را خطاب قرار می دهد با تأکید، به مکررات تصریح میکند و یادآور میشود که شیطان دشمن شاست، او را به دوستی نگیرید. همین یادآوری را به آدم و حوا کرد اما آنان فراموش گشتند و شیطان شدند. بعدها داستان آدم باز هم تکرار شد، خیلی ها در هر زمان و مکان، دشمنی با ابلیس را فراموش کردند، به امید وحدت با وی از در صلح و مذاکره وارد شدند، به تفاهم نشستند و سرانجام آنان نبودند که شیطان را به "راه" آوردند، بلکه شیطان بود که آنان را به "بیراهه" کشاند، در صورتیکه خداوند فرمان داده بود با شیطان از روش شناخت بر پایه تضاد استفاده کنید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید "اتخذوا عدوی وعدوكم اولیا".

ولی انسان فراموشکار است - انسان جهول و ظلم است - چرا دور برویم، یک نمونه حاضر و زنده حیرت آمیز از تکرار سرگذشت آدم را در عصر خود و در منطقه خود جلوی چشم داریم. پیروان روش شناخت بر پایه توحید اگر می خواهند سرنوشت این روش و دنبال کنندگان آنرا زنده و عینی مشاهده کنند، به سرگذشت و سرنوشت سادات مصر بنگرند. او نیز به تفاهم و روش آشتی و گفتگو و مذاکره اعتقاد داشت. برخلاف نظر فلسطینی ها و همه عربها که بر اساس روش شناخت تضاد با دشمن صهیونی برخورد می کردند، او با این روش با اسرائیل و ارباب امریکائی - اش به گفتگو نشست، او اعتقاد داشت که با استدلال و گفتگو و نصیحت و ارشاد امریکائیکها میتواند سرزمینهای عرب را پس بگیرد و فلسطین را آزاد سازد و مردم آواره و مظلوم را به میهن شان برگرداند. اما همه شاهد این حقیقت تلخ هستیم که او هم مانند آدم در تجربه خود شکست خورد و بجای دست یافتن به درخت بقا و جلودانگی و سعادت و بجای پیروگرفتن فلسطین و کسب آزادی و استقلال، تسلیم شیطان شد، تسلیم بگین و کارتر گردید و گوهر گرانبهای انسانیت را همانند آدم یعنی آزادی و استقلال خود را به شیطان فروخت و بجای رسیدن به ساحل نجات، در مراب خیانت و سازشکاری فرو رفت. هشاریه این دنبال کنندگان روش "شناخت بر پایه توحید" اگر با کمک این روش میخواید شیطان بزرگ و شیاطین کوچکتر و سیاها و دوستان شیطان را به راه راست هدایت کنید، پس برای مشاهده حاصل تلاش و نتیجه روش خود، به قرآن و به تاریخ و به حوادث زمان خود رجوع کنید اگر انسان در بیشمار تجربه های در کاربرد این روش داشته است موفق گردیده، شما

فضل الله کرد. با این کار آنچه را هم که میشد بدست آورد، از دست داد. هر چند ممکن است اینگونه اشخاص با صداقت هم به چنین عملکردهائی دست یازند ولی به سبب آنکه نقش اجتماعی و تاریخی آن عملکرد خواه ناخواه در جهت تقویت استبداد و حکومت خودگامه قرار می گرفت نهایت به آن اقدام می کردند. پرداختن به شیخ فضل الله وضعف نقطه نظرهای وی محتاج مجالی بیشتر است که در اینجا میسر نیست و ما در فرصت مناسب، بدان خواهیم پرداخت، ولی همین قدر لازم است بدانیم که شیخ فضل الله ابتدا خود از تأکید کنگدگان و حامیان نهضت مشروطیت بود، پیش از آن هم در جنبش تنباکو شرکت داشت و تا مرحله تدوین متمم قانون اساسی هم همراه طباطبائی و بهبهائی باقی بود و از آن بعد بود که شیخ فضل الله خود را کنار کشید. نکته مهم این که او که ادعیه حکومت مشروطه داشت، علیه محمد علی شاه آن سلطان فاسد و مستبد که بفرمانش مجلس تنویر بسته شد و بدست او بسیاری از آزادیخواهان از علمای دین و افراد عادی شربت شهادت نوشیدند، قدیمی برنداشت. بطور موجز میتوان گفت بزرگترین اشتباه شیخ فضل الله توری آن بود که تضاد خود را با سایر علمای مذهبی و مشروطه خواه بجای تضاد اصلی که بین استبداد و مردم بود عمده کرد.

شیراز: اکبر - ع
۱ - الزاماً تمام نظراتی که تحت دیدگاه اول ذکر شده است، شامل حزب و گروه خاصی نمی گردد. این دیدگاه یک بیان کلی از نوع نگرشی است که جریان دارد. هر گروه و دسته ای ممکن است بطور نسبی در طیف دیدگاه اول، دوم و یا سوم قرار گیرد. معیارهای ذکر شده در دیدگاهها را میتوان برای ارزیابی جریانات موجود محک قرار داد و درجه و دوری و نزدیکی آنها را نسبت به آن دیدگاه تعیین کرد.
۲ - لازم نیست که شخص یا جریانی که لیبرال نامیده میشود، حتماً سرمایه دار باشد، یکی از مشخصات این جریان اجتماعی - سیاسی (لیبرالیسم) حفظ نظام سرمایه داری است و چه بسا افرادی که شعار نابودی سرمایه داری نیز سر می دهند اما به لحاظ ماهیتی در جهت تثبیت آن گام برداشته در جریان فوق قرار می گیرند. معیار برتر در سنجش سخنها، عمل میباشد و این ساله بخصوص در مسائل اجتماعی نمود دارد و باید بدان توجه شود و سخن را با مقایسه عمل افراد میبایست در نظر گرفت.

کمک های مالی	
کرمان: عده ای از برادران سرباز	۵۵۰۰ ریال
تهران: ک. ع	۱۰۰۰ "
محمدحسین. ع	۱۰۰۰۰ "
رمضانعلی. ر	۱۵۰۰ "
ا. ب	۵۰۰۰ "
م. ن	۲۰۰۰۰ "
بهرام. ق	۱۰۰۰ "
محمد. ک	۳۰۰۰ "
ا. س	۳۰۰۰ "
اصعبان: ابراهیم. ب	۲۰۰۰۰ "
مهدی. ک	۳۰۰۰ "
دزفول: علی. ک	۵۰۰ "
بزازجان: بنفشه. م	۱۴۰۰ "
م. ز	۲۰۰۰۰ "
آمل: ا. س	۵۰۰۰ "
بندر انزلی: عده ای از برادران	
روستای ایکنار - تربهر	۴۱۰۰ "
سمنان: حسین. ح	۱۰۰۰ "
شهرری: س. م	۱۰۰۰ "
همدان: مرضیه. ع	۲۰۰۰۰ "
کوهدشت: جمعی از هواداران	۲۵۰۰ "

تنتکابن: انجمن اسلامی کترا
تهران: م. صرامی - رودسر - داداشی و...
شیخ فضل الله نوری میخواست حرکتی مستقل تحت عنوان مشروطه مشروعه در برابر نهضت مشروطه پدید آورد که در عین حال متحد استبداد نباشد. ولی شرایط عینی و ذهنی رشد یک حرکت اجتماعی را در نظر نداشت و از پیشش تاریخی عاجز بود. پیشش تاریخی حکم می کند اگر شرایط اجازه نمی دهد نهضتی ایده آل پدید آوریم، بدترین کار ممکن آنست که با حرکت موجود چنان مخالفت کنیم که صف ما با صف مخالفین یکی شود و این کاری بود که شیخ



چرا تبلیغات امپریالیست‌ها در مورد گروگان‌ها کاهش یافت؟

قربان بگما از تحویل جاسوسان گروگان به امریکایی‌ها گذرد. آنچه در هفته اول تحویل گروگان‌ها به امریکا شاهد آن بودیم، عبارت بود از تبلیغات متعدد امپریالیسم دال بر اینکه ما جاسوسان بدرقاری شد و آنها شکنجه گردیدند و حتی به آنها تجاوز شده است! اما جندی از این موضعگیری نمی‌گذرد که تبلیغات جاد در مورد مساله گروگانها قطع میشود و حتی مصاحبه‌هایی نیز ترتیب داده شد که افراد "آزاد" شده هرگونه شکنجه را مردود دانسته و به رفتار خوبی که در ۱۴ ماه "اسارت" خود داشتند اذعان نمودند. آیا این تغییر جهت و کاستن از تبلیغات باید امری تصادفی قلمداد شود؟ آیا بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم، تصادفاً همزمان از پرداختن به مساله گروگانها کاسته و مسائل مهمتری را بد نظر قرار داده‌اند؟ سادانندیست است اگر اینگونه تصور کنیم. پس برآی بیاییم امپریالیسم چنین روشی را پیش می‌گیرد؟

اتخاذ این شیوه باید با توجه به اهداف کلی امپریالیسم در رابطه با انقلاب ایران مورد بررسی قرار گیرد و جواب مناسب به این سوال از این چارچوب خارج نمی‌باشد. دیگر این مساله کاملاً واضح شده است که هدف نهایی امریکا نابودی انقلاب اسلامی ایران (از راه سازش‌کنندگان آن یا ساقت نمودن حاکمیت سیاسی) میباشد. امپریالیسم برای آنکه انقلاب را از محتوی تهی ساخته و جوهرهٔ مکتبی آنرا گرفته و نظام وابسته را احیا نماید، کلیهٔ تمهیدات خود را بکار خواهد برد. یکی از راههای امریکا برای رسیدن به این هدف الفاً، این تکرار در سطح جهانی و در میان مردم ایران است که انقلاب به سازش رسیده و دیگر پتانسیل بالایی برای ایجاد حرکت ندارد. برای این منظور باید امپریالیسم امریکا را بعنوان دشمن اصلی انقلاب از ذهن توده‌ها خارج ساخته و از اوج نفرت مردم نسبت به آن بکاهد. در افشاکاری جدید دانشجویان مسلمان بیرو خط امام ابغادی از عملکرد جاسوسان امریکائی را در این رابطه نشان میدهد. در نامه‌ای که هارولد ا. ج. ساندرز به نیوسام در تاریخ ۱۴ شهریور ۵۹ می‌نویسد، متذکر می‌گردد که "... خصوصیت ضد امریکائی بودن هنوز قوی است و بصورت نیروی باز-دارنده‌ای در مناسبات ما ادامه دارد..."

و در جای دیگر بعنوان رهنمود یادآور میشود که "... گاه بیانات عمومی توسط مقامات بزرگ و رسمی برای اهمیت ایران و روابط خوب ایران و امریکا بیان شود... یا در تحلیل قوهٔ اینکارات سیاسی جاسوسان اینطور گزارش میدهند که "... مسائل جدی نسبت به ایالات متحده در دیدگاه مردم ایران وجود دارد که احتمالاً برای مدتی با روابط امریکا - ایران مقاومت می‌کند. این مسائل با اطلاعات صدامریکائی که بطرف ایران در داخل ایران در جریان است منجم می‌گردد..." (صفحه ۳ افشا - کوی شماره ۳)

بنابراین امریکا در سطح جهانی تبلیغات ترتیب دادن این‌گونه محاکمات که مدت کوتاهی از آزادی گروگانها می‌گذرد، آدمی را بفکر میبرد و بخود حق میدهد که سوال کند: چگونه محاکمهٔ امپریانتظام و علوی و باقری به تاخیر افتاده است؟ اگر واقعاً مسالهٔ خاصی پشت پرده نیست، خلق ما منتظر است تا با اسناد و مدارک فراوانی که دربارهٔ آنها وجود دارد، با برائتی دادگاه انقلابی بدون کوچکترین گذشت و غمض عین و رعایت توصیه‌ها و خواهش‌ها و مصالح! و مسائلی از این قبیل محاکمه و مجازات این مامورین و رابطین آگاه و ناآگاه! امپریالیسم را مشاهده کند.

پیام سعد مجیر ● بمناسبت سالگرد انقلاب

دکتر حبیب‌الله بیمان
بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
السلام علیکم:
به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی درین کشور برادر، تبریکات گرم و آرزوهای قلبی خود را به حضورتان تقدیم داشته و به روح شهدای پاک‌بازیکه در قبول شهادت و تحقق پیروزی بزرگ پیشگام بوده‌اند، درود می‌فرستم و از خدای بزرگ خواستاریم که این پیروزی را آغازی برای نصرت مسلمانان در همه جا قرار دهد.
کمیتهٔ مردمی دفتر مردمی جماهیری عربی لیبی در ایران به شما تاکید میدارد که برادران مسلمان و انقلابی‌تان در جماهیری چشم به روزی دارند که این دولت انقلاب در یک انقلاب اسلامی جهانی واحد بهم بیوندند و این انقلاب اسلامی جهانی واحد مسلمانان را در همهٔ نقاط دنیا باری داده و مستضعفان را آزاد و متحد سازد و به این ترتیب مشیت الهی را هم تحقق بخشد، و بکون‌الامر یومئذالله.
والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته
سعد مجیر دبیر کمیتهٔ مردمی دفتر مردمی
۵۹/۱۱/۲۲

اعمال نفوذباندهای ارتجاعی و چماق بدست - در جهت تضعیف انقلاب است

پس از دو سال که از قیام خونبار امت نهرمان می‌گذرد، هنوز شاهد فعالیت و اعمال نفوذ باندهای هستیم که در گوشه و کنار دست به کشتار و زخمی کردن افراد و ایجاد اغتشاش و درگیری می‌زنند. افراد این باندها که اکثراً از کمترین بیش سیاسی و تعهد انقلابی برخوردار نیستند و دارای انحرافات بسیاری در زمینه‌های گوناگون می‌باشند، و در پوشش و اسم حزب‌الله و رهبری امام کوچکترین اعتقادی به مردم و اسلام و انقلاب نیز ندارند. در هر شهر بصورت شبکه‌ای گسترده عمل میکنند و کارشان نیز تنها ایجاد وحشت، ترور، ناآمنی و... میباشد، بطوریکه حتی بسیاری مردم عادی سزا از ایشان در امان نیستند. دائماً در معرض تهدید و خطر از جانب این باندهای ارتجاعی قرار می‌گیرند. مسالهٔ مهم و اساسی آن نیست که چرا این گروهها بوجود آمده و فعالیت میکنند زیرا آنهاست که در این باندها جمع میشوند در هر کجای دیگر نیز که بودند، ضربه خود را می‌زنند. اما مسالهٔ آن است که ایشان در هر شهر و ناحیه‌ای تنها تحت لوای یک روحانی یا یک کمیته و یا یک جریان خاص عمل میکنند و فقط در سایهٔ حمایت آنهاست که میتوانند چنین گستاخانه و آزادانه فعالیت کنند، بطوریکه اگر این افراد و جریانات حمایت و پشتیبانی و سکوت در برابر ایشان و در مواردی حمایت و پشتیبانی از آنها عملاً تیشه به ریشهٔ انقلاب می‌زنند؟ چرا در حالی که عاملین اصلی این گروهها و نیز جریانات پشت سر آنها کاملاً مشخص و معلوم‌اند و از دید شما نیز پنهان نیست را دستگیر و به مردم معرفی نمی‌کنید؟ چرا حتی بگونه‌ای نهاد - های انقلابی را هدایت می‌کنند که این

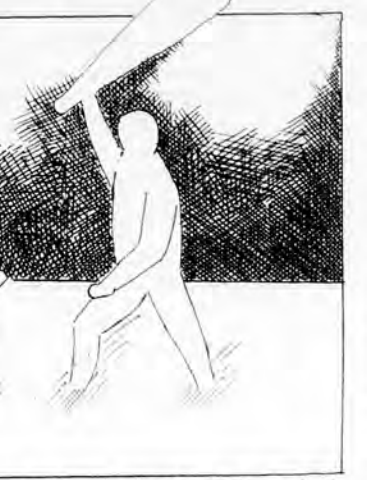
تضعیف انقلاب و رهبری آن نقش بسیار اساسی و مهمی دارند. و اگر منظور جدی با این گروهها و حامیان و پشتیبانان آنها برخورد نشود، بعنوان مانع بزرگی بر سر راه حرکت انقلابی توده‌ها همچنان باقی خواهد ماند. ما از دست‌اندرکاران و مسئولین امور می‌پرسم چگونه است در حالی که اینهمه مشکل و مانع بر سر راه انقلاب است. با این پدیدهٔ ارتجاعی که مادر بسیاری از عوارض و بحرانهای داخلی است، برخورد نمی‌کنید، چرا خود با سکوت در برابر ایشان و در مواردی حمایت و پشتیبانی از آنها عملاً تیشه به ریشهٔ انقلاب می‌زنید؟ چرا در حالی که عاملین اصلی این گروهها و نیز جریانات پشت سر آنها کاملاً مشخص و معلوم‌اند و از دید شما نیز پنهان نیست را دستگیر و به مردم معرفی نمی‌کنید؟ چرا حتی بگونه‌ای نهاد - های انقلابی را هدایت می‌کنند که این

در هر حال این جریانات که روز بروز دامنهٔ آنها نیز گسترده‌تر میشود، در شرایط کنونی صریحاً اساسی بر انقلاب وارد ساخته موجب گشته‌اند که بسیاری از مردم نسبت به حرکت انقلاب دچار شک و تردید و پایه‌های اساسی آنرا مورد سوال قرار دهند.
نقش این باندها در شرایطی که در جنگ مستقیم با عراق هستیم و فشارهای امپریالیسم موجب بوجود آمدن بحرانها و مشکلاتی در حرکت جامعه گشته‌است و وحدت یکپارچهٔ مردم در مبارزه علیه امپریالیسم بیشتر از هر زمان دیگری است، مشکل دیگری را به مشکلات ما افزوده و در

بانداهای سر علیرغم ماهیت وستی‌حرکشان به حمایت و پشتیبانی از این گروهها می‌پردازند؟ آیا اگر تنها در روزنامه‌ها تا این اعمال را محکوم کردید کافی است؟ و فکر می‌کنید میتوان اینگونه مردم را از واقعبینان دور نگه داشت؟ شما که خود را وارث انقلاب و امام می‌دانید، آیا فکر می‌کنید با این شیوه‌ها میتوان رقیب را از صحنه بیرون کنید، ما نقش گروههای فشار و چماقدار را پیش از اینهم بارها گوشزد کرده‌ایم و خود از آسیب آنان در این مدت در امان

درجهٔ کفر!

وزیر مشاور دولت آقای نبوی طی مصاحبه‌ای که با ایشان عمل آمد، در جواب علت شرکت ایران در کنفرانس غیر-متعهد با وجود فردی چون سعدون حمادی وزیر خارجه و نمایندهٔ دولت عراق، اظهار کرده‌اند که: در کنفرانس طائف صدام شرکت داشت که درجهٔ کفرش ۱۰۰ میباشد ولی در کنفرانس غیرمتعهد سعدون حمادی شرکت داشته است که درجهٔ کفرش ۱ تا ۳۰ میباشد! با این گفته ایشان خواستند علت شرکت ایران در کنفرانس غیرمتعهدها را با وجود شرکت عراق "توجیه" کرده باشند.
بنظر ما ماهیت یکپارچهٔ یک رژیم را نمی‌توان در برخورد با اعضای تشکیل‌دهنده آن تجزیه کرد و مجموعهٔ عملکرد واحد آنرا بغراموشی سپرد. بی‌شک همه میدانند که در امور دیپلماتیک جایی برای تفکیک سعدون حمادی از صدام حسین وجود ندارد. نتیجهٔ حضور در کنفرانس غیرمتعهدها با اینگونه توجیحات تغییر نخواهد کرد و کسی با محک‌های آقای وزیر مشاور درجهٔ کفر سعدون حمادی را جدا از رژیم بعث نخواهد سنجید. البته اینگونه تقسیم‌بندی‌ها توسط آقای نبوی تنها در حوزهٔ سیاست محدود باقی نمی‌ماند. در زمینه‌های ایدئولوژیک هم ایشان بد طولانی در این‌گونه تقسیم بندی‌ها دارند که ما را نیز در این میان بی‌نصیب نگذاشته‌اند. قبلاً در بارهٔ صورتها و بی‌امدهای شرکت در کنفرانس غیرمتعهدها در شماره گذشته اشاره کردیم. حداقل انتظاری که می‌شد داشت، این بود که اینک که هیاتی از جانب ایران در کنفرانس غیر - متعهد شرکت کرده بود، با استفاده از موقعیت و فرصتی که در کنفرانس وجود داشت، حقانیت موضع ایران در قبال جنگ تحمیلی، و نوظهورهای امپریالیسم به کشورهای شرکت کننده تفهیم میشد.

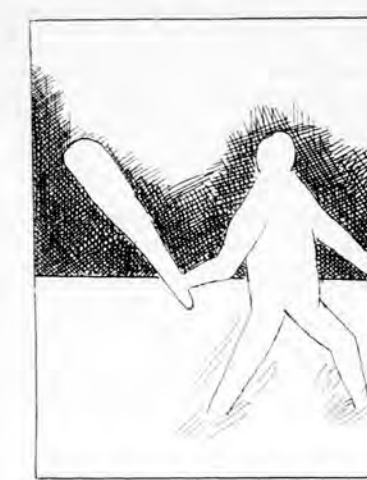


و به می خود ادامه میدهد. همهٔ این روشها محکوم است و دلیل ضعف و زبونی عاملین آن می‌باشد. اما با این شیوه‌ها تا کی میتوان بر مسند قدرت ماند و یا برای کسب قدرت و بدست آوردن حکومت کوشید همچنانکه برده‌های فریب و دروغ و ریا تا کنون بالا رفته، زمانی نخواهد گذشت که عاملین تحریک و آشوب و هرج و مرج چه در شکل چماق‌بدست آن چه قلم بدست و روشنفکر آن بیش از این افشا و رسوا خواهند شد.

حکایت ناگفتن

و بر هر چه نامرئی است شورش آرند
و حدیث "کمال" را عنینت بخشند.
* * *
سرودی سرودن باید که نجابت خلق را بر فرق روبه‌بان گوید و حدیث عشق انقلابی را برایشان به تفسیر نشیند تا اینها به خود آیند
و آنها بر خود لرزند - درست بسان موسی چوپان -
و این خود سر تمامی هدایت‌های شورشگرانه است شورشهای هدایتگرانه.
* * *
ما را در این مقال فرصت نیست
ورنه، باید سرودی سرود این حکایت را
که بوی آفتاب دهد، در پاییز و عشق، در زمستان
سرودی سرودن باید، ارغوانی رنگ و گرم همچون فریاد تا خیل خلق
دگرباره
مشتهایان روان شود
و قدمشان، قداست یابد
چشمانشان سرخ گردد
و دلهاشان عاشق
و عشقشان بزرگ

نمانده‌ایم، اوج گرفتن جریانات چماقداری در روزهای اخیر و برخوردهایی راکه در رابطه با آقای لاهوتی پیش آورد، موجب طرح مجدد آن در ابعاد وسیع در جامعه گشته است. منظور ما در اینجا بازگویی آنچه که در بارهٔ آقای لاهوتی اتفاق افتاده نیست، این یک قسمت از کل ماجرا را تشکیل میدهد و طبعاً کو ششهایی هم عمل می‌آید تا نحوی از این مسئله بهره‌برداری کنند، امر چماقداری از اولین روزهای انقلاب شروع شد و آنرا محدود به حادثهٔ خاصی نمیتوان کرد. چماق در مواردی به شکل فیزیکی آن بکار میرود و اغلب توسط عناصری که موسوم به "حزب الله" شده‌اند که در کنار آن نفوذ عناصر ساواک و مزدور را هم در حادثه آفرینی‌ها نباید فراموش کرد و نوع دیگری از چماقداری که مودبانه تر و قانونی‌تر است! و آن چماق قلم و شعار و تانتاز و تلفظ و... می‌باشد. این شیوه که مخصوص گروههای خاصی است از طریق تلفنهای مکرر و ایجاد شعار و شایعه و... اعمال میشود و تا کنون برای عاملین آنهم گویا نتیجهٔ خشن بوده، زیرا همچنان به این سیاست ادامه میدهند.
در این روش که با ایجاد جو روانی و تانتاز سیاسی اجرا میشود، چون معمولاً ردیای آنرا هم نمیتوان پی‌گیری کرد، از دسترس قانون و مردم هم در امان می‌ماند



بانداهای سر علیرغم ماهیت وستی‌حرکشان به حمایت و پشتیبانی از این گروهها می‌پردازند؟ آیا اگر تنها در روزنامه‌ها تا این اعمال را محکوم کردید کافی است؟ و فکر می‌کنید میتوان اینگونه مردم را از واقعبینان دور نگه داشت؟ شما که خود را وارث انقلاب و امام می‌دانید، آیا فکر می‌کنید با این شیوه‌ها میتوان رقیب را از صحنه بیرون کنید، ما نقش گروههای فشار و چماقدار را پیش از اینهم بارها گوشزد کرده‌ایم و خود از آسیب آنان در این مدت در امان

و بر هر چه نامرئی است شورش آرند
و حدیث "کمال" را عنینت بخشند.
* * *
سرودی سرودن باید که نجابت خلق را بر فرق روبه‌بان گوید و حدیث عشق انقلابی را برایشان به تفسیر نشیند تا اینها به خود آیند
و آنها بر خود لرزند - درست بسان موسی چوپان -
و این خود سر تمامی هدایت‌های شورشگرانه است شورشهای هدایتگرانه.
* * *
ما را در این مقال فرصت نیست
ورنه، باید سرودی سرود این حکایت را
که بوی آفتاب دهد، در پاییز و عشق، در زمستان
سرودی سرودن باید، ارغوانی رنگ و گرم همچون فریاد تا خیل خلق
دگرباره
مشتهایان روان شود
و قدمشان، قداست یابد
چشمانشان سرخ گردد
و دلهاشان عاشق
و عشقشان بزرگ

افشاگریهای جدید دانشجویان مسلمان پیر و خط امام

چه کسانی از محاکمه تیمسار باقری جلوگیری می کنند؟

جگونه تیمسار باقری که به جرم شرکت در کودتا دستگیر شده بود آزاد شود حکم خروج از کشور گرفت؟!؟

فرودگاه مهرآباد دستگیر میشود. روز بعد یک نردکیان تیمسار باقری اظهار می کند: "سرلشکر باقری بموجب حکمی که از سوی رئیس جمهور به همراه هیاتی برای شرکت در کنفرانس هواپیمایی عازم خارج از کشور بود، دبروز در قسمت پابویون دولتی فرودگاه بی هیچ دلیلی توسط افراد غیر مسئول دستگیر شده است." (۵۹/۶/۲۲ کیهان) یکی از پاسداران مستقر در فرودگاه که در جریان این دستگیری شرکت داشته، در گفتگویی درباره جریان چنین میگوید: "ساعت ۱۰ شب از انجمن اسلامی نیروی هوایی با اطلاع داده شد که تیمسار باقری فرمانده سابق نیروی هوایی که توسط حاکم شرع دادگاههای ویژه ارتش منع خروج اعلام شده است، قصد دارد با پرواز افرانس به کشور فرانسه برود." "یاقری همراه هیاتی انبوه اند و تنهاراننده مسلحان همراه ایشان بوده اند. و ثانیاً معلوم نیست باز چگونه کسانی که دم از رعایت قانون و حفظ ضوابط و حدود نغور در کارها و عدم مداخله در امور دیگران می کنند، کسی که از طرف دادگاه ویژه ارتش منع خروج میباشد، امکان خروج از کشور می دهد؟"

برای ایجاد وحدت! در کشور بسیار انجام داده اند. آزادی خسروخان قشقایی و احاله سرپرستی هیات رسیدگی به مشکلات عشایر قشقایی به او نیز از نمونه های قابل ذکر دیگر در این مورد میباشد و حتی وقتی اسناد همکاری خسرو قشقایی با ساواک و درباره در روزنامه ها فاش میشود، آقای نوبی رئیس بانک مرکزی از حلقه های نزدیک به رئیس جمهور، همچنان از خسروخان قشقایی دفاع میکند و اظهار می دارد: مدارک در مورد خسرو قشقایی کذب محض است چرا که در مدارک موجود از نوع مدارک دانشجویان مسلمان پیر و خط امام است و بی پایه و اساس (۵۹/۴/۲۴ کیهان) و این هنگامی بود که امثال مدنی ها هم این اسناد را جعلی معرفی می کردند. البته شاید ایشان و دفتر رئیس جمهور هم در برنده امثال قشقایی و باقری و مدنی هنوز به مصر باشند! بخصوص درباره جناب تیمسار مدنی، زیرا رئیس جمهور همین اواخر در کارنامه همراه محمداقرار کردند که می خواستند مدنی را که نخست وزیر بنمایند چون آنجیزی را که مردم میخواهند یعنی امنیت و اقتصاد، مدنی در خطه جنوب پدید آورده بود! دو ماه بعد از این آزادسازی رئیس جمهور وقتی آقای تیمسار باقری قصد دارد با پرواز افرانس از کشور خارج شود، توسط گروه ضربت پاسداران مستقر در

در خبرها آمده بود که محاکمه علوی فرمانده سابق نیروی دریایی و امیرانظام بزودی شروع خواهد شد ولی محاکمه تیمسار باقری فرمانده سابق نیروی هوایی معلوم نیست کی شروع شود یا اصلاً ایشان محاکمه شوند، چون بعضی ها دلشان میخواهد که ایشان اصلاً محاکمه نشوند. در دنباله خبر آمده بود که دادگاه انقلاب قصد دارد ایشان را محاکمه کند ولی سعی میکند او را بعد از جنگ محاکمه کند چون ایشان نظامی بوده و هستند! مردم بخود حق می دهند در برابر این نوع استدلال و این گونه مسائل بپرستند: اولاً: اگر تیمسار باقری نظامی بوده و هستند در یادار علوی هم نظامی بوده و هستند پس چگونه است که یکی را محاکمه می کنند و محاکمه دیگری را بتعویق می افکنند. ثانیاً: این چه کسانی هستند که دلشان میخواهد که تیمسار باقری اصلاً محاکمه نشوند "موقعیت و مقام این بعضی ها چیست که بر دادگاههای انقلاب هم فشار می آورند؟! تیمسار باقری که جرم شرکت در کودتا دستگیر میشود، بوسیله رئیس جمهور آزاد میشود. رئیس جمهور در این مورد میگوید: "دستگیری تیمسار باقری در رابطه با کودتا دروغ محض است. تیمسار باقری در کشف شبکه توطئه ما را یاری کرده است." البته از این آزادسازی ها، رئیس جمهور

سعی در حفظ آن با همان ساخت و سازمان - دهی قلبی دارد، ارتش است، که دست نخوردن و سالم مانده بیکره آن به شکل سابق برای آمریکا بعنوان یک امید بلند - مدت قابل توجه است. در سندی که در آن ارتش ایران تحلیل شده است، گفته شده که: "اگرچه اساس ارتش بهم خورده و دورنمای جریانات برای بازسازی آن نامشخص است، اما نیروی است که امتیازات قابل توجهی دارد." و برای رسیدن به این منظور به افراد وابسته خود در ارتش تکیه و امید دارد، بطوریکه در یکی از اسناد به وزارت امور خارجه اینگونه گزارش می شود: "برخلاف این ادعای استقلال ایران، اخیراً حرکت های متعددی صورت گرفته که نشانگر این است که بعضی از فرماندهان نظامی مایلند که در یک حد محدودی این مناسبات از سر گرفته شود. مثل کار تدارکاتی و حمایت قطعات با آمریکا." مسلم است که حفظ سازماندهی و ساخت سابق الزاماً تکیه بر سلاحها و قطعات آمریکائی را بدنبال خواهد داشت و از پی آن بندهای وابستگی ارتش به عنوان یکی از امیدها محکمتر می گشت. در قسمتی از تحلیل ارتش آمده است: "ما با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن دار ایران در مورد سپرده های فروشهای نظامی در آمریکا، ما باید مستولانه عمل کرده و بازرگان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش ایران دوستانی خواهیم داشت که میتوانند معضلات سیاسی مملکت را رهگشا باشد." دیدیم که برای اولین بار بعد از پیروزی، آمریکا از ارتش بعنوان یک "کلید" در کودتای ناخرجام تابستان گذشته استفاده کرد که این امر نشانه ای از سهل انگاری ها و بی کفایتی های مسئولین وقت در برخورد با نهادهای بازمانده از زمان شاه بود. امیرالایم برای بازگشت مجدد از کوچکترین روزه های موجود حداکثر استفاده را خواهد کرد. کمترین ارفاق ها و ساده اندیشی ها در بازگردن جبهه های هرچند کوچک، برای امیرالایم بعنوان درجه نوبی از امید به گذشته های نه چندان دور تلقی خواهد شد. اسناد افشاده بیانگر آن است که آمریکا از طریق فرهنگی نیز بیشترین مساعی خود را برای آماده سازی آذهای جهت برقراری روابط بکار برده و از این پس نیز خواهد برد. تکیه بر آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا، یکی از وسایل برای رسیدن به این مقصود است. استفاده از فیلم، تاتر، موسسات باصطلاح فرهنگی چون انجمن ایران و آمریکا، تربیت "اسلام شناسان آمریکائی" برپای میزگردها و "مراکز مطالعات علمی" تشکیل نمایشگاهها و نشر روزنامه... بعنوان تلاشهایی برای بازگشت مجدد مد نظر امیرالایم قرار می گیرد، چنانکه در آنجا که از موسسات آموزش زبان انگلیسی و از زمینه موجود در مردم برای پذیرفتن فرهنگ غربی سخن بچیان آورده میشود، جاسوسان اینطور تحلیل می نمایند که: "... این موسسات جزء معدود پنجره های باز جهت حضور ما در ایران است. نظر ما این است که این موسسات را هرچه بیشتر توسعه دهیم و برنامه را بشکلی هدایت کنیم که بطرف منظوره های خودمان پیش رود..."

افشاگری شماره ۳ دانشجویان مسلمان پیر و خط امام که در جزوه ای بنام "تحلیل های آمریکا در مورد انقلاب اسلامی ایران" به چاپ رسیده است، حاوی نکات مهمی است و بسیاری از شیوه های امیرالایم را در رابطه با انقلاب ایران مشخص و روشن نموده است. این ضعف و اشکال، در افشاگری دانشجویان پیر و خط امام وجود دارد و جای سوال دارد که چرا این افشاگریها را به تاخیر افکنند؟ اما این ضعف نباید باعث شود که بدون توجه به محتوی جزوه سادگی از کنار اسنادی که از لایه حاسوسی بدست آمده اند بگذریم و آنان را نادیده انگاریم. اسناد فوق بکار دیگر نشاندهنده خطوط استراتژیک امیرالایم در رابطه با ایران قبل و پس از پیروزی انقلاب میباشد. سری اسناد منتشره قابل توجه است، تکیه آمریکا بر نیروهای "میانرو" جهت دستیابی به روابط "دوستانه" و غیرخاصه با ایران است. امیرالایم آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب چنانکه در تحلیلها نیز ارائه داده بودیم، تفاوت نظام و حرکت اجتماعی مردم را بخوبی حس کرده و بیشترین تلاش خود را مصروف حفظ و نگهداری سیستم گذشته و ایجاد تغییراتی رونمائی و شکلی یا حفظ محتوی سابق نموده بود. برای رسیدن به هدف فوق، تقویت دولت موقت و تضعیف حرکت مردم را به رهبری امام خمینی، اجتنابناپذیر می دانست و بسیاری از این اسناد بیانگر این آرزو و خواسته امیرالایم هستند. برای مثال در یک سند آمده است که:

دانشکده، مهندسی شیراز برگزار شد. مراسم با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید آغاز شد و سپس قطعه شعری را که یکی از برادران مبارز بیاد محمد سروده بود، خوانده شد و سپس مقاله ای در وصف خصوصیات سیاسی - مبارزاتی - اخلاقی شهید قرائت شد. در ضمن شعارهای دستجمعی در خلال برنامه داده میشد و نیز متن تلگرافی را که جنش مسلمانان مبارز برای خانواده شهید ارسال داشته بود، بازگو شد.

بزرگاری هفتمین روز شهادت برادر مبارز محمد نجابت



روز سمدسبه ۵۹/۱۱/۲۸ بمناسبت هفتمین روز شهادت برادر مبارز محمد نجابت از هواداران موثر ج. م. م. شیراز، مراسم بزرگداشتی از سوی همزمان در

سپس یکی از برادران مبارز به سخنرانی پرداخت و در رابطه با آرمانهای شهید و جریانهای انحرافی - ارتجاعی و سازشکار که دستاوردهای انقلاب و حرمت خون شهیدان را به باد داده اند، سخنانی ایراد داشت. امید که راه محمد را، که راه رهایی خلق، راه تداوم انقلاب و راه مبارزه بی وقعه با امیرالایم است، همواره رونده باشیم.



حمله باندهای انحصارطلب به فروشندگان امت

سکوت و مماشات مقامات مسئول را در برابر این جریان قابل قبول نمیدانیم همچنین به همه عناصر و نیروهای صادق و دلسوز انقلاب هشدار میدهیم که نباید در برابر این حوادث بی تفاوت بود و آنها را کوچک شمرد.

هر هفته اخبار متعددی حکایت از حمله به فروشندگان امت در شهرهای مختلف ایران بویژه کرمانشاه دارد. ضرب و شتم و در مواردی جرح و جراحت برادران و سرقت وسایل آنها و پاره کردن امت و توهین و دشنام به جوانان صادق و مومنی که خالصانه نیروی خویش را در جهت حفاظت از انقلاب و مبارزه با سازشکاری و ارتجاع گذاشته اند، جز به نفع ضدانقلاب و امپریالیزم نیست. تحقیقات نشان میدهد که عامل اصلی این درگیریها یک باند راست گرای انحصارطلب است که با استفاده از حمایت بعضی مقامات مسئول و عناصر مرتجع در لباسها و پست های مختلف، تحت عنوان "حزب الله" به تحریک برخی جوانان ساده و بی اطلاع پرداخته و موجبات هرج و مرج و ضرب زدن به انقلاب را فراهم می کنند. رهبران این جریان که از یکسو عناصر مشکوک و وابسته در آن نفوذ دارند و از سوی دیگر از انجمن ضدبهاونی تغذیه و تقویت میشود و تاکنون از طرف بعضی مسئولین حمایت نیز شده اند، برای رسیدن به منافع نامشروع خویش از هیچ اقدامی فروگذار نمی کنند. مقامات مسئول مملکتی اعم از سیاسی و انتظامی، در برابر

عقاید وابستگی به آمریکا در بین دولت موقت و خمینی متفاوت است و فعالیت های ضد آمریکائی خمینی افزایش یافته است. عقاید خمینی ضد هرگونه خارجی است، مخصوصاً آمریکا، او مایل است که روابط بطور کلی با آمریکا قطع شود... دولت آمریکا روابط تازه ای را بر اساس ضوابط دولت موقت ایجاد کرده است که اسن مثل گذشته استوار و محکم نیست، ولی دوستانه و همکاری طلبانه است... و یا در قسمتی از اسناد برنامه بلند مدت آمریکا در رابطه با انقلاب ایران اینگونه توضیح داده میشود: "ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانرو باشد و ناسیونالیست های مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند." از برخورد مقابل آمریکا و دولت موقت که بعد از پیروزی انقلاب براریکه قدرت سوار شد، تا کنون زیاد صحبت شده است و اسناد جدید نیز از سخنگویان "دولت انقلاب" و وزرائی چون محمدعلی ایزدی فتودال وزیر کشاورزی که کارت سبز در جیب، در خدمت کاخ سفید گام بر میداشت و نیز متحدین مذهبی آنها از مراجع عظام! نکات بسیاری بازگو کرده است و ما چون چه در قبل از افشای اسناد و چه بعد از آن به خطر این جبهه بارها پرداخته بودیم، و از طرف دیگر بسبب کمبود جا از تکرار آن در این مقال خودداری می کنیم (که البته این معنای کم بهادادن به خطر این جبهه نیست، که هنوز هم جبهه فتودالها و سرمایه داران و لیبرالها و مرتجعین، بزرگترین امید داخلی امیرالایم محسوب میشود).

هموطنان مبارز لطفاً وجوه نشریه "امت" و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را به دفتر امت ارسال دارید

مشترکیم خواهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هر چه زودتر پرداخت نمایند. باتشکر - امور مالی و توزیع

نشریه جنبش مسلمانان مبارز سال دوم زینظر شورای نویسندگان شماره ۹۷

خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو ۸۲۴۹۸۲

اسناد منتشر شده بکار دیگر تعدادی از درجه های نفوذ امیرالایم انگشت می نهد و گوشه ای از توطئه های بی شمارش را بر علیه انقلاب اسلامی ایران نشان میدهد. یله امیرالایم تنها از طریق پایگاههای اقتصادی، نظامی و سیاسی و فرهنگی خود و حفظ آنها قادر به ادامه حیات انگلی خویش میباشد و در این راه استفاده از هر وسیله ای را مجاز می شمارد (که جاسوسی برای آن تنها یکی از شیوه های رسیدن به هدف محسوب میشود) و تجربیات خلق های محروم جهان در نقاط مختلف - و از جمله ایران - بیانگر شیوه های مختلف غارتگری امیرالایم برای استثمار و تجاوز و غارتگری است و باز همین تجربیات نشانگر آن است که تنها اتخاذ سیاستی انقلابی با تکیه به مردم و مبارزه دائم برای از بین بردن پایگاههای داخلی امیرالایم است که قطع ید آنرا بدنبال داشته و به حیات شیطانی اش خاتمه میدهد. باشد تا با افشای هرچه بیشتر ماهیت امیرالایم و با اتخاذ سیاست های انقلابی، در جهت قطع وابستگی و نابودی آن گام های اساسی تری برداریم.

بین ایران و کمپانی های خصوصی سویم؟ ایران شروع به پرداخت بعضی از صورت حسابها کرده است و بعضی از قراردادهای را دوباره منقضی کرده، مثل قرارداد ۵۰ میلیون دلاری گندم و پروژه پالایشگاه اصفهان و همچنین ۲۰ میلیون دلار به AMC پرداخت شده برای شروع بهره برداری از ماشین های چاپ، همچنین ETC و شرکت بل در حال گفتگو است. به اتاق بازرگانی خصوصی ایران - آمریکا توصیه شود که در جهت حل مسأله به ما کمک کند و باید یک هیئت تبلیغی فعال برای این موضوع به تهران فرستاد..."

یتی دیگر از نهادهایی که امیرالایم